



پوهنتون صلاح
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرامه ماسټری تفسیر روحدیت



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معدیت علمی

تفسیر موضوعی سوره مبارکه (الجن)

رساله ماسټری

محصله: عایشه "متوکل"

استاد رهنما: استاد شکرالله "مخلص"

سال: 1443 هـ ق = 1400 هـ ش



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قاتون
پرنامه ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت علمی

تفسیر موضوعی سوره مبارکه (الجن)

رساله ماستری

محصله: عایشه "متوکل"

استاد رهنما: استاد شکرالله "مخلص"

سل: 1443 هـ ق = 1400 هـ ش





پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

تصدیق نامه

محترمه عایشه متوکل بنت حسین الله: ID: 98-650-MST-SH محصله دور پنجم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: تفسیر موضوعی سوره مبارکه الجن به روز ۱۳۱۹/۱۲/۱۹ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۴ (نمره به عدد) نود و چهار (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد محمد نعیم جلیلی	عضو هیات	
۲	دکتور محمد مزمل اسلامی	عضو هیات	
۳	استاد شکرالله مخلص	استاد رهنا ورلیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... امر بورده ماستری

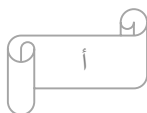
اهداء

به رسم یاد بود از آموزگار بشریت، فخر انسانیت، پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم، این اثر را با همه کاستی های آن بر روح پر فتوح ایشان وسایر انبیاء کرام علیهم السلام که در مسیر دشوار آموزش وگسترش علم ودانش وهدایت انسان ها از هیچ ایثاری دریغ نکرده اند اهداء مینمایم.

وتقدیم میکنم به خانواده صمیمی، بامحبت وفدا کارم، که توفیق خود را نتیجه رهنمایی ها وفدا کاری ها ودعا های خیر ایشان می دانم، تا باشد که قطره ای از دریای بی کران محبت های شان راسپاس گفته باشم.

وتقدیم میدارم به ارواح همه علماء دانشمندان ومجاهدین امت مسلمه که از دین وسر زمین اسلام با قلم وشمشیر دفاع کرده اند.

وآجر وثواب آنرا به روح شهدای راه آزادی ودفاع از حریم اسلام وانسانیت تمنا دارم.



خلاصه موضوع

موضوعی را، که بنده به عنوان پایان نامهء تحصیلی دوره ماستری برایم برگزیده ام، آن عبارت از تفسیر موضوعی سورهء مبارکه الجن میباشد. این سوره مبارکهء حاوی موضوعات چون گوش فرا دادن جنیات به تلاوت قرآن کریم وایمان آوردن آنها به قرآن و بعضی از مسائل پیرامون آنها را شامل میشود، که در این نوشته تا حد توانم روی آن بحث کرده ام.

سپاس گذاری

نخست از همه شکر و سپاس الله متعال را که بنده را به نوشتن و تکمیل نمودن این پایان نامه توفیق عنایت فرمود بجا میاورم.

وثانیاً از هیأت رهبری پوهنتون سلام و تمام مسؤولین و کارمندان این پوهنتون، استادان معظم و گرانقدرم، به ویژه استاد رهنمایم، شکر الله "مخلص" که رهنمایی بنده را به عهده گرفته و وقت گرانبهای خویش را در این راستا صرف کرده و با دانش و درایت کامل شان در راستای سهولت آفرینی و در موارد حل مشکلات نوشتاری این تیزس بیش از حد بنده را یاری فرمودند، از ایشان نهایت سپاس مند و شکر گذار بوده و از الله متعال برای شان عمر طولانی و با برکت جهت خدمت بیشتر به دین و اهل علم مسألت دارم.

و هم چنان سپاس فراوان مینمایم از شریک زندگیم که در ترتیب این رساله با بنده از هیچگونه همکاری در یغ نورزیده و وقت گرانبهای خویش را در تصحیح و ترتیب این رساله صرف نمودند از بارگاه ایزد منان به ایشان علم با عمل و عمر با عافیت تمنا دارم.

و نیز سپاس ویژه دارم از همه اعضای خانواده گرامی ام که در رأس پدر بزرگوارم، مادر مهربانم، برادران نهایت عزیزم، خواهران نهایت دلسوز و مشفقم، که زمینه تعلیم و تحصیل را در هر شرایط برایم مساعد ساخته تا توانستم موفقانه دوره های تحصیلی لسانس و ماستری خویش را به پایه اکمال رسانم.

و در اخیر تشکر و تقدیر خویش را خدمت تک تک کسانی تقدیم می نمایم که بنده را در نوشتن و اکمال این رساله همکاری کردند.

خلاصه سوره

محور اصلی این سوره مبارکه را موضوع جن و امور خاصه ای که به جنیات تعلق دارد تشکیل میدهد، که ابتدا از سمع و شنیدن قرآن کریم الی قبولیت و ایمان آوردن جنیات به قرآن رایبان نموده و بعداً بعضی امورات عجیب که مربوط به جنیات میشود توضیح داده است، مانند استراق السمع، هدف قرار گرفتن آنها ذریعه شهاب سنگ سوزاننده و آتشین، و اطلاع داشتن جنیات به بعضی اسرار غیب. بعد از آن ذکر تقسیم شدن جنیات را به دو گروه مسلمان و کافر و سر انجام هر دو گروه را بیان نموده است. و بالأخره ذکر خاص بودن علم غیب به الله متعال و همچنان احاطه نمودن علم الله جل جلاله به امورات کائنات سوره را خاتمه بخشیده است.

در این سوره از آیه اول تا آیه پا نزده این مطلب بیان شده است که گروهی از جن ها با شنیدن قرآن چه تاثیری از آن گرفته اند و پس از با زگشتن به نزد جن های دیگر چه مطالبی به آنان گفتند.

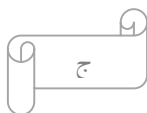
در این باره خدای بلند مرتبه تمام گفت و گوی آنها را نقل نکرده است. بلکه تنها آن مطالب ویژه ای را که قابل ذکر بودند نقل فرموده است.

به همین دلیل نحوه بیان هم چون یک گفت و گوی پیوسته نیست. بلکه فرازهای مختلف آنها به این نحوه بیان شده است که آنان چنین و چنان گفتند.

پس از آن از آیه 16-18 این مطلب به مردم تفهیم شده است که اگر از شرک دست بردارند و بر راه راست استوار بمانند، نعمت ها و برکات بر آن ها سرا زیر میشود و اگر نه نتیجه روی گرداندن از پند و اندرز الهی این خواهد بود که به عذابی سخت گرفتار خواهند آمد.

سپس از آیه 19-23 کافران مکه به این خاطر مورد سرزنش قرار گرفته اند که هنگامی که پیامبر خدا صدای فرا خواندن به سوی خدا را بلند می کرد، آنان برای حمله و ر شدن به او از هر سو هجوم می آورند. در حالی که کار پیامبر تنها رساندن پیام های خدا است، و او مدعی این نیست که رساندن سود و زیان به مردم در اختیار او است. سپس از آیه 24-25 به کافران هشدار داده شده است که امروز شما پیامبر صلی الله علیه و سلم را بی یار و یاور دیده تلاش می کنید دعوت او را سرکوب کنید و صدای او را خاموش کنید، اما زمانی

خواهد رسید که خواهید فهمید بی یاریاور واقعی کیست. آن هنگام دور است یا نزدیک ، پیامبر این را نمی داند، اما آن هنگام به طور قطع فرا خواهد رسید. در پایان به مردم فرموده شده است که عالم الغیب تنها خدا است . رسول تنها از همان مقدار علمی برخوردار است که خدا بخواهد به او بدهد، این علم به اموری مربوط می شود که برای انجام وظیفه ی پیامبری ضروری اند و این علم با چنان شیوه ی حفاظت شده ای به پیامبر داده می شود که امکان هیچ گونه دخالت بیرونی در آن وجود ندارد.



فهرست عناوین

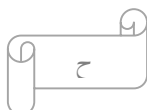
صفحه	عنوان
1.....	مقدمه
1.....	اهمیت و موضوع
2.....	ضرورت تحقیق
3.....	غرض و هدف از تحقیق این موضوع
3.....	سوالات تحقیق
4.....	پیشینه تحقیق
5.....	روش تحقیق

تمهید

7.....	تعریف تفسیر موضوعی
7.....	الف: تعریف تفسیر در لغت
7.....	باء: تعریف تفسیر در اصطلاح
8.....	موضوع در لغت
8.....	موضوع در اصطلاح
8.....	تعریف تفسیر موضوعی
10.....	اقسام تفسیر موضوعی

معرفی اجمالی سوره مبارکه الجن

11.....	الف: نام این سوره
11.....	باء: وجه تسمیه این سوره



- ج: ترتیب این سوره 12
- د: محل نزول این سوره 12
- ه: تعداد آیات این سوره 15
- و: فضایل این سوره 15
- ز: خصوصیات این سوره 17
- ح: محتوای این سوره 17
- ط: موضوع مطالب و مباحث این سوره 17
- ی: محور این سوره 18
- ک: مناسبات این سوره 19
- ل: مناسبت این سوره به ماقبل (سوره نوح) 19
- م: مناسبت این سوره به ما بعد (سوره مزمل) 20
- تعریف جن 21
- الف: جن در لغت 21
- با: جن در اصطلاح 21
- دلیل نام گذاری جن 22
- دلایل وجود جن 22
- الف: وجود جن از بدیهیات است 22
- با: دلایل وجود جن در قرآن کریم 23
- ج: دلایل وجود از سنت 28
- ماهیت و ماده خلقت جن 30

- 30..... زمان آفرینش جن
- 31..... هدف پیدایش جن
- 32..... شکل ونحوه ساختار جن
- 35..... انواع جن
- 36..... عمر ومرگ جنیات
- 38..... فرق جن با ملایکه
- 39..... حکم ایمان داشتن به وجود جن

مقطع اول: آیات (1-7)

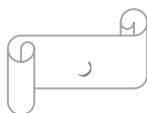
- 40..... گوش فرا دادن جنیات به قرآن کریم وایمان آوردن آنها
- 41..... سبب نزول
- 42..... تفسیر اجمالی
- 44..... مفهوم کلی آیات
- 45..... آیات این مقطع موضوعات ذیل را شامل میشوند
- 45..... جن وقضیه ایمان
- 48..... آیا جنیات نبی مستقلى داشته اند؟
- 49..... جنیات مکلف به ایمان آوردن به پیامبران الهی اند
- 50..... انسان ها از جنیات طلب کمک میکنند
- 51..... سبب نزول این آیه
- 53..... کمک خواستن از جنیات حرام است
- 55..... رهنمایی های آیات

مقطع دوم: آیات (8 - 17)

- 56..... حکایت بعضی از اعمال جنیات
- 57..... ارتباط این مقطع با مقطع قبلی
- 58..... اسباب نزول
- 58..... تفسیر اجمالی
- 61..... آیات این مقطع موضوعات ذیل را شامل میشوند
- 61..... حراست و نگهبانی آسمان ها
- 62..... تعریف شهاب
- 63..... استراق السمع
- 66..... خرافات دوران جاهلیت
- 68..... فرقه ها و گروه های جنیات
- 74..... آیا جنیات مومن داخل جنت میگردند؟
- 75..... مکافات استقامت بر دین
- 75..... تعریف استقامت در لغت و اصطلاح
- 77..... استقامت بر دین دارای مکافات دنیوی و اخروی است
- 77..... الف: مکافات دنیوی استقامت بر دین
- 77..... ب: مکافات اخروی استقامت بر دین
- 79..... مجازات عدم استقامت بر دین
- 80..... رهنمایی های آیات

مقطع سوم: آیات (18 - 24)

- 81..... ذکر بعضی از مفاهیم وحی شده به رسول الله صلی الله علیه وسلم و بیان اصول رسالت
- 82..... ارتباط این مقطع با مقطع قبلی
- 82..... اسباب نزول
- 82..... تفسیر اجمالی
- 85..... آیات این مقطع موضوعات ذیل را شامل میشوند
- 85..... نهی از شرک
- 88..... مساجد خاص جهت توجه به الله اند
- 90..... تعریف مسجد
- 90..... فضائل مسجد
- 92..... آداب مسجد
- 96..... وحی درباره اجتماعی که در اطراف پیامبر صلی الله علیه وسلم صورت گرفته بود
- 97..... اعلان توحید و برائت از شرک
- 99..... نفی مالکیت از پیامبر صلی الله علیه وسلم
- 100..... تعریف و مسئولیت های رسالت
- 100..... الف: تعریف رسالت
- 101..... ب: وظایف رسول
- 101..... 1- تبلیغ شریعت ربانی
- 102..... 2- دعوت مردم به سوی الله متعال
- 103..... مثالی که نقش پیامبران را توضیح میدهد



- 3- تبشیر و انذار 104
- 4- اصلاح و تزکیه ی نفس و روان 105
- 5- تصحیح افکار منحرف و عقاید نا درست 106
- 6- اتمام حجت 107
- 7- مدیریت و رهبری امت 108
- رهنمایی های آیات 110

مقطع چهارم: آیات (25 - 28)

- علم غیب مختص به الله است 111
- ارتباط این مقطع با مقطع قبلی 111
- تفسیر اجمالی 112
- آیات این مقطع موضوعات ذیل را شامل میشوند 118
- علم غیب 118
- الف: تعریف علم غیب در لغت 118
- با: غیب در اصطلاح 119
- ج: انواع علم غیب 119
- 1- غیب مطلق یا حقیقی 119
- 2- غیب اضافی 119
- د: انبیاء غیب را نمی دانند 120
- ه: مغیبات پنجگانه 124
- 1- زمان وقوع قیامت 125

126.....	2- علم زمان باریدن باران و محل آن
126.....	3- علم به آنچه که در رحم است
127.....	4- انسان دقیقا نمیداند فردا چه کاری خواهد کرد
127.....	5- هیچ کس نمیداند در کدام سرزمین می میرد
127.....	و: فرق بین علم غیب و اخبار غیب
128.....	ز: جنیات و فرشته ها غیب را نمی دانند
128.....	1- دلایل عدم فهم فرشته ها از علم غیب
129.....	2- دلایل عدم فهم جنیات از علم غیب
129.....	ح: نفی کردن علم غیب از تمام مخلوقات
132.....	رهنمایی های آیات
133.....	نتیجه گیری
134.....	فهرست آیات
138.....	فهرست احادیث
140.....	فهرست اعلام
143.....	فهرست اماکن
144.....	فهرست مصادر و مراجع
summery.....	150

مقدمه

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله.

امابعد:

رساله هذا تحت عنوان " تفسير موضوعی سوره مبارکه (الجن) " میباشد، دین مبين اسلام دین آموختن و آموختاندن است، چنانچه الله متعال در اولین وحی که به رسول الله گرامی ما حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - نازل کرد کلمه (إقرأ) بود، تا به این طریق انسان ها را به اهمیت علم و دانش آگاه ساخته، و از تاریکی جهل و نادانی برهاند.

از آنجایی که رسول گرامی اسلام - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند علماء و ارثین انبیاء هستند، از گذشته تا اکنون علمای بزرگ اسلام بخاطر ادای این وجیبه ارزشمند قدر علم نموده و تفاسیر ارزشمندی به زبان های مختلف دنیا به رشته تحریر در آورده اند، بناء بنده به عنوان یکی از طلبه های شریعت با قدم گذاشتن به دریای بی کران علم تفسیر شریف و نوشتن تفسیر موضوعی با استفاده از این بحر بی کران به لطف خداوند رحمان خواهان خدمت به دین مبين اسلام، و خدمت به وطن عزیز ما افغانستان می باشم.

اهمیت موضوع:

موضوع حاضر دارای اهمیت خاصی بوده ضمن آنکه تحریر این رساله برای بنده از لحاظ آشنایی به مراجع و روش نوشتاری حایز اهمیت بوده همچنان در بخش اعتقادی برای عامه مردم اهل علم و مطالعه مفید است، چون موضوع آن بحث کلی در مورد مخلوقی به نام (جن) است، بناء میتوان اهمیت کلی این موضوع را در چند نکته ذیل مشخص نمود.

1- قسمیکه میدانیم اهمیت هر علم از موضوع آن دانسته میشود، پس علم تفسیر نیز نظر به اهمیت آن از موضوعش شناخته میشود، که ارتباط به کلام الهی قرآن کریم دارد، و این موضوعی که تحت بحث ما قرار دارد، تفسیر موضوعی سوره مبارکه (الجن) است که یکی از انواع تفاسیر قرآن کریم میباشد.

2- قرآن کریم کتاب مسلمانان است، و موضوعاتی که در این کتاب ذکر شده است برای هر فردی از مسلمانان مهم و فهمیدن آن ضروری است، زیرا این کتاب برای ما مسلمانان حیثیت قانون الهی را دارد.

بنا بر این سوره مبارکه (الجن) که یکی از سوره های پر محتوی قرآن کریم بوده، که در آن موضوعات کلیدی در باب عقیده، که ایمان به وجود مخلوقی بنام جن، ایمان به امورات غیبی و ایمان به رسالت رسول الله صلی الله علیه وسلم و غیره موضوعات در آن گنجانیده شده است. از همین جهت تحقیق در این سوره از دید بنده ضروری و مهم میباشد.

3- قرآن کریم یک کتاب زنده و پویا است که مطالب آن مطابق به واقع میباشد. هر اندازه که علم پیشرفت میکند حقایق و موضوعات قرآن کریم بیشتر روشن شده و انسان چنان تصور میکند که قرآن کریم همین امروز برای بشریت نازل گردیده است، سوره مبارکه (الجن) نیز حاوی مطالبی است که امروزه برای اثبات آن نیازی به دلایل بیشتری است مانند اثبات مخلوقی بنام (جن) و حراست و نگهداری از آسمان ها و غیره، پس از این لحاظ بررسی آیاتی که در این مورد در سوره مبارکه (الجن) آمده است و مطابقت آنها باتکنالوژی عصر فعلی امر پسندیده و ضروری میباشد. تا از این طریق از یک جهت پرده از معجزات قرآن کریم برداشته شده، و از سوی دیگر از بزرگترین دلایل به اثبات الهی بودن قرآن کریم محسوب شوند.

4- تفکر، تدبر، و تحقیق پیرامون آیات و سوره های قرآن کریم نه تنها که دارای پاداش عظیمی است بلکه ایمان انسان مسلمان را افزوده و سبب اطمینان قلبی انسان میشود. و سوره مبارکه (الجن) زیاد ترین آیات را در این مورد داشته و مشکلات دنیوی و اخروی انسان ها را حل میسازد.

ضرورت تحقیق:

1- قرآن کریم منحصراً دستور العمل برای زندگی همه انسانها و خصوصاً برای کسانی که توسط این کتاب هدایت شده، و به آن ایمان آورده اند میباشد. سوره مبارکه (الجن) حاوی احکامی عقیدتی، و علمی بوده که شامل ایمان به الله، ایمان به وجود مخلوقی به نام (الجن) ایمان به وجود امورات غیبی مانند جهنم و آخرت، ایمان به رسالت رسول الله صلی الله علیه وسلم است. که بررسی این مطالب به یک انسان مسلمان ضروری و لازمی میباشد.

2- محور اصلی این سوره مبارکه را موضوع جن و امور خاصه ای که به جنیات تعلق دارد میباشد، که ابتدا از سمع و شنیدن قرآن کریم الی قبولیت و ایمان آوردن جنیات به قرآن را بیان نموده و بعداً بعضی امورات عجیب که مربوط به جنیات میشود توضیح داده است، مانند استراق السمع، هدف قرار گرفتن آنها ذریعه شهاب (سنگ سوزاننده و آتشین) و اطلاع داشتن جنیات به بعضی اسرار غیب. بعد از آن ذکر تقسیم شدن جنیات را به دو گروه مسلمان و کافر

وسر انجام هردو گروه را بیان نموده است. وبالأخره ذکر خاص بودن علم غیب به الله متعال وهمچنان احاطه نمودن علم الله جل جلاله به امورات کائنات سوره را خاتمه بخشیده است. به اساس همین موارد ذکر شده بررسی تفسیرموضوعی سوره مبارکه (الجن) که حاوی این همه مطالب مهم است یک ضرورت مبرم علمی عصر حاضر به شمار میرود.

غرض و هدف از تحقیق این موضوع:

فراغش نباید کرد، که جهت کسب فراغت از هر دوره تحصیلی به صورت عام؛ واز دوره کارشناسی ارشد (مقطع ماستری) به شکل خاص، نوشتن یک رساله علمی و تحقیقی به عنوان پایان نامه تحصیلی یک اصل است. بناءً غرض وهدف من از تحقیق ونگارش این اثر علمی نکات ذیل میباشد.

1- کسب فراغت از (مقطع ماستری).

2- کسب معلومات و غنامندی علمی پیرامون معنی و تفسیر قرآن کریم.

3- سهم گیری ناچیز در راستای احیاء و ترویج تفکر و اندیشه اسلامی در جامعه انسانی.

4- از بین بردن ابهام و تشویش ذهنی که یک تعداد انسانها در مورد جنیات دارند. ودرپهلوی این همه کسب رضای الله متعال و نیل به رضوان الهی میباشد.

سوالات تحقیق

سوالات تحقیق به دو بخش تقسیم میگردد: سوالات اصلی تحقیق؛ و سوالات فرعی تحقیق، که ذیلا آن را بیان خواهیم کرد.

(الف) سوالات اصلی تحقیق:

1- سوره مبارکه الجن از چه موضوعاتی بحث میکند؟

2- محور اصلی سوره مبارکه الجن کدام موضوع است؟

3- ارتباط مقاطع این سوره با محور اصلی آن چگونه است؟

(ب) سوالات فرعی تحقیق:

1- آیا مخلوقی بنام (جن) حقیقتاً وجود دارد؟

2- بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و سلم مختص به انسان ها است و یا جنیات را هم شامل میشود؟

3- آیا جنیات مانند انسان ها مخلوق مکلف اند؟

4- در عالم جن، جنیات صالح و غیر صالح وجود دارد یاخیر؟

- 5- آسمان ها چگونه و توسط که حراست و نگهبانی میشوند؟
- 6- آیا مساجد مختص به ذکر الله متعال است، ویا میتوان امورات دنیوی را نیز در آنجا مطرح کرد؟
- 7- انبیاء علیهم السلام از علم غیب آگاهی دارند یاخیر؟
- 8- الله متعال چیزی از علم غیب را به رضایت خودش به کسی داده است؟

پیشینه تحقیق:

ریشه های تفسیر موضوعی در خود قرآن کریم موجود است، زیرا در بسیاری موارد قرآن کریم خود آیاتش را توسط آیات دیگر تفسیر می نماید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم زمانی که قرآن را برای اصحابش تفسیر و توضیح میداد، در اکثریت موارد آیه ها را با آیه دیگر شرح میداد، پس این موضوع خود حکایت گر این است که اساس و جذور تفسیر موضوعی در خود قرآن کریم و در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود داشته است.

اما به عنوان تدوین و تصنیف به مثابه یک علم جدید به عنوان (تفسیر موضوعی سور قرآن کریم) میتوان تاریخ آنرا در قرن چهاردهم هجری قمری برشمرد.

این نوع تفسیر گرچه در تاریخ پر بار فرهنگ اسلامی پیشینه کوتاهی دارد، اما با آن هم مثمر ترین ثمرات خویش را تقدیم جامعه اسلامی نموده است.

کتاب های که در مورد تفسیر موضوعی سوره مبارکه (الجن) ضمن سائر سوره ها بحث و بررسی نموده اند قرار ذیل اند.

- 1- التفسیر الموضوعی لسور القرآن. که مجموعه از نخبگان علم تفسیر و علوم قرآنی تحت اشراف دکتور مصطفی مسلم آنرا به رشته تحریر در آورده اند.
- 2- التفسیر الموضوعی لسور القرآن. که دکتور عبدالحمید محمود طهماز آن را نگاشته است، این هردو تفسیر سوره مبارکه (الجن) را ضمن سایر سوره های قرآن کریم بر اساس اسلوب و منهج تفسیر موضوعی به صورت علمی آن تفسیر کرده اند.

اما سوره مبارکه (الجن) به عنوان یک بحث علمی مستقل به صورت علیحده تا هنوز مورد کاوش قرار نگرفته است، نا گفته نباید گذاشت که قرآن کریم دستور کامل دین و دنیا بوده و متضمن معانی مفاهیم بی پایانی است که عقل و اندیشه انسان از درک همه آنها قاصر است، ولی هر مفسر حسب مایه و مستوای علمی خویش قدری از بحر بی پایان معارف الهی

بهره گرفته پیرامون شرح معانی و استنباط احکام قرآنی به اندازه طاقت بشری خویش در افشانی کرده اند.

که هر کدام جایگاه برازنده خود را دارد، زیرا قوه عقل و نیروی تفکر انسان ها در درک و فهم مسایل یک رنگ و متحد نبوده بلکه از هم تفاوت دارند، در عصر حاضر مسائل و قضایای جدید راجع به حقایق مذکور در سوره مبارکه (الجن) مطرح است بناء بنده در حد توان فکری و تناسب علمی خویش کوشیده ام تا به توفیق پروردگار در این بحث و تحقیق علمی شروح افکار و نظریات مفسرین را جمع آوری ترتیب نموده و مسایل جدیدی را بیافزایم که تا هنوز پرداخته نشده است.

روش تحقیق:

در راستای تحقیق و تدوین این رساله علمی، از روش تفسیر موضوعی استفاده کرده ام. بعد از آن به شکل خلاصه در مورد عالم جن تحقیق نموده و طبق ضرورت در مورد آنها سخن گفته ام.

سپس سوره متذکره را به چهار مقطع تقسیم نموده، و مناسبت هر مقطع را با محور اصلی سوره و هم چنان مناسبت مقاطع را با یکدیگر به شکل واضح بیان کرده ام، سپس آیات هر مقطع را تفسیر اجمالی کرده و بعد از آن به تفسیر موضوعی آن مقطع پرداخته و همه آیاتی که در مورد موضوع محوری هر مقطع در قرآن کریم وجود داشته جمع آوری کرده ام.

بعد از آن رهنمایی های آیات هر مقطع را شماره وار ذکر نموده، و در اخیر ارتباط اخیر سوره را با اول آن بیان کرده ام، و سپس خلاصه بحث و نتیجه گیری کلی را نوشته ام، بعد از آن فهرست اعلام را آورده و تنها اعلام غیر مشهوره را معرفی کرده ام، سپس فهرست آیات قرآن کریم را به اساس ترتیب مصحفی آورده و به تعقیب آن فهرست احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم را آورده و رساله را به پایان رسانده ام، قابل یاد آوری است که در ترتیب این رساله علمی از تفاسیر معتمد اهل سنت، مانند تفسیر فی ظلال القرآن، ابن کثیر، طبری، قرطبی، التحریر و التتویر، تفهیم القرآن، البرهان فی تناسب القرآن، ازهرالبیان، احسن الکلام، معارف القرآن، و التفسیر المنیر بیشتر استفاده نموده ام. و در ترجمه آیات از تفسیر نور از دکتور مصطفی خرم دل استفاده کرده ام.

و در زمینه استدلال به سنت کوشیده ام، تا احادیث و مرویات را از مصادر اصلی آن استخراج نموده و صحیح ترین آن را ذکر نمایم. و در این زمینه، در کتب معتبر احادیث مانند

صحیحین، سنن، و مسانید، البته احادیث غیر صحیحین را با مرتبه صحت آن ذکر کرده ام. و بعضاً از تفاسیر بالمأثور نیز حسب ضرورت استفاده کرده ام. و سپس این سوره را به چهار مقطع ذیل تقسیم نموده ام.

مقطع اول: گوش فرا دادن جنیات به قرآن کریم و ایمان آوردن آنها

در قسمت اول سوره مبارکه جن گوش کردن جنیات به قرآن کریم و ایمان آوردن آنها را به قرآن و به الله متعال در خلال هفت آیه مورد بررسی قرار داده ام.

مقطع دوم: حکایت بعضی از اعمال جنیات

در این بخش از سوره مبارکه جن حکایات بعضی از اعمال جنیات را در خلال نه آیه مورد بحث قرار داده ام.

مقطع سوم: ذکر بعضی از مفاهیم وحی شده به رسول الله صلی الله علیه وسلم و بیان اصول رسالت آن

در این قسمت بحث در مورد فرود آمدن بعضی از مفاهیم وحی شده به آن حضرت صلی الله علیه وسلم و بیان اساسات رسالت آن حضرت صلی الله علیه وسلم را در خلال هفت آیه به بحث و بررسی گرفته ام.

مقطع چهارم: زمان به وقوع پیوستن قیامت را جز الله کسی دیگری ندانسته و علم غیب مختص به او است.

در این بخشی از بحث آگاه بودن الله متعال از وقت آمدن رستاخیز و اختصاص علم غیب به الله متعال در خلال چهار آیه بیان کرده ام.

بناءً اگر اشتباهات لفظی و معنوی از من صورت گرفته باشد، اولاً: از الله متعال امیدوارم، که این خطاها و اشتباهاتم را ببخشد. و ثانیاً: از استادان گرانقدرم امیدوارم، که ضمن عفو و بخشش کریمانه شان بنده را به خطاهایش متوجه ساخته، که کمبودی ها و نواقص ام را، به لطف و مرحمت خویش تکمیل نمایند. و ثالثاً: از همه خواننده گان محترم آرزو دارم که بنده را عفو نموده، از خطاها و اشتباهاتم در گذرند.

تمهید

قبل از اینکه بر اصل موضوع (تفسیر موضوعی سوره المبارکه جن) بپردازیم، طور خلاصه و مختصر در رابطه به معنای لغوی و اصطلاحی تفسیر، و تفسیر موضوعی میپردازیم.

تعریف تفسیر موضوعی:

چون اصطلاح تفسیر موضوعی مرکب از دو کلمه: (تفسیر) و (موضوع) میباشد، ابتداءً کلمات (تفسیر) و (موضوع) را جدا جدا تعریف نموده بعداً به تعریف (تفسیر موضوعی) به حیث یک اصطلاح می پردازیم.

الف: تفسیر در لغت:

تفسیر در لغت به معنای جستجو، تفحص، شرح کردن، بیان کردن، بیان و تشریح معنی و لفظ قرآن، و بالاخره به استخراج احکام گفته میشود.¹ و یا تفسیر از فسر گرفته شده به معنای: کشف و بیان میباشد.²

چنانچه الله متعال میفرماید: (وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا)³

ترجمه: «این کافران هیچ مثالی را (به عنوان اعتراض از قرآن و رخنه از رسالت و دعوت تو) به میان نمیکشند، مگر این که ما پاسخ راست و درست را، به بهترین وجه و زیباترین تبیین و تفسیر را به تو می نمایانیم و بدین وسیله اعتراضات واهی ایشان را پاسخ داده و باطل میگردانیم.»

ب: تفسیر در اصطلاح

مفسران قرآن کریم در تعریف اصطلاحی تفسیر آراء مختلف دارند که راجح ترین آنها تعریف امام زرکشی⁴ است که چنین تعریف نموده است: تفسیر علمی است که به وسیله آن

1- النجار، إبراهيم مصطفى - أحمد الزيات، معجم الوسيط، (ب ت) ناشر: دار الدعوة، تحقيق: مجمع اللغة العربية، ج 1 ص 88

2- اصفهانی، ابو القاسم الحسين بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، (1412هـ) محقق: صفوان عدنان الداودی، ناشر: دار القلم، الدار الشامیه. دمشق بیروت، الطبع الاولى، ص 571

3- سوره فرقان. آیه [33]

4- محمد بن بهادر بن عبدالله، ابو عبدالله زرکشی، شافعی مذهب، فقیه، اصولی، واهل حدیث بود، از تألیفات او بحر المحيط در اصول فقه و شرح جمع الجوامع است. امام زرکشی در سال (794هـ) وفات نموده است. شذرات الذهب. ج 6 ص 335

کتاب خداوند جل جلا له که بر پیامبرش محمد (صلی الله علیه وسلم) نازل شده فهمیده، و بیان معانی و استخراج احکام و حکمت های آن دانسته می شود.⁵

ویا علمی است که در آن از چگونگی ادای الفاظ قرآن، مفاهیم آنها، احکام انفرادی و ترکیبی آنها و معانی مرادی الفاظ در حالت ترکیب، بحث کرده شده، و تکمله آن معانی به شکل ناسخ و منسوخ، شأن نزول و توضیح قصه های مبهم بیان کرده میشود.⁶

چون که در این علم مفاهیم قرآنی باز کرده شده و با وضاحت بیان کرده میشود، و معنای لغوی آن هم آشکار شدن است، به آن علم تفسیر می گویند.⁷

ج: موضوع در لغت:

موضوع در لغت از وضع گرفته شده و وضع مطلق گذاشتن یک شیء در مکان معین است، و به معنای الحط و الخفض (پستی) و به معنای القاء و تثبیت هم میاید.⁸

د: موضوع در اصطلاح:

قضیه یا امری است که متعلق به یک جانبی از جوانب زندگی در عقیده، یا رفتار اجتماعی و یا جنبه های از جهان هستی میباشد که آیات قرآن کریم در مورد آن وارد شده است.⁹

تعریف تفسیر موضوعی:

علماء و دانشمندان علم تفسیر، تفسیر موضوعی را در اصطلاح چنین تعریف نموده اند:
1- هو علم یبحث فی قضایا القرآن الکریم، المتحدده معنی أو غایه، عن طریق جمع آیاتها المتفرقة، والنظر فیها، علی هیئة مخصوصة، بشروط مخصوصة لیبیین معناها، واستخراج عناصرها، وربطها برابط جامع.¹⁰

ترجمه: تفسیر موضوعی در اصطلاح علمی است که از قضایای که در قرآن کریم باهم در معنی یا هدف متحده اند، از طریق جمع نمودن آیات متفرق آن قضیه، و نظر اندازی

5- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ج 1، ص 13، تحقیق، محمد ابوالفضل ابراهیم، ناشر: بیروت دار المعرفه.

6- الأندلسی، محمد بن یوسف، مشهور به ابی حیان، تفسیر بحر المحیط، ناشر دار الکتب العلمیه بیروت لبنان، طبع اول 1422 هـ ق (2001 م) تحقیق: عادل احمد موجود، الشیخ علی محمد معوض، ج 1 ص 121

7- عثمانی، محمد تقی، علوم القرآن، مترجم: عیدی دهنه، محمد عمر، ص 264، چاپ اول، سال چاپ، (1383 هـ ش).

8- المدخل الی تفسیر الموضوعی، ص 19.

- مسلم، دکتور مصطفی، مباحث فی التفسیر الموضوعی، ص 16، ناشر: دار القلم، طبع چهارم، سال (1426 هـ ق - 2005 م).⁹
- همان مرجع، ص 16¹⁰

در آیات جمع شده، به طریقه و شروط خاص، جهت بیان معنا و استخراج عناصر آنها، و ایجاد ارتباط جامع میان آن آیات بحث میکند.

2- هو علم يتناول القضايا حسب المقاصد القرآنية من خلال سورة أو أكثر.¹¹

ترجمه: تفسیر موضوعی در اصطلاح علمی است که قضایا را طبق مقاصد قرآن کریم از خلال یک یا بیشتر از یک سوره مورد بحث قرار میدهد.

به عباره دیگر، تفسیر موضوعی علمی است که از مفاهیم قرآنی طبق مقاصد قرآن کریم از خلال یک یا چند سوره بحث می نماید.

11- مباحث فی التفسیر الموضوعی، ص 16.

اقسام تفسیر موضوعی:

علما و دانشمندان علم تفسیر، تفسیر موضوعی را به بخش های ذیل تقسیم نموده اند.

1- تفسیر موضوعی کلمه واحد در قرآن کریم.

2- تفسیر موضوع واحد در قرآن کریم.

3- تفسیر موضوعی یک سوره در قرآن کریم.¹²

واین رساله از نوع سوم تفسیر موضوعی یعنی تفسیر موضوعی یک سوره در قرآن کریم میباشد.

¹²- مباحث فی التفسیر الموضوعی، ص 23.

معرفی اجمالی سوره مبارکه (الجن)

الف: نام این سوره

یک سوره ممکن یک نام داشته باشد، و ممکن دو و یا چندین نام داشته باشد.

که علما به این سوره بیشتر از یک نام ذکر کرده اند، که مشهور ترین آنها سوره (الجن) میباشد. زیرا این کلمه دوبار در این سوره تکرار شده است (نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ) و (يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ)¹³

وامام بخاری رحمه الله علیه این سوره را بنام سوره (قل أوحى) یاد کرده است، و در کتابش چنین بابی گذاشته است (باب تفسیر سورة (الجن) یا (قل أوحى إلي)¹⁴

امام سیوطی¹⁵ می نویسد، که بعضی سوره ها توسط یک جمله نام گذاری شده اند، مانند (قل أوحى إلي)¹⁶

ب: وجه تسمیه

این سوره از طریق تسمیه کل به اسم جز به این اسم مسمی شده است، زیرا کلمه (الجن) در دو آیه این سوره ذکر گردیده، و این سوره با جمله (قل أوحى إلي) افتتاح شده است، بناء به این دو نام مسمی شده است.

امام سید ابو الأعلى مودودی¹⁷ - رحمه الله علیه - در تفسیرش تفهیم القرآن در مورد نام این سوره نوشته است: (الجن) هم نام این سوره است و هم نام عنوان مضامین آن، چرا که در

13- مباحث فی التفسیر الموضوعی، ص 391

14- بخاری، محمد بن اسماعیل ابو عبدالله، الجامع المسند الصحيح المختصر من امور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وایامه، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه بیروت، طبع سوم، (1407ق - 1987م) محقق: دکتور مصطفی دیب البغا، باب سورة الجن، ج 4 ص 1873، رقم 4637

15- جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، عالم شافعی مذهب قرن نهم ودهم است. سیوطی در اواخر دوران شکوفایی علمی در مصر می زیست. او از علمای معروف اهل سنت وجماعت است که در بخش های گوناگونی از جمله حدیث، مصطلح الحدیث، علوم قرآنی و غیره کتاب نگاشته است. وی در سال (809 هـ ق) در اسبوط مصر دیده به جهان گشود و در سال (911 هـ ق) در مصر در گذشت. معجم المفسرین (من صدر الاسلام حتی العسر الحاضر) عادل نویهض، بیروت - لبنان الطبع: الثالثه، 1409 هـ ج 2 ص 529

16- سیوطی، حافظ جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ج 1، ص 162، تحقیق، محمد ابو الفضل ابراهیم، ناشر، المکتبه العصریه بیروت.

17- سید ابو الاعلی فرزندان سید احمد حسن در سه رجب سال 1321 هجری مطابق 1903 میلادی در شهر اورنگ آباد (یکی از شهری مسلمان نشین حیدر آباد دکن هندوستان در یک خانواده نجیب، اصیل و شریف، و معروف به علم، ورع و تقوا دیده به جهان گشود. نامبرده، دورس ابتدائی را نزد پدر گرامی اش آموخته است. و در اول ذی الحجه سال 1979 میلادی در شهری نیویارک امریکا وفات کرده است. و جنازه او را به پاکستان انتقال داده و در شهر لاهور دفن خاک نمودند. شخصی موصوف یک عالم متبحر، مفسر قرآن، سیاستمدار حکیم، عالم ربانی، استاد فرزانه، بزرگمرد و بیدار گردینی بود (التفسیر والمفسرون فی عصر الحدیث: ج 3، ص 9-10) و (الموسوعة التاریخیه): ج 10، ص 282).

این سوره واقعه ای قرآن شنیدن جن ها وایمان آوردن ورفتن شان به سوی قوم شان و فراخواندن آنان به سوی اسلام به تفصیل بیان شده است.¹⁸

ت : ترتیب این سوره

سوره مبارکه الجن از جمله سورهای مکی است، و در ترتیب مصحف هفتاد و دومین (72) و در ترتیب نزولی چهلم (40) سوره قرآن مجید است.

که بعد از سوره (الأعراف) و قبل از سوره یس نازل شده است.¹⁹

و در مصحف اُبی بن کعب²⁰ و ابن مسعود²¹ - رضی الله عنهما - بعد از سوره (الواقعه) و قبل از سوره (النجم) ذکر کرده است.²²

ج: محل نزول این سوره

در صحیح البخاری از عبدالله بن عباس²³ - رضی الله عنهما - در مورد مکان نزول این سوره چنین روایت شده است: **عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ انْطَلَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي طَائِفَةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَامِدِينَ إِلَى سُوقِ عُكَاظٍ وَقَدْ حِيلَ بَيْنَ الشَّيَاطِينِ وَبَيْنَ خَبْرِ السَّمَاءِ وَأُرْسِلَتْ عَلَيْهِمُ الشُّهُبُ فَرَجَعَتِ الشَّيَاطِينُ فَقَالُوا مَا لَكُمْ فَقَالُوا حِيلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ خَبْرِ السَّمَاءِ وَأُرْسِلَتْ**

18- مودودی، مولانا سید ابو الاعلی، تفسیر تفهیم القرآن، مترجم، قنبر زهی، عبدالغنی سلیم، ج 7، ص 85، تهران، نشر: احسان، سال، (1398ه ش)

19 - الاتقان فی علوم القرآن، ج 1، ص 72

20- اُبی ابن کعب: ابو المنذر اُبی بن قیس انصاری خزرگی - رضی الله عنه-، صحابه و سید القراء، در بدر و تمام غزوه ها حضور یافت. قرآن را به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - خوانده است. از گروهی از اصحاب احادیث را نقل نموده است. از جمله ابویوب انصاری - رضی الله عنهم -، ابن عباس - رضی الله عنهما - و ابوهریره - رضی الله عنهم - عمر بن خطاب - رضی الله عنه - او را اکرام می نمود و از او فتوا می گرفت و آنگاه که فوت کرد، عمر - رضی الله عنه - گفت: امروز سرور مسلمانان فوت کرده است. در سال 19 و یا 22 هجرت فوت نمود. (الإعلام للزركلي)

21- ابو عبدالرحمن، عبدالله بن ام عبدالهذلی، صحابی و خادم پیامبر- صلی الله علیه وسلم - از اولین کسانی بود که به پیامبر خدا ایمان آورد. در بدر و غزوه های دیگر حضور داشت. به خوب ادا نمودن واجبات شهرت یافت. از بزرگترین قاریان بود که هفتاد سوره را از پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - حفظ نموده. بسیاری از اصحاب، او را ستوده اند. در سال 32 هجری در سن 60 سالگی در مدینه وفات نمود. اسد الغابه فی معرفه الصحابه. ج 1 ص 302.

22- الاتقان فی علوم القرآن، ج 1، ص 181

23- زرکلی سال تولد و فات او را (3 ق هجری - 68 هجری مساوی 619 - 687 م) ذکر نموده است، و نیز گفته که او: عبدالله پسر عباس پسر عبد المطلب قریشی و هاشمی، که اسم کینه او ابو العباس می باشد، که او را به اسم داشمند امت یاد می کنند، تولد او در مکه شده و نشو نموی آن در عصر طلائئ نبوت شده، یکی از اصحابی است که همراه پیامبر اسلام مواظبت داشته است، و از او احادیث صحیح روایت شده، او را در جنگ صفین و جمل از طرفداران علی - رضی الله عنه - بود، در اخیر عمر چشمان خود را از داده، و در طایف مسکن گزین شد، و در آن جا وفات نمود، از ابن عباس (1660) حدیث روایت شده، ابن مسعود می گوید: بله او ترجمان القرآن است. (محدث قمی، الکنی والألقاب، ص 325، و زرکلی، الأعلام، ج 4، ص 22). ناگفته نه ماند که در هنگام وفات رسول الله - صلی الله علیه وسلم - 13 سال داشت. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - برای او دعا کرد که خدا او را علم دین بیاموزد و در دین فقیه گرداند. در طایف در سال 68 وفات نمود و محمد بن حنیفه بر او نماز گذارد. (الاستیعاب از ابن عبد البر نکا: ج 3، ص 933).

عَلَيْنَا الشُّهُبُ قَالَ مَا حَالَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ خَبْرِ السَّمَاءِ إِلَّا مَا حَدَّثَ فَاضْرِبُوا مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا فَانظُرُوا مَا هَذَا الْأَمْرُ الَّذِي حَدَّثَ فَانْطَلِقُوا فَضْرِبُوا مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا يَنْظُرُونَ مَا هَذَا الْأَمْرُ الَّذِي حَالَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ خَبْرِ السَّمَاءِ قَالَ فَانْطَلِقِ الَّذِينَ تَوَجَّهُوا نَحْوَ تِهَامَةَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِنَخْلَةَ وَهُوَ عَامِدٌ إِلَى سُوقِ عَكَاظٍ وَهُوَ يُصَلِّي بِأَصْحَابِهِ صَلَاةَ الْفَجْرِ فَلَمَّا سَمِعُوا الْقُرْآنَ تَسَمَّعُوا لَهُ فَقَالُوا هَذَا الَّذِي حَالَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ خَبْرِ السَّمَاءِ فَهُنَالِكَ رَجَعُوا إِلَى قَوْمِهِمْ فَقَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَأَمَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا} وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ {قُلْ أُوجِبِي إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ} وَإِنَّمَا أُوجِبِي إِلَيْهِ قَوْلُ الْجِنِّ. 24

ترجمه: از عبدالله بن عباس رضی الله تعالی عنهما روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم همراه با گروهی از یاراناش به سوی بازار عکاظ²⁵ رفتند، در حالی که بین شیاطین (جن) و اخبار آسمان پرده و مانع ایجاد شده بود، و آتش پاره (شعله ی آتش) به سوی شان انداخته شده بود.

پس شیاطین (جنیها) به سوی اقوام شان باز گشتند، پس آنها گفتند: شما را چه شده است؟ گفت: در میان ما و خبر آسمان پرده و مانع ایجاد شده، آتش به سوی ما انداخته شده است.

گفتند: بین شما و خبر آسمان پرده ایجاد نشده مگر به خاطر حادثه ای که رخ داده است. پس به سوی شرق و غرب زمین بروید ببینید چه چیزی سبب حائل شدن بین شما و خبر آسمان شده است.

سپس آن گروهی که به سوی تهامه²⁶ رفته بودند، به بازار عکاظ رسیدند و رسول الله صلی الله علیه وسلم همراه اصحابش در نخله نماز صبح را میخواندند، سپس آنان هنگامی که قرآن را شنیدند به آن گوش فرا دادند.

آنگاه گفتند: قسم به خدا این همان چیزی است که بین ما و خبر آسمان مانع ایجاد کرده است، پس هنگامی که نزد قومشان بر گشتند، گفتند: ای قوم ما، بدون شک که ما قرآن عجیبی

24- صحیح البخاری، باب، الجهر بقرائت صلاة الفجر، ج 2 ص 183 رقم 773

25- عکاظ نام بازار های مشهور عرب در زمان جاهلیت بود، در دشت به موضع عکاظ میان نخله و طائف قرار داشت، این بازار از هلال ذی القعدة بر پا می شد و مدت بیشتر روز و یا یک ماه ادامه می یافت و قبائل عرب در آنجا گرد می آمدند و در آنجا شاعران اشعارش خود را به سمع مردم می رسانند. معجم البلدان، ج 4 ص 142

26- تهامه سر زمین همواری است که شمالا از شبه جزیره سینا تا نواحی یمن (جنوبی) امتداد دارد. مکه، نجران، جده، صنعاء در این موضع واقع اند. معجم البلدان، ج 2 ص 63

شنیده ایم که به سوی رشد هدایت میکند، پس به آن ایمان آورده ایم، و کسی را به پروردگاران شریک نمی گیریم.

پس خداوند به پیامبرش صلی الله علیه وسلم نازل فرمود: **(قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ)**.²⁷ بیشتر مفسران بنا بر این روایت چنین گمان کرده اند که این واقعه به سفر مشهور طائف رسول الله صلی الله علیه وسلم مربوط می شود، که سه سال پیش از هجرت در سال دهم بعثت اتفاق افتاده بود. اما این گمان به دلایل متعددی درست نیست. چراکه واقعه قرآن شنیدن جن ها که در آن سفر طائف اتفاق افتاده بود، داستان آن در سوره احقاف در آیه های 29 - 32 آمده است.

تنها با انداختن نگاهی گذرا به آن آیه ها معلوم میشود که جن هایی که در آن هنگام قرآن را شنیده و ایمان آورده بودند، از پیش به موسی علیه السلام و کتاب های آسمانی گذشته ایمان داشتند. اما برعکس آن، از آیه های 2 - 7 این سوره به روشنی آشکار می شود که جن هایی که در این واقعه قرآن را شنیده بودند، از مشرکان و منکران آخرت و نبوت بودند. سپس این مطلب هم از تاریخ ثابت است که در آن سفر طائف جز زید بن حارثه²⁸ رضی الله تعالی عنه همراه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - کسی نبود. در حالی که درباره این سفر عبدالله بن عباس - رضی الله عنهما - می گوید: تتی چند از یاران آن حضرت صلی الله علیه وسلم همراه ایشان بودند. افزون بر این روایت های بر این امر اتفاق دارند که در آن سفر جن ها به هنگامی قرآن را شنیده بودند که پیامبر صلی الله علیه وسلم از طائف برگشته و در مقام نخله²⁹ توقف کرده بودند و حال واقعه قرآن شنیدن جن ها در این سفر و در این سوره طبق روایت ابن عباس رضی الله تعالی عنهما در حالی اتفاق افتاده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم از مکه به سوی بازار عکاظ تشریف میبردند؛ از این رو به دلایل فوق این برداشت درست تر به نظر می رسد که دو واقعه مذکور در سوره جن و احقاف یکی نیستند، بلکه دو واقعه جدا گانه اند که در دو سفر مختلف اتفاق افتاده اند، تا آنجای که به سوره احقاف مربوط می شود،

27- سوره الجن آیه {1}

28- زید بن حارثه بن شراحیل الکلبی، پدرش حارثه و مادرش سعدی نام داشت کنیه اش ابو اسامه بود، غلام خدیجه همسر محمد صلی الله علیه وسلم بود، 35 سال قبل از هجرت در مکه در خاندان بنی کلب به دنیا آمده و در ده سالگی حضرت محمد صلی الله علیه وسلم او را به فرزندی گرفت، زید سومین شخصی بود که اسلام آورد، و یگانه صحابی است که در قرآن نامش ذکر شده است، و بالأخره در هشتم هجری در جنگ موته به شهادت رسید. اسد الغابه ج 7 ص 125

29- نخله نام موضعی است قریب مکه در حجاز که در آن در ختان خرما است، و آن مرحله اولی است کسی را که از مکه بیرون آید. معجم البلدان ج 5 ص 277.

واقعه ای که در آن ذکر گردیده است، روایت ها در باره آن اتفاق دارند که در سال دهم بعثت به هنگام سفر طائف اتفاق افتاده بود.

اینک می ماند این سوال که این واقعه دوم مربوط به سوره (الجن) در چه زمانی اتفاق افتاده بود؟ نه در روایت ابن عباس رضی الله تعالی عنها پاسخی برای این سوال وجود دارد، نه از روایت تاریخی دیگری این مطلب به دست می آید که پیامبر صلی الله علیه وسلم در چه تاریخی به همراه جمعی از یارانش به بازار عکاظ تشریف برده بود.

البته از اندیشه ودقت از آیه های 8 - 10 این سوره چنین به نظر می رسد که این واقعه تنها به دوره آغازین نبوت می تواند مربوط باشد. در این آیات ها بیان شده است که پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه وسلم جن ها گاهی امکانی برای استراق سمع اخبار عالم بالا به دست می آوردند، اما پس از آن ناگهان دیدند که در هر سو فرشته ها به شدت نگرهبانی میدهند و شهاب باران هم به شدت جریان دارد که به سبب آن هیچ جای پیدا نمی کنند که در آن اندکی بنشینند تا بلکه چیزی از عالم بالا به گوش آنها برسد، به همین خاطر آنان چنین نتیجه گرفتند که در زمین واقعه غیر عادی اتفاق افتاده است. یا در حال اتفاق افتادن است که برای آن چنین تدابیر امنیتی شدیدی در نظر گرفته شده است، از این رو در صد آن بر آمدند تا بفهمند که چه اتفاقی افتاده است. به احتمال زیاد در آن هنگام دسته های زیادی از جن ها برای کشف راز این سو و آن سو می رفته اند تا اینکه گروهی از آن ها با شنیدن قرآن از زبان مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین نتیجه گرفتند، که همین است که آن واقعه ای که به سبب آن دروازه های عالم بالا بر روی جن ها بسته شده است.³⁰

بناء از این روایت دانسته میشود که این سوره در مکه مکرمه نازل شده و از جمله سوره های مکی قرآن کریم است.

د: تعداد آیات این سوره

سوره مبارکه (الجن) دارای دو رکوع بیست و هشت (28) آیه و دوصد و هشتاد و پنج (285) کلمه و هشت صد و هفتاد (870) حرف میباشد.³¹

³⁰- تفسیر تفهیم القرآن، مولف سید ابو الاعلی مودودی، ج 7 ص 85 - 87
³¹- خازن، علاء الدین علی بن محمد بن ابراهیم البغدادي الشهير بالخازن، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج 7 ص 175، دار النشر: دار الفکر - بیروت / لبنان- (1399 هـ - 1979 م)

(ه) فضایل این سوره

جهت در یافت فضایل این سوره اکثر کتب تفاسیر معتبر را جستجو نمودم، اما بیشتر آنها در این مورد بحث نکرده اند. تعداد اندکی از کتب تفاسیر به این موضوع پرداخته و روایاتی را آورده اند که از نظر سند چندان قابل اعتماد نمی باشند، از آن جمله حدیثی است که از ابی ابن کعب روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد فضایل این سوره چنین فرمودند:

عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْجِنِّ أُعْطِيَ بِعَدْلِ كُلِّ جَنِّيٍّ وَشَيْطَانٍ صَدَقَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَذَّبَ بِهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ.³²

ترجمه: هر کسی سوره جن را تلاوت نماید به تعداد هر جن و شیطانی که محمد صلی الله علیه وسلم را تصدیق و یا تکذیب کرده اند، ثواب آزاد کردن برده ای برایش داده میشود.

چون در مورد فضایل این سوره از رسول الله صلی الله علیه وسلم به شکل خاص کدام حدیثی روایت نگردیده است، بناء میتوان حدیث عبدالله بن مسعود را که در باب فضائل قرآن کریم وارد شده است در مورد فضایل این سوره ذکر کرد، زیرا سوره الجن نیز یکی از جمله سوره های قرآن کریم بوده، و همه احادیثی که در مورد فضیلت قرآن کریم به شکل عام روایت شده اند، این سوره را نیز شامل میشوند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا لَا أَقُولُ الْم حَرْفٌ وَلَكِنْ أَلِفٌ حَرْفٌ وَوَاوٌ حَرْفٌ وَمِيمٌ حَرْفٌ.³³

ترجمه: از عبدالله بن مسعود رضی الله تعالی عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسی که یک حرف از کتاب الله عز وجل را تلاوت نماید در برابر آن حرف به آن شخص پاداش داده میشود، وپاداش آن ده برابر است، نمی گویم که (الم) یک

32- ثعلبی، ابو اسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم الثعلبی النیسابوری، الكشف والبيان، ج 10 ص 49، دار النشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، طبع اول سال (1422 هـ - 2002 م) تحقیق: امام ابی محمد بن عاشور. این حدیث در چندین کتب تفسیر و علوم القرآن ذکر شده است، مانند: اللباب فی علوم الکتاب، از ابو حفص عمر بن علی ابن عادل الدمشقی، ج 19 ص 448، ارشاد العقل السليم الى مزایا قرآن الکریم، مشهور به تفسیر ابوسعود، از محمد بن محمد العمادی، ج 9 ص 48، تفسیر بیضاوی ج 5 ص 403، اما هیچ کدام مرجع اصلی آنرا ذکر نکرده اند، و من هم در کتب حدیث جستجو نمودم تا مرجع اصلی این روایت را در یابم، اما موفق به دریافت آن نگردیدم، و در نهایت مجبوراً این حدیث را به کتب تفسیر حواله دادم.

33- ترمذی، محمد بن عیسی ابو عیسی الترمذی السلمي، الجامع الصحیح سنن الترمذی، ناشر: دار احیاء التراث العربی، (ب ت) تحقیق: احمد محمد شاکر و آخرون، ج 5 ص 175 رقم 2910، قال أبو عیسی هذا حدیث حسن صحیح غریب من هذا الوجه، قال شیخ آلبنانی صحیح.

حرف است، بلکه الف یک حرف ولام یک حرف ومیم هم یک حرف مستقل میباشد، که در مقابل هریک این حروف ده ثواب داده میشود.

ط : خصوصیت این سوره

درین قسمت، پیرامون خصوصیات و ویژه گی سوره یاد شده بحث وگفتگو میشود.

سوره مبارکه ء الجن، یک سلسله خصوصیت و ویژه گی ها دارد، که سایر سوره های دیگر قرآن مجید از آنها بر خور دار نمیباشند.

الف: سوره مبارکهء الجن از جمله سوره مفصلات می باشد.

ب: سوره الجن همچنین جزو سوره امتحانات نیز آمده است.

ج: سوره الجن به داستان چند نفر از طایفه جن اشاره می کند، که صوت قرآن را شنیدند، وایمان آورند، به اصول معارف دین اقرار کردند. واز این تسجیل نبوت رسول الله صلی الله علیه وسلم نتیجه گیری می شود.

و: محتوای این سوره

محتوای این سوره رد شرک است توسط واقعه جن ها وتوسط دلیل وحی از رسول الله صلی الله علیه وسلم. همچنان این سوره به شکل عام همه انواع شرک را مردود ساخته وبه شکل خاص شرک در اتخاذ ولد، شرک فی العلم، شرک فی الدعاء، شرک فی التصرف، وشرک فی الاستعاذه را رد نموده است.³⁴

ز: موضوع مطالب ومباحث این سوره

در این سوره از آیه اول تا آیه پانزدهم این مطلب بیان شده است که گروهی از جن ها با شنیدن قرآن چه تاثیری از آن گرفتند، وپس از بازگشت به سوی جن های دیگر چه مطالبی به آنان گفتند. در این باره الله - جل جلاله - تمام گفت وگویی آن ها را نقل نکرده است، بلکه

³⁴- رستمی، ابی زکریا عبدالسلام، تفسیر احسن الکلام، ج 6، ص 576-586، سال، (1430 ه ق) مطابق با (2009 م) مترجم، صادق بنت سید عبدالاحد، ناشر، دار التفسیر جامعه عربیه سیفین چوک کوهات رود، پشاور پاکستان.

تنها آن مطالب ویژه ای را که قابل ذکر بودند نقل فرموده است. به همین دلیل نحوه ی بیان همچون یک گفت و گوی پیوسته نیست، بلکه فرازهای مختلف آن ها به این نحو بیان شده است که آنان چنین وچنان گفتند. اگر آدمی این فرازهای بیان شده از زبان جن ها را با دقت بخواند، این مطلب را به آسانی خواهد فهمید که واقعه ایمان آوردن آن ها وگفت گوی آن ها به چه هدفی در قرآن ذکر گردیده است.

بعد از آن از آیه 16 - 18 این مطلب به مردم تفهیم شده است که اگر از شرک دست بردارند و به راه راست استوار بمانند، نعمت ها و برکات بر آنها سرا زیر خواهد شد وگر نه نتیجه روی گرداندن از پند و اندرز الهی این خواهد بود که به عذابی سخت گرفتار خواهند شد، سپس از آیه 19- 23 کافران مکه به این خاطر مورد سرزنش قرار گرفته اند که هنگامی که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - صدای فرا خواندن به سوی الله را بلند میکرد، آنان برای حمله ور شدن به او از هر سو هجوم می آوردند، در حالی که کار پیامبر تنها رساندن پیام های خدا است و او مدعی این نیست که رساندن سود و زیان مردم در اختیار او است.

سپس از آیه 25 - 24 به کافران هشدار داده شده است که امروز شما پیامبر صلی الله علیه وسلم را بی یار ویاور دیده تلاش میکنید دعوت او را سر کوب کنید، و صدای او را خاموش نمائید، اما زمانی خواهد رسید که خواهید فهمید که بی یار ویاور واقعی کیست، آن هنگام دور است یا نزدیک، پیامبر این را نمی داند، اما آن هنگام به طور قطع فرا خواهد رسید، در پایان به مردم فرموده شده است که عالم الغیب تنها خدا است، رسول الله صلی الله علیه وسلم تنها از همان علمی بر خور دار است که خدا بخواهد به او بدهد، این علم به اموری مربوط میشود که برای انجام وظیفه پیامبری ضروری اند، و این علم با چنین شیوه ای حفاظت شده ای به پیامبر داده میشود که امکان هیچگونه دخالت بیرونی در آن وجود ندارد.³⁵

ح: محور این سوره

این سوره از جمله سوره های مکی است که به بیان اصول عقیده اسلامی مانند وحدانیت، رسالت، بعث و جزاء پرداخته است.

و محور اصلی آن ما حول مخلوقی بنام جن و آنچه که از امورات خاصی که مربوط این مخلوق است میچرخد، که از شنیدن قرآن کریم توسط جنیبات آغاز کرده تا داخل شدن آنها در ایمان، و سپس به بعضی از امورات خاص و عجیبی که مربوط به جنیبات میشود خبر داده، مانند

³⁵- تفهیم القرآن، ج 7 ص 89- 90

استراق السمع (گوش فرا دادن به اخبار آسمان)، پرتاب شعله های آتشین و سوزاننده به سوی آنها جهت حفاظت آسمان ها و جلو گیری از استراق السمع، و هم چنان با خبر شدن آنها از بعض اسرار غیبی، و غیره امورات عجیبه را در مورد آنها اشاره کرده است.³⁶

مناسبات این سوره:

هر سوره، از سوره های قرآن کریم، دارای مناسبات و روابط مختلف میباشد. پس سوره (الجن)، مثل سایر سوره های قرآن مجید، علایق مختلف میباشد و رابط متعدد دی در آن نهفته است، مانند مناسبت افتتاح این سوره، با خاتمهء پیشین؛ ربط مضمون سورهء هذا، با مضمون سورهء قبلی، ارتباط نام سورهء متذکره، با موضوع محوری آن؛ مناسبت محوری سورهء با مقاطع آن، و ربط اسم سوره مورد بحث، با مضمون محتوای آن؛ و رابطهء آخر این سوره با اول سوره بعدی.

ط: مناسبت این سوره به ماقبل (سوره نوح)

این سوره به سوره قبلی (سوره نوح) از جهات ذیل ارتباط دارد.

- 1- در سوره قبلی دلیل نقلی بود به توحید از نوح علیه السلام، در این سوره دلیل نقلی است از جنیات.
 - 2- در سوره قبلی ترغیب به دعوت بود در واقعه نوح علیه السلام، در این سوره تشجیع است به واقعه جن ها.
 - 3- در سوره نوح علیه السلام تنها دلیل نقلی بود، در این سوره دلیل نقلی و وحی است.³⁷ و هم چنان نوح علیه السلام اولین رسولی است که الله متعال آن را به سوی مخالفین اهل زمین فرستاده است، که قومش بندگی بت ها را میکردند، و از نوح علیه السلام سخت نا فرمانی کردند، در حالی که نوح علیه السلام هم زبان و هم نسب شان بود، و سوره نوح به دعای نوح علیه السلام بالای قومش پایان یافته است.
- و در سوره الجن ذکر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - است که الله متعال آن را جهت هدایت اهل زمین فرستاد، و قوم آن حضرت صلی الله علیه وسلم عرب بودند، که اکثریت اعمال و احوال آن ها موافق با احوال قوم نوح علیه السلام بود، مانند بت پرستی که حتی همان بتهای

³⁶- صابونی، محمد علی الصابونی، صفوة التفاسیر، ج 3 ص 432، (ب ت) ناشر: مکتبة القرآن والسنة محله جنگی پشاور پاکستان

³⁷- احسن الکلام، ج 6 ص 350

را که قوم نوح علیه السلام پرستش میکردند، قریش نیز عین همان بت ها را می پرستیدند، وهم چنان این دو قوم در نافرمانی از پیامبران الهی، وضعیف ساختن پیروان آن ها، واستهزاء وتمسخر بالای پیامبران و پیروانشان مشابه هم بودند.³⁸

ی: مناسبت این سوره به مابعد (سوره المزل)

این سوره به سوره مزل از چند وجوهات ذیل ارتباط دارد.

- 1- در این سوره (الجن) رد شرک با انواع آن به شکل مفصل ذکر شده است، ودر سوره بعدی (المزل) ترغیب به تلاوت قرآن کریم است جهت استقامت بر توحید.
 - 2- در دوسوره قبلی (سوره نوح وسوره جن) دعوت وطریقه های آن ذکر گردیده است، ودر سوره بعدی (المزل) آمادگی برای دعوت را ذکر میکند.
 - 3- در این سوره (الجن) بیان تأثیر قرآن کریم بر مخلوق سرکش یعنی جنیات ذکر شد، ودر سوره بعدی (المزل) ترغیب به تلاوت وتبلیغ این کتاب مؤثر بیان کرده شده است.³⁹
- بعد از تکمیل معرفی مختصر سوره مبارکه (الجن) لازم می بینم تا در مورد این مخلوق (جن) چند سطرى جهت آشنایی همه جانبه با جنیات بنویسم، زیرا موضوع یا عنوان تیزس بنده، تفسیر موضوعی سوره مبارکه (الجن) میباشد، بناء قبل از اینکه به تفسیر موضوعی این سوره پردازیم، ضرورت میبیم به شکل خلاصه موضوعاتی چون تعریف جن، دلیل نام گذاری آن، اثبات موجودیت جن از قرآن وحديث، ماده خلقت جن، زمان آفرینش آن، فرق جن با ملائکه، حکم ایمان به جن، وغیره موضوعات مربوط به این مخلوق الله عزوجل را مورد بحث وبررسی قرار داده وخدمت خوانندگان محترم تقدیم مینمایم، تا باشد که این رساله از همه ابعاد علمی بر خور دار بوده وبه جا معه ما مفید قرار گیرد.

³⁸- البقاعی، امام برهان الدین ابو الحسن ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، ج 8 ص 179، ناشر: دار الکتب العلمیه بیروت، طبع: دوم (2002 م - 1424 هـ).

³⁹- احسن الکلام، ج 6 ص 369

الف: تعریف جن

علماء و دانشمندان مسلمان جن را در لغت و اصطلاح چنین تعریف نموده اند.

1- تعریف لغوی جن:

علماء علم لغت میفرمایند که: جن در لغت به معنای پوشیده و مخفی و چیزی غیر قابل رویت است، از این لحاظ طفلی که در رحم مادر است جن یا جنین گفته میشود زیرا پنهان است و دیده نمیشود، سپر را نیز (مجن) میگویند چون مجن، جنگجوی را از دید دشمن نگه می دارد جن در مقابل کلمه انس می آید. جن، موجود غیر مادی و شاید نیمه مادی است، به هر حال از جنس انسان نیست ولی بنا به صراحت آیات قرآن مجید، در اکثر احوال، هم طراز و هم عرض انسان است.⁴⁰

و همچنان علمای علم لغت می افزایند: جنّ را فرزندان جان و بنابر این جانّ را ابو الجن و جمع جنّ را جنّه و جانان، و جنی را منسوب به جنّ یا جنّه دانسته اند.⁴¹

در بعضی جاها که کلمه (الجانّ) را قرآن کریم همراهی انس به کار برده است، اسم جمع جنّ دانسته اند.⁴²

2- تعریف جن در اصطلاح:

و در اصطلاح جنیات موجودات روحانی اند که مانند انسان دارای اراده اختیار و تکلیف می باشند ولی جسم مادی بشری ندارند، غیر قابل دید و ناشناخته اند، شکل و صورت حقیقی آنها دیده نمی شود می خورند و می نوشند تولد و تناسل دارند و خود را به اشکال مختلف ساخته می توانند.⁴³

ابن قتیبة شیاطین را جنّیان سرکش و جانّ را جنّهای ضعیف دانسته است.⁴⁴

40- الشبلی، بدر الدین ابی عبدالله محمد بن عبدالله، آکام المرجان فی احکام الجن، دار الکتب العلمیه، بیروت لبنان، ص 7.

41- ابوالفداء، اسماعیل ابن کثیر دمشقی القرشی، الکامل فی التاریخ (مبارک بن محمد) النهایة فی غریب الحدیث والاثار، چاپ صلاح بن محمد بن عویضه، بیروت (1418 ق- 1997م)

42 ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم بن عبدالسلام بن عبدالله الحرانی دمشقی، مجموع الفتاوی، چاپ مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت (1421ه ق 2000م) (عسقلانی، احمد بن علی بن محمد بن علی بن محمود بن احمد شیخ الاسلام، الاصابة فی تمییز الصحابة، چاپ عادل احمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، بیروت (1415ه ق 1995م)

43- عقاید اسلامی سابق سید ص 165 تهران نشر احسان سال: (1380ه)

44- ابن حزم، ابومحمد علی بن احمد بن سعید بن حزم الظاهری، الفصل فی الملل والاهواء والنحل، بیروت، (1403ه ق- 1983م) ج 1 ص 185

ب: دلیل نام گذاری جن

این موجود، به دلیل پنهان بودنش از دید مردم به جن، یعنی نامرئی، نام گذاری شده است. و جن در لغت به معنای پوشیده و مخفی و چیزی غیر قابل رؤیت است از این لحاظ به طفلی که در رحم مادر است جن یا جنین گفته می شود زیرا پنهان است و دیده نمی شود؛ سپر را نیز (مجن) می گویند چون مجن، جنگجو را از دید دشمن پنهان نگاه می دارد.⁴⁵

الله متعال در قرآن مجید فرموده است: [إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ].⁴⁶

ترجمه: شیطان و همدستانش شما را می بیند، در حالی که شما آنها را نمی بینید.

ج: دلایل وجود جن

1- وجود جن از بدیهیات است

ابن تیمیه⁴⁷ رحمه الله میفرماید: «هیچ يك از فرقه‌های اسلامی، درباره‌ی وجود جن و این که الله متعال، محمد صلی الله علیه وسلم را به سوی جن نیز فرستاده است، اختلاف نظر ندارند. اهل کتاب نیز مانند مسلمانان وجود جن را پذیرفته اند، اما در میان آنان برخی از وجود جن منکر اند. همان طور که این تعداد کم، در میان مسلمانان نیز وجود دارد، مانند: فرقه جهمیة⁴⁸ و معتزله⁴⁹، هر چند که جمهور آنها و پیشوایان‌شان نیز به وجود جن اعتقاد دارند.

وجود جن از سخنان پیامبران به تواتر رسیده است و علم به وجود آنها، از جمله مسایل حتمی و آشکار دین است و به طور بدیهی مسلم است که جن زنده، عاقل و صاحب اراده می باشد، به برخی کارها دستور داده شده و از برخی دیگر، باز داشته شده اند.

جن، ویژگی ها یا حالت‌های انسانی یا غیر انسانی نیست، آن طور که منحرفان و ملحدان عقیده دارند؛ آری، وقتی که وجود جن به تواتر از سخنان پیامبران ثابت است، تواتری که

45- جهید، پوهنوال عبدالواحد، عقاید اسلامی، ص 246 ، انتشارات حامد رسالت چاب اول (1394 هـ ش)

46- سوره اعراف آیه [27]

47- ابن تیمیه : احمد بن عبدالحلیم بن عبد السلام بن عبدالله بن الخضر بن محمد بن الخضر بن علی بن عبدالله بن تیمیه ، الحرانی، الدمشقی. ذهبی می گوید : « وی دروازه ی علم واز با هوشان و نوابغ روزگار بود. موافقان و آوازه ی تألیفاتش که به سیصد جلد می رسد، به هر جا رسیده ، است . یکی از آثار مشهورش « مجموع فتاوی ابن تیمیه » در 37 جلد است و آثار بی شمار دیگری نیز دارد. و در سال 661 هـ در حران به دنیا آمد و در سال 728 وفات یافت. (تذکره الحفاظ از ذهبی، (ج 4 ، ص 1496 ، 1498) و البدایه والنهایه از ابن کثیر (ج 14 ، ص 132 – 141)

48- جهمیة نام گروهی است که پیروان جهم بن صفوان میباشند که در قرن سوم و چهارم هجری می زیسته اند. از جمله اعتقادات آنها مخلوق دانستن قرآن کریم و عدم قبولیت شفاعت و نفی رویت الله متعال در روز قیامت و مجبور دانستن انسان به اعمال میباشد. الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجیه. مؤلف: عبدالقاهر البغدادی. ص 199.

49- معتزله فرقه ای از فرق اسلامی است که مؤسس آن شخصی به نام واصل بن عطا است که شاگرد امام حسن بصری بود. که در اثر اختلاف با حسن بصری مجلس او را ترک کرد، این گروه دارای بعضی از اعتقاداتی اند با جمهور امت در تقابل و تضاد است مانند اعتقاد بر این که مرتکب گناه کبیره نه کافر مطلق است و نه هم مسلمان بلکه بین این دو قرار دارد که به تعبیر واصل بن عطا منزله بین المنزلتین میباشد، و هم چنان قرآن کریم را مخلوق میدانند. الملل والنحل ج 1 ص 43

عامه ای مردم و خواص نیز از آن آگاهی دارند، برای گروهی که خود را منتسب به پیامبران می‌دانند، شایسته نیست که از وجود جن منکر شوند.⁵⁰

وی می‌گوید: «همه‌ی فرقه‌های مسلمان به وجود جن معتقد هستند و جمهور کافرانی هم چون پیروان اهل کتاب، بسیاری از مشرکان عرب و غیر آنان از نسل حام و نیز جمهور کنعانی‌ها و یونانی‌ها از نسل یافث، به وجود جن اعتقاد دارند. بنابراین بسیاری از گروه‌ها به وجود جن معتقد هستند.⁵¹

امام الحرمین⁵² می‌گوید: علماء در عصر صحابه رضی الله عنهم و تابعین، بر وجود جن و شیطان اتفاق نظر داشتند و همگی آنان از ضرر جن و شیطان، به الله متعال پناه می‌جستند. هیچ انسان دینداری، در برابر این دیدگاه سخنی نگفته است.⁵³

2- دلایل وجود جن در قرآن کریم

جنیاتی که از مخلوقات غیر قابل دید هستند، ثبوت وجود آنها در (22) آیه قرآن کریم ذکر گردیده است که در ذیل تعدادی از آنها را ذکر مینمائیم.

(وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ)⁵⁴

ترجمه: و جن را از زبانه شعله ور آتش خلق نموده است.

(قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْبَدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ)⁵⁵

ترجمه: (خداوند به او) گفت: چه چیز تو را بازداشت از این که سجده ببری، وقتی که من به تو دستور (تعظیم و تواضع برای آدم) داده‌ام؟ (ابلیس از روی عناد و تکبر پاسخ) گفت: من از او بهترم. چرا که مرا از آتش آفریده‌ای و او را از خاک. (و آتش کجا و خاک کجا!).

50- مجموع الفتاوی، ج 19 ص 10

51- مجموع الفتاوی، ج 19 ص 13

52- ابوالمعالی عبدالملک بن عبد الله بن یوسف جوینی، مشهور به امام الحرمین، یکی از علمای معروف سده پنجم متولد (418 هـ - 1028 م) متکلم، دانشمند و فقیه امت مسلمه، شافعی مذهب، از مدرسین معروف نظامیه نیشاپور بود. وشاگردان بسیاری را آموزش داد و به دلیل چندین سال اقامت و بحث و تدریس در مکه و مدینه ملقب به امام الحرمین گردید، و الارشاد در اصول الدین، البرهان در اصول فقه، و نهاییه المطلب فی درایه المذهب در فقه شافعی در 12 جلد، از مولفات وی میباشد، در (28 ربیع الثانی سال 478 هـ ق) وفات کرده و در نیشاپور به خاک سپرده شد. سیر اعلام النبلاء ج 11 ص 137 و فیات الاعیان ج 3 ص 168 و معجم المؤلفین ج 6 ص 184-185

53- اشقر، داکتر عمر سلیمان، عالم الجن والشیاطین، ص 15، ترجمه: گروهی فرهنگی انتشارات حرمین، تاریخ انتشار: عقرب 1394 هـ ش) (1436 هـ ق)

54- سوره الرحمن آیه [15]

55- سوره اعراف آیه [12]

(وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ)⁵⁶

ترجمه: و جنّ را پیش از آن از آتش سراپا شعله بیافریدیم.

آیات سه گانه متذکره صراحتاً به وجود جن دلالت داشته و ماده خلقت آنرا نیز بیان کرده اند.

(يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَعَرَّثَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ)⁵⁷

ترجمه: (در آن روز خداوند بدیشان می گوید: ای جنیان و ای انسانها! آیا پیغمبرانی از خودتان به سوی شما نیامدند و آیات (کتابهای آسمانی) مرا برایتان بازگو نکردند و شما را از رسیدن بدین روز (و روبرو شدن در آن با خدا) بیم ندادند؟ (پس چگونه این روز را فراموش کردید و در تکذیب آن کوشیدید؟ در پاسخ) می گویند: ما علیه خود گواهی می دهیم (و اقرار می کنیم که پیغمبران آمدند و آئین خدا را تبلیغ کردند و ما را از قیامت ترساندند، ولی ما ایشان را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند چیزی را از سوی خود نفرستاده است و جز زندگی این جهان، زندگی دیگری وجود ندارد. آری) زندگی جهان، آنان را گول زد و (به خود مشغول داشت و امروز جز اعتراف چاره ای ندارند و) علیه خود گواهی می دهند (و می گویند) که ایشان کافر بوده اند (و مستحقّ عذاب جاویدان و خوفناک یزدان اند).

در این آیه الله متعال انس و جن را مخاطب قرار داده است، که این خود نشان دهنده ای وجود جن میباشد، اگر جن وجود نمی داشت چگونه الله متعال یک شی معدوم را مخاطب قرار داده است؟

(وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (14) وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا)⁵⁸

ترجمه: در میان ما، فرمانبرداران، و منحرفان و بیدادگراند. آنان که فرمانبردارند، هدایت و خیر را برگزیده اند.

و اما آنان که ستمگر و بیدادگرند، هیزم و هیمة دوزخ هستند.

آیه متذکره نه تنها این که به وجود جن دلالت دارد، بلکه آنها را به دو گروه مسلمان و کافر نیز تقسیم کرده است.

(سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ)⁵⁹

ترجمه: ای پریها و انسانها! به حساب شما خواهیم پرداخت.

⁵⁶- سوره حجر آیه [27]

⁵⁷- سوره انعام آیه [130]

⁵⁸- سوره جن آیه [14-16]

⁵⁹- سوره الرحمن آیه [31]

این آیه نیز دلالت صریح به وجود جن داشته و آنها را مخلوقی مکلف مانند انسان ها عنوان کرده است.

(يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتِطْعَمْتُمْ أَنْ تَتَفَدُّوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُدُوا لَا تَتَفَدُّونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ)⁶⁰

ترجمه: ای گروه پریها و انسانها! اگر می توانید از نواحی آسمانها و زمین بگذرید، بگذرید، ولیکن نمی توانید بگذرید مگر با قدرت عظیم (مادی و معنوی) آیه متذکره وجود جن را ثابت نموده و به آنها قدرت و توانایی را نیز نسبت داده است.

(فَلَمَّا قُضِيَ عَلَيْهِ الْمَوْتُ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةٌ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ)⁶¹

ترجمه: زمانی که بر سلیمان (که سمبل قدرت و عظمت بود) مرگ مقرر داشتیم، جنیان را از مرگ او نیاگاهانید مگر موربانه هائی که (مدتها بود به عصای سلیمان رخنه کرده بودند و) عصای وی را می خوردند. هنگامی که سلیمان (که در میان جنیان بر عصای خود تکیه زده بود و کارهای ایشان را می پانید) فرو افتاد، فهمیدند که اگر آنان از غیب مطلع می بودند، در عذاب خوار کننده (بیگاری و اسارت) باقی نمی ماندند (و راه خود را در پیش می گرفتند).

در این آیه الله متعال بیان عدم فهم جنیات را از علم غیب نموده که خود دلالت کننده به وجود مخلوقی به نام جن است.

(وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ)⁶²

ترجمه: ای پیغمبر! خاطر نشان ساز (زمانی را که گروهی از جنیان را به سوی تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند. هنگامی که حاضر آمدند، به یکدیگر گفتند: خاموش باشید و گوش فرا دهید. هنگامی که (تلاوت قرآن) به پایان آمد، به عنوان مبلغان و دعوت کنندگان (همجنسان خود، به آئین آسمانی) به سوی قوم خود برگشتند.

(قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ)⁶³

60- سوره الرحمن آیه [33]

61- سوره سبأ آیه [14]

62- سوره احقاف آیه [29]

63- سوره احقاف آیه [29]

ترجمه: اینان گفتند: ای قوم ما! ما به کتابی گوش فرا دادیم که بعد از موسی فرستاده شده است و کتابهای پیش از خود را تصدیق می کند (و هماهنگ با کتابهای آسمانی پیشین است)، و به سویی حق رهنمود می کند و به راه راست راه می نماید.

(يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ) 64

ترجمه: ای آدمیزادگان! شیطان شما را نفریبید، همان گونه که پدر و مادرتان را (فریفت و) از بهشت بیرونشان کرد و لباسشان را از (تن) ایشان بیرون ساخت تا عورتشان را بدیشان نماید. شیطان و همدستانش شما را می بینند، در صورتی که شما آنها را نمی بینید (لذا از راههای گوناگون و به شیوه های مختلفی که نهان از دید شما است بر شما یورش می آورند. باید چنین دشمنانی را پائید و از کید و مکرشان ترسید. با این توضیح که آنان بر مؤمنان تسلط ندارند و بلکه) ما شیاطین را دوستان و یاران کسانی ساخته ایم که ایمان نمی آورند (یعنی اهریمنان تنها بر غیر مؤمنان تسلط دارند).

(وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَرَئِيهَا لِلنَّاظِرِينَ) (16) وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ (17) إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِينٌ) 65

ترجمه: ما در آسمان برجهای نجومی پدید آورده ایم (که تقویم مجسم جهان و بیانگر نظام شگرف و حساب دقیق آن است) و آن را برای بینندگان آراسته ایم (تا از این منظره زیبایی بالا به قدرت آفریدگار تعالی پی ببرند).

و آسمان را از (دستبرد و دسترسی) هر اهریمن ملعون و مطرودی محفوظ و مصون داشته ایم. و اما هر که از آنها دزدکی گوش فرا دارد، آذرخش روشنی به سراغ او می رود.

إِنَّا رَئِيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بَرْزِيَّةً الْكَوَاكِبِ (6) وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ (7) لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقْفَذُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ (8) دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (9) إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ) 66

ترجمه: ما نزدیکترین آسمان (به شما) را با زینت ستارگان آراسته ایم .

ما آن را از هر شیطان متمرّدي، کاملاً حفظ کرده ایم.

64- سوره اعراف آیه [27]

65- سوره حجر آیه [16-18]

66- سوره صافات آیات [6-10]

آنان نمی توانند به گروه والامقام (و صدرنشینان عالم ملکوت، که فرشتگان کبارند) دزدکی گوش فرا دهند (و اسرار غیب را بشنوند) چرا که از هر سو به سویشان (تیرهای شهاب) نشانه می رود.

آنان سخت (به عقب رانده می شوند و از صحنه آسمان) طرد می گردند، و عذاب به تمام و کمالی (در دنیا) و دائمی و سرمدی (در آخرت) دارند. اما از آنان هر که با سرعت استراق سمعی کند، فوراً آذرخشی سوراخ کننده (جو آسمان و بدن آن شیطان) به دنبال او روان می گردد (و وی را می سوزاند و نابودش می گرداند).

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ⁶⁷

ترجمه: ما آسمان نزدیک (به شما) را با چراغهایی (به نام ستارگان) آراسته ایم، و آنها را وسیله راندن اهریمنان ساخته ایم، و برای ایشان عذاب آتش سوزانی را آماده کرده ایم.

قُلْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (1) يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا⁶⁸

ترجمه: (ای محمد! به امت خود) بگو: به من وحی شده است که گروهی از پریان (به تلاوت قرآن من) گوش فرا داده اند و (پس از مراجعت به میان قوم خود، بدیشان) گفته اند: ما قرآن زیبا و شگفتی را شنیده ایم.

همگان را به راه راست رهنمود می سازد، و ما بدان ایمان آورده ایم (و دیگر از ایمان خود بر نمی گردیم و یکتاپرستی را در پیش می گیریم، و) کسی را انباز پروردگاران نمی سازیم.

قُلْ لَّيِّنَ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا⁶⁹

ترجمه: بگو: اگر همه مردمان و جملگی پریان گرد آیند و متفق شوند بر این که همچون این قرآن را (با این شیوه های دلربا و معانی زیبا بسازند و) بیاورند، نمی توانند مانند آن را بیاورند و ارائه دهند، هرچند هم برخی از ایشان پشتیبان و مددکار برخی دیگر شوند (چرا که قرآن کلام یزدان و معجزه جاویدان آفریدگار است و هرگز از معلومات محدود آفریدگان چنین چیزی ساخته نیست).

67- سوره ملک آیه [5]

68- سوره جن آیه [1-2]

69- سوره اسرا آیه [88]

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ⁷⁰

ترجمه: ما بسیاری از جنیان و آدمیان را آفریده و (در جهان) پراکنده کرده ایم که سرانجام آنان دوزخ و اقامت در آن است. (این بدان خاطر است که) آنان دل‌هایی دارند که بدانها (آیات رهنمون به کمالات را) نمی‌فهمند، و چشم‌هایی دارند که بدانها (نشانه‌های خدانشناسی و یکتاپرستی را) نمی‌بینند، و گوش‌هایی دارند که بدانها (مواعظ و اندرزهای زندگی‌ساز را) نمی‌شنوند. اینان (چون از این اعضاء چنان که باید سود نمی‌جویند و منافع و مضار خود را از هم تشخیص نمی‌دهند) همسان چهارپایانند و بلکه سرگشته‌ترند (چرا که چهارپایان از سنن فطرت پا فراتر نمی‌گذارند، ولی اینان راه افراط و تفریط می‌پویند). اینان واقعاً بی‌خبر (از صلاح دنیا و آخرت خود) هستند.

در مورد جنیات در قرآن کریم آیات دیگری نیز وجود دارد، که آدرس آنها را به ذکر نام سوره و شماره آیه در پا ورقی همین صفحه نوشته‌ام، جهت معلومات بیشتر میتوانید به آیات متذکره مراجعه نمایید.⁷¹

3- دلایل وجود جن از سنت

1- عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- ذَاتَ لَيْلَةٍ فَفَقَدْنَاهُ فَالْتَمَسْنَاهُ فِي الْأَوْدِيَةِ وَالشَّعَابِ فَقُلْنَا اسْطُطِيرَ أَوْ اغْتِيلَ -قَالَ- فَبِتْنَا بِشَرِّ لَيْلَةٍ بَاتَ بِهَا قَوْمٌ فَلَمَّا أَصْبَحْنَا إِذَا هُوَ جَاءَ مِنْ قِبَلِ جِرَاءٍ - قَالَ - فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَدْنَاكَ فَطَلَبْنَاكَ فَلَمْ نَجِدْكَ فَبِتْنَا بِشَرِّ لَيْلَةٍ بَاتَ بِهَا قَوْمٌ. فَقَالَ «أَتَانِي دَاعِيَ الْجِنِّ فَذَهَبْتُ مَعَهُ فَفَرَأْتُ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنَ». قَالَ فَانْطَلَقَ بِنَا فَأَرَانَا آثَارَهُمْ وَأَثَارَ نِيرَانِهِمْ وَسَأَلُوهُ الزَّادَ فَقَالَ « لَكُمْ كُلُّ عَظْمٍ ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقَعُ فِي أَيْدِيكُمْ أَوْ فَرَ مَا يَكُونُ لَحْمًا وَكُلُّ بَعْرَةٍ عَلَفَتْ لِذَوَابِكُمْ ». فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - « فَلَا تَسْتَنْجُوا بِهِمَا فَإِنَّهُمَا طَعَامٌ إِخْوَانِكُمْ ». ⁷²

ترجمه: از عبدالله بن مسعود رضی الله تعالی عنها روایت میکند که فرمود: شبی همراه رسول الله بودیم، ناگهان او را نیافتیم، پس در وادی دره‌ها وی را جستجو کردیم، پس گفتیم

⁷⁰- سوره اعراف آیه [179]

⁷¹- سوره کهف آیه [50] سوره نمل آیه [8] سوره اعراف آیه [38] سوره هود آیه [119] سوره حم سجده آیات [25 - 29] سوره احقاف آیه [18] سوره ذاریات آیه [56] و سوره ناس آیه [6]

⁷²- النیشاپوری، أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری، صحیح مسلم، الناشر: دار الجیل بیروت + دار الأفاق الجدیدة - بیروت، باب قرأة صلاة الصبح، ج 4 ص 36 رقم 1035

که: ربوده شده، یا ترور شده است، پس به بدترین حالت، شب گذرانیدیم، هنگامی که صبح کردیم، دیدیم که او از طرف حراء می آید، پس گفتیم: جستجوی شما را کردیم و نیافتیم، سپس به بدترین حالت شب گذرانیدیم!

آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: فرستاده جن نزد من آمد، پس به همراه او رفتم، و بر آنان قرآن خواندم.

عبد الله بن مسعود رضی الله تعالی عنهما میگوید: سپس همراه ما براه افتاد، و اثر آنان و اثر آتش آنها را به ما نشان داد، آنها در باره توشه خویش از رسول الله پرسیده بودند، پس به آنان فرموده بود: هر استخوانی که نام خدا بر آن برده شده، برای شما است، وقتی که به دستتان می رسد گوشت بسیار خواهد داشت، و هرپشکلی علوفه حیواناتتان خواهد بود، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: پس با این دو استنجا نکنید، زیرا که غذای برادران (جن) ها میباشند.

این حدیث نه تنها که صراحتاً وجود جن را تایید میکند بلکه به آنها خورد و نوش را نیز ثابت نموده است.

2- **أَنَّ أَبَا سَعِيدٍ الْخُدْرِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ لَهُ إِنِّي أَرَاكَ تُحِبُّ الْغَنَمَ وَالْبَادِيَةَ فَإِذَا كُنْتَ فِي غَنَمِكَ وَبَادِيَتِكَ فَأَذْنَتِ بِالصَّلَاةِ فَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالنِّدَاءِ فَإِنَّهُ لَا يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جِنَّ وَلَا إِنْسًا وَلَا شَيْءًا إِلَّا شَهِدَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ أَبُو سَعِيدٍ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.**⁷³

ترجمه: ابو سعید الخدری⁷⁴ رضی الله تعالی عنه می فرماید: رسول الله صلی الله علیه وسلم به من فرمود: (همانا می بینم که تو گوسفند و صحرا نشینی را دوست داری، پس هرگاه در بین گوسفندان و در بادیه ات بودی، آنگاه برای نماز اذان دادی، پس صدایت را بلند کن، زیرا که صدای مؤذن را جن و انس و چیزی دیگری نمی شنود مگر این که در روز قیامت برای او گواهی میدهند).

در مورد اثبات جن احادیث بیشتری روایت شده است، که ذکر آنها از توان این رساله کوچک بیرون است، بناء به همین دو حدیث گرانبهای رسول الله صلی الله علیه وسلم اکتفا می

73- صحیح البخاری، باب الطیب للجمعه، ج 8 ص 348 رقم 3296

74- ابوسعید الخدری . ایشان سعد بن مالک بن سنان الخدری الانصاری الخزرجی، می باشد، از اصحاب جلیل القدر و همیشه ملازمت کننده با پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده است، از او (1117) حدیث روایت شده است و در دوازده غزوه اشتراک داشته و سر انجام در مدینه طیبه وفات نمود متولد و متوفی : (10 قمری ، هجری - 74 هجری مساوی 613 - 693 م) .. معرفتی مختصر مفسرین و محدثین ج 1 ص 62.

نمائیم، زیرا کسانی که در پی وجستجوی حق باشند، جهت اثبات یا انکار امری یک حدیث از احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم برای شان کافی است.

د: ماهیت و ماده خلقت جن

الله متعال در کتاب کریمش از ماهیت جن این گونه به ما خبر داده است: (وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ)⁷⁵

ترجمه: و جن را پیش از آن از آتش سراپا شعله بیافریدیم. و می فرماید: (وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ)⁷⁶

ترجمه: و جن را از زبانه شعله ور آتش خلق نموده است.

و در حدیثی از رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز چنین روایت شده است، که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- « خَلَقَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورٍ وَخَلِقَ الْجَانُّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَّارٍ وَخَلِقَ آدَمَ مِمَّا وُصِفَ لَكُمْ ».⁷⁷

ترجمه: ملائکه من نور، جن از شعله آتش و آدم از آنچه برای تان بروصف شده بود خلق شده اند.

ه: زمان آفرینش جن

بی گمان جن پیش از انسان آفریده شده است، در مورد الله متعال می فرماید: (وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَآءٍ مَّسْنُونٍ (26) وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ)⁷⁸

ترجمه: و ما انسان را از گل خشکیده فراهم آمده از گل تیره شده گندیده ای بیافریدیم، و جن را پیش از آن از آتش سراپا شعله بیافریدیم.

در آیات با لا به این مطلب تصریح شده است که جن پیش از انسان آفریده شده است، برخی از گذشتگان بر این باور بودند که جن، دو هزار سال پیش از انسان آفریده شده است. اما لازم به یاد آوری است که این ادعای است که هیچ گونه دلیل از قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم به همراه ندارد.⁷⁹

⁷⁵- سوره حجر آیه [27]

⁷⁶- سوره الرحمن آیه [15]

⁷⁷- صحیح مسلم، ج 8 ص 326 رقم: 7687

⁷⁸- سوره حجر آیات [26-27]

⁷⁹- عالم الجن والشیاطین، ص 7

ط: هدف پیدایش جن

الله متعال، جن را برای همان هدفی آفرید، که انسان را برای آن آفریده است :

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) 80

«من پریها و انسانها را جز برای پرستش خود نیافریده ام.»

بنابراین، جن نیز باید بعضی کارها را انجام دهد و از برخی کارها دوری کند و هر کدام از آنها، که از دستورات الله متعال پیروی کنند، الله متعال از او راضی می‌شود و او را داخل جنت می‌کند؛ اما هر کس که سرکشی کند، او را وارد دوزخ می‌سازد.

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَادِهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ) 81

ترجمه: (در روز قیامت خداوند به این کافران) می‌گوید: به همراه گروهها و دسته‌هایی از کافران انس و جنی که پیش از شما (در دنیا مدتی زندگی کرده‌اند و آن‌گاه از جهان) رفته‌اند وارد آتش دوزخ شوید! (در این هنگام) هر وقت گروهی داخل آتش شود، گروه همجنس (پیشین) خود را نفرین می‌فرستد، تا آن‌گاه که همه می‌رسند و پیش هم گرد می‌آیند، وقت پسینان خطاب به پیشینان می‌گویند: پرور دگارا! اینان ما را گمراه کرده‌اند (زیرا که پیش از ما بوده‌اند و ما را به سوی کفر رهبری نموده‌اند) پس آتش آنان را چندین برابر (تیزتر و عذابشان را بیشتر) گردان (پروردگار خطاب بدیشان) می‌گوید: عذاب هر یک از شما (پیروان و بالادستان و زیردستان، به سبب کفر و ضلال و تقلید کورکورانه از همدیگر) چندین برابر است، ولی (به علت عذاب سخت خود اندازه عذاب دیگران را) نمی‌دانید. «و می‌فرماید:

« وَ لَقَدْ دَرَأْنَا لِحَبَّتِهِمْ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ ... » 82

« ما بسیاری از جنیان و آدمیان را آفریده و (در جهان) پراکنده کرده ایم که سر انجام آنان دوزخ و اقامت در آن است.»

مخاطب این آیه، جن و انسان هستند؛ زیرا در آغاز سوره، روی سخن این دو گروه هستند و در آیه‌ی پیشین، از سوی الله متعال در حق جن اظهار منت و احسان شده است که به بهشت خواهد رفت. اگر جن به بهشت نایل نمی‌شد، الله متعال این منت را به رخ آن نمی‌کشید.

80 - سوره الذاریات آیه [56]

81 - سوره الاعراف آیه [38]

82 - سوره الاعراف آیه [179]

و: شکل ونحوه ساختار جن

انسان ها در مورد چگونگی آفرینش، و شکل اعضای بدن جن جز آنچه که در قرآن کریم ذکر شده است آگاهی ندارند.

الله متعال می فرماید: **وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آدَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ⁸³**

ترجمه: ما بسیاری از جنیان و آدمیان را آفریده و (در جهان) پراکنده کرده ایم که سرانجام آنان دوزخ و اقامت در آن است. این بدان خاطر است که آنان دلهایی دارند که بدانها (آیات رهنمون به کمالات را) نمی فهمند، و چشمهایی دارند که بدانها (نشانه های خدانشناسی و یکتاپرستی را) نمی بینند، و گوشهایی دارند که بدانها (مواعظ و اندرزهای زندگی ساز را) نمی شنوند. اینان (چون از این اعضاء چنان که باید سود نمی جویند و منافع و مضار خود را از هم تشخیص نمی دهند) همسان چهارپایانند و بلکه سرگشته ترند (چرا که چهارپایان از سنن فطرت پا فراتر نمی گذارند، ولی اینان راه افراط و تفریط می پویند) اینان واقعاً بی خبر (از صلاح دنیا و آخرت خود) هستند.

الله متعال در آیه متذکره بیان کرده است که جن دارای قلب، چشم، و گوش میباشد. البته در احادیث و آثار برای جنیات زبان و خوردن و نوشیدن نیز ثابت شده است که ذیلاً به آن می پردازیم.⁸⁴

در صحیح بخاری آمده است: ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به من دستور فرمودند تا برای استنجاء، سنگی را بیاورم و فرمودند: استخوان و سرگین حیوان نیاوری. وقتی ابوهریره رضی الله عنه درباره ای راز عدم استفاده از استخوان و سرگین، پرسید، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ يَحْمِلُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِدَاوَةَ لَوْضُوئِهِ وَحَاجَتِهِ فَبَيْنَمَا هُوَ يَتْبَعُهُ بِهَا فَقَالَ مَنْ هَذَا فَقَالَ أَنَا أَبُو هُرَيْرَةَ فَقَالَ: ابْغِي أَحْجَارًا أَسْتَنْفِضُ بِهَا وَلَا تَأْتِنِي بِعَظْمٍ وَلَا بِرَوْتَةٍ فَاتَيْتُهُ بِأَحْجَارٍ أَحْمِلُهَا فِي طَرْفِ ثَوْبِي حَتَّى وَضَعْتُهَا إِلَى جَنْبِهِ ثُمَّ انْصَرَفْتُ حَتَّى إِذَا فَرَعْتُ مَشَيْتُ فَقُلْتُ مَا بَالُ الْعَظْمِ وَالرَّوْتَةِ قَالَ: هُمَا مِنْ طَعَامِ الْجِنِّ وَإِنَّهُ أَتَانِي وَفَدُّ جَنِّ نَصِيبِينَ وَنِعْمَ الْجَنُّ فَسَأَلُونِي الرَّادَ فَدَعَوْتُ اللَّهَ لَهُمْ أَنْ لَا يَمْرُؤُوا بِعَظْمٍ وَلَا بِرَوْتَةٍ إِلَّا وَجَدُوا عَلَيْهَا طَعْمًا»⁸⁵.

⁸³-سوره اعراف آیه [179]

⁸⁴- اشقر، عمر سلیمان، عالم الجن والشیاطین، المكتبة العالمیه بیروت لبنان، ص 10

⁸⁵- بخاری: (171/7)، شماره: (3860)

ترجمه: این دو غذای جن هستند و گروهی از جن های شهر نصیبین⁸⁶ نزد من آمدند و چه جن های خوبی بودند. آنان از من درخواست غذا کردند. من نیز از الله خواستم که آنها بر هر استخوان و یا سرگینی که بگذرند، بر آن، غذایی بیابند.

در صحیح مسلم، به سند صحیح از ابن مسعود رضی الله عنه، روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لَا تَسْتَجُوا بِالرَّوْثِ وَلَا بِالْعِظَامِ، فَإِنَّهُ زَادَ إِخْوَانِكُمْ مِنَ الْجِنِّ.»⁸⁷

ترجمه (با استخوان و سرگین حیوانات استتجاء نکنید؛ همانا آن غذای برادران جن شما است).

در صحیح مسلم، از ابن مسعود رضی الله عنه، روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أَتَانِي دَاعِي الْجِنِّ فَذَهَبْتُ مَعَهُ فَفَرَأْتُ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنَ»⁸⁸
ترجمه (دعوتگر جن نزد من آمد، همراه با او رفتم و قرآن را برای آنان تلاوت کردم) و در مورد در صحیح مسلم چنین آمده است:

«إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ لَا مَبِيتَ لَكُمْ وَلَا عَشَاءَ. وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ. وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ وَالْعَشَاءَ»⁸⁹.

ترجمه: (هرگاه انسان وارد خانه شد و «بسم الله» را بر زبان جاری نمود و الله را یاد کرد و هنگام غذا خوردن «بسم الله» را بر زبان جاری نمود، شیطان به لشکریان خود می گوید: برای شما در این خانه نه غذایی وجود دارد و نه جای خوابی. و هرگاه به هنگام وارد شدن به خانه، «بسم الله» را نگوید و الله را یاد نکند، شیطان می گوید: این جا جای خواب و خوراک شما است).

بدون تردید، این نوشتارها این مطلب را می رساند که شیطان می خورد و می نوشد. همان طور که انسان از خوردن گوشتی که هنگام ذبح، نام الله متعال روی آن گفته نمی شود، منع شده است، جن مؤمن نیز از استفاده از استخوانی که نام الله روی آن گفته نمی شود، منع شده است و جن کافر از آن بهره می برد؛ زیرا شیاطین طعامی را که نام الله و «بسم الله»

⁸⁶- نصیبین شهری است که در نزدیکی فرات که بنام نصیبین روم نیز شهرت دارد، فاصله آن تا شهر آمد و نیز تا حران سه الی چهار روز راه است و آن برسر راه حران به دیار روم واقع است. معجم البلدان، ج 5 ص 289.

⁸⁷- مسلم، ج 1 ص 332 شماره: (450)

⁸⁸- مسلم: ج 1 ص 332 شماره: (450)

⁸⁹- مسلم: ج 6 ص 108 شماره: (5381)

برای آن گفته نشود، برای خود حلال می دانند. بنابر همین حدیث، برخی علما بر این عقیده اند که گوشت مردار، غذایی شیاطین است؛ چون نام الله متعال - بسم الله - بر آن گفته نشده است.

علامه ابن قیم⁹⁰ از آیه: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ.**⁹¹

ترجمه: «ای مومنان! می خوارگی و قماربازی و بتان و تیرها (و سنگها و اوراقی که برای بخت آزمائی و غیب گویی به کار می برید) پلیدند و کار شیطان می باشند.»
برداشت کرده است که مسکرات، شراب شیطان است؛ پس شیطان از شرابی می نوشد که دوستانش به دستور او، آن را ساخته اند و خودش در ساختن آن با دوستانش شریک است. لذا آنان که شیطان را در نوشیدن شریک خود می کنند، در گناه و عذاب نیز شیطان شریک آنان است.⁹²

روایتی که امام نسائی، از عبدالله بن یزید، بیان کرده است، برداشت ابن قیم را تأیید می کند. عبدالله بن یزید می گوید: عمر بن خطاب رضی الله عنه، در نامه ای برای ما نوشت: **«أَمَّا بَعْدُ فَاطْبُخُوا شَرَابَكُمْ حَتَّى يَذْهَبَ مِنْهُ نَصِيبُ الشَّيْطَانِ فَإِنَّ لَهُ اثْنَيْنِ وَلَكُمْ وَاحِدًا.»**⁹³

ترجمه: (نوشیدنی تان را بجوشانید، تا این که سهم شیطان از آن بیرون رود؛ زیرا در آن نوشیدنی، شیطان دو سهم و شما یک سهم دارید.)

جنیبات مراسم ازدواج دارند و بصورت خانوادگی زندگی میکنند. جا و مکان برایشان مطرح نیست و ماده دارند آلت تناسلی دارند جنس نر و ماده با هم آمیزش دارند و مدت بارداری آنها کم تر از انسان است و معمولاً هرشکم بیشتر از یک بچه متولد نمیشود. وضع حمل آنها آسان تر از بشر است رشد بچه سریعتر و بلوغ هم دارند. زاد و ولدشان مثل انسان زیاد نیست. طول عمرشان بیشتر از آدمی است مرگ دارند جسمشان فنا میشود و احتیاجی به قبرستان ندارند. گرما و سرما و درد را احساس نمیکنند اما لذت خوشی و ناخوشی دارند.

⁹⁰- محمد بن ابی بکر ایوب بن سعد زرعی دمشقی ابو عبدالله شمس الدین میباشند، پدر شان قیم مدرسه جوزیه بود لذا ایشان به قیم جوزی لقب یافته بود، در سال 691 هـ متولد شده و در سال 751 هـ دار فانی را وداع گفت، وی یکی از پایه های اصلاح اسلامی و یکی از دانشمندان بزرگ در مذهب امام احمد بن حنبل بود، ویگی از بزرگترین شاگردان امام ابن تیمیه بود، او دارای تالیفاتی زیادی است که از جمله میتوان اعلام الموقعین، زاد المعاد، وغیره میباشند. الاعلام ج 6 ص 56

⁹¹- سوره المائده، آیه [90]

⁹²- اشقر، عمر سلیمان، دنیا ی جن ها و شیاطین، ترجمه: گروه فرهنگی انتشارات حرمین. ص 35

⁹³- سنن نسائی: ج 8 ص 743 شماره 5733 صححه البانی فی ارواء الغلیل، ج 8 ص 50 شماره 2387.

گروهی بر این عقیده اند که جن نمی خورد، نمی آشامد و ازدواج نمی کند. دلایل قرآن و سنت این اعتقاد را کاملاً رد می کند.⁹⁴

برخی علما بر این باورند که جن، گونه های مختلفی دارد: برخی می خورند و می نوشند و برخی ها چنین نیستند. وهب بن منبه⁹⁵ می گوید: «الجنّ أجناسٌ، فأما خالصُ الجنّ فهم ریحٌ لا يأكلون، و لا يشربون، و لا يموتون، و لا يتوالدون، ومنهم أجناس يأكلون، ويشربون، ويتوالدون، ويتكاخون، ويموتون، قال: وهي هذه السعالي والغول وأشباه ذلك»⁹⁶.

ترجمه: (جن انواع گوناگونی دارد؛ جن های خالص همان بادهای هستند، نمی خورند، نمی نوشند و نمی میرند و زاد و ولد ندارند. گروهی دیگر از آنها، می خورند، می نوشند، زاد و ولد دارند، ازدواج می کنند و می میرند.. دسته ای دوم، سعالی، غول و امثال آنها هستند).

البته این ادعای وهب بن منبه، نیاز به دلیل دارد، اما او هیچ گونه دلیلی بیان نکرده است.

برخی از علما، درباره ای نحوه ی خوردن جن، گفته ها مختلف دارند؛ آیا می جود یا می بلعد، یا این که بو می کشد. اما لازم به یادآوری است که صحبت کردن پیرامون این موضوع، اشتباه است؛ زیرا ما از چگونگی خوردن آنها آگاهی نداریم و الله متعال و رسولش صلی الله علیه وسلم نیز در این باره چیزی نگفته اند.⁹⁷

ز: انواع جن

خداوند متعال جن را بر انواع و گروه های مختلفی آفرید: برخی از آنها خود را به شکل های مختلف از قبیل سگ و مار در می آورند و تعدادی از آنها پرواز می کنند و کسانی از آنها نیز در جایی وارد می شوند و سپس می روند.⁹⁸

از ابی ثعلبه خشنی⁹⁹ روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: عَنْ أَبِي ثَعْلَبَةَ الْخُسَنِيِّ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: الْجِنُّ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ: صِنْفٌ لَهُمْ أَجْنَحَةٌ يَطِيرُونَ فِي الْهَوَاءِ، وَصِنْفٌ حَيَاتٌ، وَصِنْفٌ يَحِلُّونَ وَيَظْعَنُونَ.¹⁰⁰

⁹⁴- آكام المرجان في احكام الجنان. ص 52

⁹⁵- وهب بن منبه بن كامل بن سيج بن ذى كيار، اهل صنعاء يمن، برادر همام بن منبه است. او در سال 34 هـ ق در زمان خلافت عثمان ولادت یافت و به جاهای متعددی سفر کرد او از چندین نفر صحابه و تابعین علم و دانش را آموخت و روایت های مسند را خیلی کم نقل کرده است و فراوانی علمش در اسرائیلیات و صحیفه های اهل کتاب است. و در سال 113 هـ ق وفات یافته است. سیر اعلام النبلاء ج 4 ص 544

⁹⁶- ابن جریر آن را گزارش کرده است «لوامع الانوار الشيخ محمد احمد السفارینی الاثری الحنبلی (ج 2 ص 222)

⁹⁷- آكام المرجان في احكام الجنان ، ص 53

⁹⁸- دنیای جن و سحر به استناد قرآن و احادیث نبوی، ص 7. گرد آورنده و ترجمه: وب سایت ایمان، تاریخ انتشار: سرطان 1395 هـ ش) شوال (1437 هـ ق) ، منبع وب سایت ایمان.

ترجمه: جن ها سه دسته هستند: دسته ای از آنها دارای بال هستند و در هوا پرواز میکنند، دسته ای خود را به شکل مار در می آورند، و دسته ای دیگر وارد می شوند و می روند، (در جایی ماندگار نیستند).

ظ : عمر و مرگ جنیات

طوری که که گفتم جن مانند سایر جانداران همان طور که دارای حیات هستند مرگ هم شامل حالشان می شود. در سوره رحمن به صراحت آمده است.

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (26) وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (27) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ¹⁰¹

ترجمه: همه چیزها و همه کسانی که بر روی زمین هستند ، دستخوش فنا می گردند . و تنها پروردگار با عظمت و ارجمند تو می ماند و بس . پس کدام يك از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید و انکار می نمایید؟! و همچنان در سوره ال عمران می فرماید .

(كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ) 102

« هرکس مزه مرگ را می چشد » .

ابن عباس رضی الله عنه ، روایت شده است که رسول الله ص فرمودند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُضِلَّنِي أَلَيْسَ الْغَيْبُ وَالْإِنْسُ يَمُوتُونَ»¹⁰³

ترجمه: بارالها، به عزت تو پناه می برم که معبودی جز تو وجود ندارد، تو معبودی هستی که نمی میرد و جن و انس می میرند.

⁹⁹- او جورثوم ابن ناشب که در صلح حدیبیه حضور داشته و با رسول الله صلی الله علیه وسلم بیعت کرده و رسول الله صلی الله علیه وسلم او جانب قومش فرستاد و قومش مسلمان شدن و در سال 75 هـ ق در ایام خلافت عبدالملک بن مروان وفات یافت. البدایه والنهایه ج 9 ص 85

¹⁰⁰- طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی، (متوفی: 360 هـ) ج 16 ص 86 رقم 18019 شعیب الأرنؤوط (ت 1438) تخریج شرح السنه 195/12 إسناده قوی

¹⁰¹- سوره الرحمن آیه [26 ، 28]

¹⁰²- سوره ال عمران آیه [185]

¹⁰³- الألبانی (ت 1420) صحیح الجامع / 1309 صحیح ، و أخرجه مسلم (2717)

البته مقدار عُمر جن، برای ما معلوم نیست؛ اما درباره‌ی ابلیس لعین آمده است که تا روز قیامت زنده می‌ماند:

(أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (14) قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ)¹⁰⁴

ترجمه: (ابلیس) گفت: مرا تا روزی مهلت ده و زنده بدار که (قیامت نام است و مردمان در آن زنده می‌شوند و از گورها) برانگیخته می‌گردند. (خداوند) گفت: شما از زمره مهلت یافتگانی (و مدتهای مدید در زمین ماندگار می‌مانی).

پس تنها عمر شیطان بر ما معلوم است. البته جن از انسان پیش‌تر عمر می‌کند.

از جمله دلایل مرگ جن، این است که خالد بن ولید¹⁰⁵ «شیطانة العزی»¹⁰⁶ را به قتل رساند. همچنین یکی از صحابه - رضی الله عنهم - ، جنی که خود را به شکل اژدها در آورده بود، به هلاک رساند. و بعضی مردم در باره عمر جن می‌گویند که جینات بیشتر از هزار سال عمر دارد و بعضی‌ها می‌گویند که (7) صد سال عمر دارد و شاهد این سخن این می‌باشد.

ابن جوزی در کتاب (صفوة الصفوة) از سهل بن عبدالله¹⁰⁷ روایت کرده است: در نواحی دیار عاد بودم ناگاه شهری دیدم که از سنگ کنده شده بود و در وسط آن قصری قرار داشت که از یک پارچه سنگ ساخته بود و در آنجا جن زندگی می‌کرد داخل شدم ناگاه دیدم شیخ قوی الهیکل و تنومندی با جامه پطرراوت پشمی رو به کعبه نماز می‌خواند، تازگی و طراوت جامه او بیشتر مایه شگفت و تعجب من شد تا تنومندی و درشتی اندامش، سلامش کردم جواب سلام را داد و گفت: ای سهل، جنة بزرگ لباس را کهنه نمی‌کند بلکه لباس را ارتکاب گناهان و خوردن غذاهایی که از کسب حرام به دست می‌آید کهنه می‌سازد و این جامه هفت صد سال است که برتن من است و با این لباس عیسی و محمد علیهما السلام را

104- سوره الاعراف آیه [14 ، 15]

105- خالد بن ولید بن مغیره مخزومی، ابو سلیمان یکی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم و سرداران بزرگ اسلام بود، وی به نام های سیف الله و ابو سلیمان مشهور بود، ایشان در سال (592 م) در شهر مکه مکرمه متولد گردیده و در سال 624 م در شهر حمص سوریه وفات نموده است. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب ج 2 ص 427

106- خالد بن ولید در سال هشتم هجری بعد از فتح مکه جهت از بین بردن بت عزی فرستاده شد، که این بت بزرگترین بت قریش و تمام بنی کنانه به شمار می‌رفت و در منطقه نخله قرار داشت، هنگامی که خالد آن بت را ویران کرد از داخل آن بت زنی ژولیده موی برهنه و سیاه بیرون شده و خالد آن را با شمشیرش به قتل رسانید، هنگامی که خالد برگشت و جریان را به رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان کرد، آنحضرت فرمود: بلی آن زن عزی بود و از اینکه در سرزمین شما پرستش شود برای ابد نا امید گردید. سیرت النبی ترجمه فارسی رحیق المختوم. ص 716

107- سهل بن عبدالله تستری : او سهل بن عبدالله بن یونس ، شیخ العارفین ، ابو محمد تستری ، صوفی و زاهد می‌باشد . وی در سال 283 هـ . ق وفات یافت . (شرح حالش در کتاب « سیر اعلام النبلا » ، ج 13 ص 151

ملاقات کردم و به هردو ایمان آوردم: خودت کیستی؟ گفت: از آن جماعتی هستم که الله {قل} اوحی إلى انه استمع نفر من الجن¹⁰⁸ را در مورد شان نازل کرده است.

آیا آنان شامل این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم می شوند که می فرماید: عن ابوهريره¹⁰⁹ (أعمار أمتي ما بين الستين والسبعين)¹¹⁰ عمر اشخاص در امت من میان شصت تا هفتاد می باشد.¹¹¹

فهمیدن عمر جن از مسائل غیبی می باشد و غیب را جز نصوص کس بیان کرده نمی تواند؟ لذا به همین قدر معلومات اکتفا می کنم.

ح: فرق جن با ملائکه

در حدیثی از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود: عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خُلِقَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورٍ وَخُلِقَ الْجَانُّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ وَخُلِقَ آدَمُ مِمَّا وُصِفَ لَكُمْ.¹¹²

ترجمه: از ام المؤمنین عائشه رضی الله تعالی عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ملائکه از نور خلق شده اند، و جن ها از شعله های آتش خلق شده اند، و آدم از آنچه که به شما توصیف اش را کردم (خاک) آفریده شده است.

108- سوره الجن آیه [1]

109- عبدالرحمن پسر صخره دوسی ویمنی میباشد که ملقب به ابوهريره است. امام ذهبی سلسله او را چنین می گوید: عمير بن عامر بن ذي الشرى بن طريف بن عيان بن ابي صعب بن هنية بن سعد بن ثعلبه سليم بن فهم بن غنم بن دوس بن عدنان بن عبدالله بن زهران بن كعب بن الحارث بن عبدالله بن مالك بن نضر الازد. زرکلی می نویسد: ابوهره در جمع اصحاب کسی است که زیاد حدیث روایت کرده و او از طفیولیت یتیم بزرگ شد اما یتیمی آن در جاهلیت، ولی زمانیکه به مدینه آمد و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در خیبر بود و اسلام آورد در سنه 7 هـ، و همیشگی نمود همراهِ پیامبر اسلام، و از آن (5374) حدیث روایت شده است، و از او 800 صحابی و تابعی حدیث آموخته اند. بعد از وفات پیامبر اسلام مدت زمان والی مدینه هم بود، اما وقتی که خلافت عمر آمد آن را در بحرین مقرر نمود، زمانی که عمر - رضی الله عنه - او را دید که همیشه مشغول عبادت است او را عزل نمود، اما وقتی که خلافت علی - رضی الله عنه - آمد او را گفت بیا والی یکی از شهرها خلافت شو، اما او انکار کرد و بود که زندگی طولانی ای را در مدینه سپری نمود و در آنجا وفات نمود، اما قیل از وفاتش از بزرگترین مفتیان صحابه بود، و شیخ تقی الدین سبکی فتوا های او را در یک کتاب جمع آوری نموده و نامش (فتاوی ابی هریره) گذاشت و همچنان شخصی دیگری به اسم عبدالحسین شرف الدین مختصر در مورد سیرت ابوهريره کتاب نوشته است. سال تولد و وفات وی (21 ق هـ - 59 هـ = 602 - 679 م) (سیر اعلام النبلا، ج 3، ص 309)

110- النووي (ت 676)، المثورات 295، حسن. أخرجه الترمزي. (355) وابن ماجه (4236). شرح روايه أخرى الشوكاني (ت 1255)، الفوائد المجموعه 268. لم يصب من ذكره في الموضوعات وله طرز أخرى. أخرجه الترميز (355) وابن ماجه (4236). شرح روايه أخرى.

111- الشبلي، الشيخ الامام العلامة بدر الدين ابى عبدالله محمد بن عبدالله (المتوفى 769 هـ ش)، ص/ 11 دار الكتب العلميه بيروت لبنان / 2185، 2495 -

112- صحيح مسلم، ج 8 ص 226 رقم 7687-

ازین حدیث دانسته میشود که عالم جن وملائکه از هم در اصل ماده خلقت متفاوت اند، چنانکه جنیات از شعله های آتش آفریده شده اند، وملائکه از نور آفریده شده اند، بناء بر این، این دو مخلوق باهم فرق های زیادی دارند.

از آیات قرآن کریم واحادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم دانسته میشود که نه تنها این دو مخلوق در اصل ماده خلقت از هم متفاوت اند، بلکه فرق های زیادی در آنها وجود دارد، مانند این که ملائکه مخلوق فرمان برداری اند که هیچگاهی از اوامر الله متعال سرپیچی نکرده اند، خورد ونوش توالد وتناسل هم ندارند.

اما جن ها توالد وتناسل دارند، مانند انسان ها نفس داشته وخورد ونوش میکنند، برخی آنها فرمان بر دار احکام الله متعال اند، وبرخی دیگر نافرمان وعصیان کننده اند، در میان آنها مسلمان وکافر نیز وجود دارد.

پس دانسته شد که این دو مخلوق از هم متفاوت بوده وهریک خصوصیات منحصر به خودشان را دارند.

ط: حکم ایمان داشتن به وجود جن

ایمان داشتن به وجود جن لازمی وضروری است، زیرا در بیشتر از بیست آیه قرآن کریم واحادیث متعدد رسول الله صلی الله علیه وسلم درمورد آنها بحث گردیده، ویکی از سوره های مکی قرآن کریم به این نام (الجن) مسمی شده است، بناء براین انکار از وجود جن در حقیقت انکار از بخشی از آیات قرآن کریم واحادیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم است، که انکار از یک آیه قرآن کریم انسان را از دایره اسلام خارج گردانیده وسبب کفر انسان میشود.

مقطع اول: آیات (1-7)

گوش فرادادن جنیبات به قرآن کریم و ایمان آوردن آنها

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (1) يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (2) وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (3) وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا (4) وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّنْ نَقُولَ الْإِنسَ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (5) وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (6) وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا). 113

ترجمه: (ای محمد! به امت خود) بگو: به من وحی شده است که گروهی از پریان (به تلاوت قرآن من) گوش فرا داده‌اند و (پس از مراجعت به میان قوم خود، بدیشان) گفته‌اند: ما قرآن زیبا و شگفتی را شنیده‌ایم.

همگان را به راه راست رهنمود می‌سازد، و ما بدان ایمان آورده‌ایم (و دیگر از ایمان خود بر نمی‌گردیم و یکتا پرستی را در پیش می‌گیریم، و) کسی را انباز پروردگاران نمی‌سازیم. جلال و عظمت پروردگار ما والا است، او همسر و فرزندی بر نگرفته است. نادانان ما درباره خداوند سخنان ناروایی می‌گفتند.

و ما (پیش از این) چنین می‌پنداشتیم که آدمیان و پریان هرگز بر خدا دروغ نمی‌بندند (و از زبان خدا دروغ نمی‌گویند و بدو نسبت های ناروایی - همچون داشتن زن و فرزند - نمی‌دهند).

و کسانی از انسانها به کسانی از پریها پناه می‌آوردند، و بدین وسیله بر گمراهی و سرکشی ایشان می‌افزودند.

و (انسانهای کافر) گمان برده‌اند، همان گونه که شما (پریهای کافر) گمان برده‌اید، که خداوند هرگز کسی را پیغمبر نمی‌سازد، و کسی را دوباره زنده نمی‌گرداند.

سبب نزول:

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: مَا قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْجِنِّ وَلَا رَأَهُمْ؛ انْطَلَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِهِ، عَامِدِينَ إِلَى سُوقِ عَكَازٍ، قَالَ: وَقَدْ حِيلَ بَيْنَ الشَّيَاطِينِ وَبَيْنَ خَبَرِ السَّمَاءِ، وَأُرْسِلَتْ عَلَيْهِمُ الشُّهُبُ، فَرَجَعَتِ الشَّيَاطِينُ إِلَى قَوْمِهِمْ، فَقَالُوا: مَا لَكُمْ؟ فَقَالُوا: حِيلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ خَبَرِ السَّمَاءِ، وَأُرْسِلَتْ عَلَيْنَا الشُّهُبُ، فَقَالُوا: مَا حَالَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ خَبَرِ السَّمَاءِ إِلَّا شَيْءٌ حَدَثَ، قَالَ: فَانْطَلِقُوا فَاضْرِبُوا مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا فَانظُرُوا مَا هَذَا الَّذِي حَدَثَ، قَالَ: فَانْطَلِقُوا يَضْرِبُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، يَتَّبِعُونَ مَا هَذَا الَّذِي حَالَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ خَبَرِ السَّمَاءِ؛ قَالَ: فَانْطَلَقَ النَّفَرُ الَّذِينَ تَوَجَّهُوا نَحْوَ تَهَامَةَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِنَخْلَةٍ، وَهُوَ عَامِدٌ إِلَى سُوقِ عَكَازٍ، وَهُوَ يُصَلِّي بِأَصْحَابِهِ صَلَاةَ الْفَجْرِ؛ قَالَ: فَلَمَّا سَمِعُوا الْقُرْآنَ اسْتَمَعُوا لَهُ فَقَالُوا: هَذَا وَاللَّهِ الَّذِي حَالَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ خَبَرِ السَّمَاءِ؛ قَالَ: فَهَذَاكَ حِينَ رَجَعُوا إِلَى قَوْمِهِمْ، فَقَالُوا: يَا قَوْمَنَا {إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا} 114 قَالَ: فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: {قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ} 115 وَإِنَّمَا أُوحِيَ إِلَيْهِ قَوْلُ الْجِنِّ. 116

ترجمه: در صحیحین از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که پیغمبر صلی الله علیه وسلم با گروهی از یارانش به سوی بازار عکاظ روان بود، و پیش ازین واقعه از گوش دادن جنیان به سخنان ساکنان آسمان، جلوگیری بعمل آمده و آنها با شهاب ثاقب هدف قرار گرفته بودند، در نتیجه این کار، شیاطین به سوی قوم خود برگشتند، و گفتند: چه شده است که از ورود ما به آسمان واز شنیدن سخنان آسمان جلوگیری شده است و به سوی ما شهابها پرتاب میشود؟ چنین کاری حتماً به خاطر حادثه بزرگی رخ داده است لذا به شرق و غرب زمین سفر کنید، و ببینید که چه چیز مانع گوش فرا دادن ما به سوی آسمان شده است. پس جن ها بی که بسوی منطقه «تهامه» در حرکت بودند، به سوی پیغمبر صلی الله علیه وسلم برگشتند، و در آن هنگام با یارانش در مقام «نخله» قصد حرکت به سوی «بازار عکاظ» را داشت، و در آن هنگام با یارانش نماز فجر را می خواند، پس هنگامیکه جنیان قرآن را شنیدند، به سوی آن گوش فرا دادند، و به یکدیگر گفتند: سوگند به الله این همان چیزی است که مانع شنیدن ما به اخبار آسمان شده است، بعد از شنیدن قرآن،

114- سوره الجن آیه [2]

115- سوره الجن [2]

116- صحیح بخاری، کتاب الاذان، باب الجهر بقراءة صلاة الفجر، حدیث، 773 صحیح مسلم، کتاب الصلاة، باب الجهر بقراءة صلاة الفجر، رقم 1034

آنان به عنوان بیم دهنده به سوی قوم خود برگشتند و گفتند: (إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنَ عَجَبًا (1) يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا) 117 « ما قرآن شگفت آوری را شنیده ایم که به سوی صلاح رهنمایی میکند پس ما به آن ایمان آوردیم و به پروردگار خود هیچ کسی را شریک نمی سازیم » پس الله تعالی بر پیغمبرش (قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ) 118 را نازل کرد، و سخنان جن را به سویش وحی فرستاد.

تفسیر اجمالی

این سوره، در به وجود آوردن جهان بینی اسلامی راجع به حقیقت الوهیت و حقیقت عبودیت راجع به جهان و پدیده های آن و پیوند این پدیده های گوناگون، مشارکت و سهم فراوانی بر عهده دارد. آغاز سوره دلالت دارد. که پیامبر صلی الله علیه وسلم به وسیله وحی آسمانی متوجه می شود که جنیان به قرآن گوش فرا داده و آیات آن را استماع کرده اند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم پیش از نزول وحی از این موضوع خبر نداشته است، بلکه الله معتال او را مطلع کرده است، شاید این مسله برای اولین بار رخ داده باشد، سپس یک بار یا بارهای دیگر پیامبر صلی الله علیه وسلم از روی علم و آگاهی و هدف، قرآن را برای پربان قرائت کرده است.

این آیات نشان می دهد که جنیان به طور ناگهانی با این قرآن روبرو شدند. و ناگهانی دلها شان به لرزه افتاد و کنترل خود را از دست دادند و احساساتشان خروشان شد.

سرا پای وجود شان با شنیدن صدا قرآن متاثر شد، با این حالت به سوی قوم و قبیله خود برگشتند، با دلهای آکنده از چیزی که نه میتوانند آن را از خود دور سازند، آرام و قرار را از آنان گرفته است، و میخواهند با آن جوش و حرارت، دیگران را از آن بهره مند سازند. اولین چیزی که از قرآن در یافت می دارند (عجبا) است، آنان به شگفتی قرآن پی میبرند. و می دانند که قرآن امری عجیب و ناشناخته است، قرآن به حق و هدایت و راه راست فرا میخواند، این جنیان سخت مجذوب و شیفته ی قرآن می شوند و به شدت تحت تاثیر آن قرار میگیرند، حق را میشناسند و بدان پاسخ مثبت میدهد، و بر آن گردن می نهند و تاثیرات درونی خود را از قرآن انکار نمی کنند و همچون مشرکان راه انکار و دشمنی را پیش نمی گیرند، جن ها با صراحت و آشکار و بگونه ای صحیح و درست ایمان شان را اعلام میکنند و از شرک بی زاری می جویند.

117 - سوره الجن [1-2]

118 - سوره الجن [2]

سید ابو الأعلى مودودی رحمه الله، در باره این آیت چنین ذکر کرده است: (قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا) 119

ترجمه: «ای پیامبر! بگو به من وحی شده است که تنی از جنیان به دقت گوش فرا داشتند»

(از این آیه دانسته میشود که پیامبر صلی الله علیه وسلم در آن هنگام جن ها را نمی دید و نمی دانست که آن ها به قرآن خواندن ایشان گوش فرا می دهند، بلکه بعدها خدای بلند مرتبه به وسیله وحی این واقعه را به اطلاع ایشان رساند. عبدالله بن عباس رضی الله عنهم هم به هنگام بیان این واقعه تصریح می کنند: « پیامبر صلی الله علیه وسلم نه از حضور جن ها مطلع بود و نه آنها را می دید و نه به قصد خواندن بر آنها قرآن را تلاوت کرده بود.»)

(فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا) 120

در این جا (قرانا عجا) ذکر شده است. که امام مودودی قرآن را به معنی (شیء خواندنی) ذکر کرده است و به احتمال زیاد جن ها این لفظ را به همین معنا به کار برده اند، چرا که آنها برای نخستین بار با این کلام آشنا شده بودند و شاید در آن هنگام نمی دانستند که آن چه را می شنوند نامش هم قرآن است .

(عجب) صیغه ی مبالغه است و این واژه در زبان عربی برای چیز بسیار شگفت انگیز به کار برده می شود. پس معنا و مفهوم گفته ای جن ها آن است که ما کلامی شنیده ایم که هم از لحاظ زبان خود و هم از لحاظ مضامین خود بی نظیر و شگفت انگیز بود.

این نشان دهنده ی آن است که جن ها نه تنها سخنان انسانها را می شنوند، بلکه زبان آنها را هم به خوبی می فهمند، اگر چه ضروری نیست که تمام جن ها تمام زبان های بشری را بدانند و متوجه بشوند. ممکن است هر گروهی از آنها در هر منطقه ای از زمین که زندگی می کند، زبان های انسانها آن منطقه را بداند. اما از این بیان قرآن در هر حال این مطلب به دست می آید که جن هایی که بدان هنگام قرآن را شنیده بودند، با زبان عربی آن قدر آشنا بودند که

119 - سوره جن آیه [1]

120 - سوره الجن [2]

هم بلاغت بی نظیر آن را حس کردند و هم مضامین بلند پایه ی آن را به خوبی درک کردند.¹²¹

گوش فرا دادن جن به قرآن کریم چندین مرتبه صورت گرفته است، در مرتبه نخست، در آغاز کار پیغمبر صلی الله علیه وسلم از آمدن جنیان و شنیدن ایشان به قرآن مطلع نشد، تا آنکه همان درختی که پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - در پشت آن نماز میخواند، ایشان را مطلع ساخت، و این همان مرتبه ای است که در باره اش این آیات نازل شد.

البته در ملاقات های بعدی، پیغمبر صلی الله علیه وسلم جنها را دیدند و برای ایشان احکام و مسایل مورد ضرورتشان را بیان داشتند.¹²²

چون آن گروه از جن (کسانی که تلاوت رسول الله صلی الله علیه را گوش کرده بودند) به سوی قوم خود باز گشتند، به آنان گفتند: ما سخنی قرآنت شده را شنیدیم که در فصاحت و بلاغت، یا در موعظه ها و اندرزها، یا در برکت خود عجیب بود یاد آور می شویم؛ سوره ای که رسول الله صلی الله علیه وسلم در هنگام گوش سپردن جن ها تلاوت می کردند، سوره (إقرأ باسم ربك الذي خلق) بود. شایان ذکر است که الله معتال فرستادگانی را از میان خود جن به سوی آنان نفرستاده است بلکه رسولان تماما از فرزندان آدم علیه السلام اند.¹²³

مفهوم کلی آیات:

سخن جنیان نمونه های بارزی از وجوه و صفات روشن گر قرآن کریم است. خصوصیتی همچون الهی بودن، بیان حقیقت و هدایت و شگفتی ممتاز آن در مقایسه با دیگر کتب آسمانی، از جهت لفظ و معنا؛ همین امر سبب شد که با یک بار شنیدن در قلب جنیان جای گیرد، پلیدی های شرک را از آن ها بزداید، به نور ایمان مزین سازد و از آن ها دعوت گرانی مخلص بسازد. دعوت گرانی به سوی یکتاپرستی و نفی شرک تا آن ها را از پناه خلق به سوی خالق و از بیهودگی به کمال و جاودانگی رهنمون سازد.

¹²¹- تفهیم القرآن، ج 7 ص 90-91

¹²²- ازهر البیان، ج 9 ص 68

¹²³- عمدة القاری شرح صحیح البخاری، مؤلف بدر الدین عینی، ج 23 ص 80. وهم چنان عبدالرؤف مخلص نیز این روایت را در تفسیر خویش انوار القرآن، ج 6 ص 404، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، چاپ دوم سال (1383 هـ ق) چاپ خانه دقت روایت نموده است.

آیات این مقطع موضوعات ذیل در بر میگیرند

یکی از اشیای غیبی که ایمان داشتن به آن ها واجب است ایمان داشتن به وجود جن می باشد، و جن مخلوق از مخلوقات الله تعالی اند که آنرا از شعله خالص آتش آفریده است، و آنها را به صورت اصلی شان نمی توان دید، هر چند که آنان انسانها را دیده می توانند.

طوریکه در آیات زیادی از وجود جن خبر داده شده است، در احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز در باره جن خبر داده شده است، و انکار از وجود جن، درحقیقت انکار از یک بخش قرآن و انکار از یک بخش سنت نبوی است، و پیغمبر صلی الله علیه وسلم طوری که به سوی انسانها فرستاده شده است، به سوی جن نیز مبعوث شده است، به همین خاطر پیغمبر صلی الله علیه وسلم با جنها چندین مرتبه ملاقات نموده اند و به آنها احکام و مسائل دین را آموختند، لذا طوریکه انسانها روز قیامت در برابر اعمال شان محاسبه میشوند، جن ها نیز روز قیامت محاسبه میشوند، به مؤمنان ایشان پاداش خوب و کافران ایشان به دوزخ سوق داشته میشوند، و این همه مطالبی است که در قرآن و حدیث نبوی صلی الله علیه وسلم به صراحت بیان شده است.

جن و قضیه ایمان:

ایمان اساس دین می باشد که انسان و جن به آن مکلف هستند چون موضوع بحث ما ایمان جن ها است که در روشنائی آیات قرآنی و احادیث نبی کریم صلی الله علیه وسلم آنرا بیان نماییم، الله تعالی در سوره جن از ایمان جن ها یاد آور شده و می فرماید:

(قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (1) يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا). 124

ترجمه: (ای محمد صلی الله علیه وسلم به امت خود) بگو: به من وحی شده است گروهی از پریان (به تلاوت قرآن من) گوش فرا داده اند و (پس از مراجعت به میان قوم خود، بدیشان) گفته اند: ما قرآن زیبا و شگفتی را شنیده ایم.

124- سوره جن آیات [1-2]

همگان را بسوی کمال رهنمون می کند و به راه راست رهنمود می سازد، و ما بدان ایمان آورده ایم و (دیگر از ایمان خود بر نمیگردیم و یکتا پرستی را در پیش می گیریم) و کسی را انباز پروردگاران نمی سازیم.

از آیات متذکره دانسته میشود که جنیبات به طور کل منکر وجود الله متعال نیستند، اما در میان آنها مشرک است، که مانند انسان های مشرک که غیر الله را به خدایی گرفته و به الله متعال شریک قایل شده اند.

و اینکه سلسله نبوت و نزول کتب آسمانی به نوع جن جریان نیافته بود بلکه جن هاییکه ایمان می آوردند به انبیای انسانان و کتب آورده آنان ایمان می آوردند. این مطلب از آیات 29 تا 31 سوره احقاف بر می آید که در آن گفته شده است:

(وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ (29) قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَىٰ الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ (30) يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ.)¹²⁵

ترجمه: ای پیغمبر! خاطر نشان ساز (زمانی را که گروهی از جنیان را به سوی تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند. هنگامی که حاضر آمدند، به یکدیگر گفتند: خاموش باشید و گوش فرا دهید. هنگامی که (تلاوت قرآن) به پایان آمد، به عنوان مبلغان و دعوت کنندگان (همجنسان خود، به آئین آسمانی) به سوی قوم خود برگشتند.

اینان گفتند: ای قوم ما! ما به کتابی گوش فرا دادیم که بعد از موسی فرستاده شده است و کتابهای پیش از خود را تصدیق می کند (و هماهنگ با کتابهای آسمانی پیشین است)، و به سوی حق رهنمود می کند و به راه راست راه می نماید.

ای قوم ما! سخنان فراخواننده الهی را بپذیرید، و به او ایمان بیاورید، تا خدا گناهانتان را بپارزد و شما را در پناه خویش (محفوظ و مصون از عذاب سخت آخرت) دارد. در تفسیر این آیات سید ابوالاعلی مودودی رحمه الله چنین گفته است: (روایاتی که در تفسیر این آیه از

¹²⁵- سوره احقاف آیات [29-30]

حضرت عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، حسن بصری¹²⁶، مجاهد¹²⁷، عکرمه¹²⁸ و دیگر بزرگان نقل شده است همه بر این مطلب متفق اند که حضور اول جن ها، که در این آیه مذکور گردیده است در بطن نخله پیش آمده بود، ابو نعیم اصفهانی¹²⁹ و واقدی¹³⁰ می گویند که این واقعه وقتی رخ داد که پیامبر صلی الله علیه وسلم از طایف مایوس شده به مکه برمی گشت. در راه در نخله اقامت کرد و آنجا در نماز عشا، یا فجر یا نماز شب مشغول تلاوت قرآن بود که گروهی از جن ها از آنجا گذشت، و برای شنیدن قراءت آنحضرت صلی الله علیه وسلم متوقف شد. علاوه بر این همه روایات بر این مطلب نیز متفق اند که آنوقت جنات بر آنحضرت ظاهر نشده بودند و نه آنحضرت به حضور آنها متوجه شده بود بلکه بعداً خدای متعال از طریق وحی خبر آمدن آنها و شنیدن قرآن توسط آنها را به پیامبر صلی الله علیه وسلم داد.¹³¹

جایی که این واقعه رخ داد یا الزیمه بود یا السیل الکبیر.¹³² زیرا این هر دو جا در وادی نخله قرار دارد، در هر دو جا آب رویدنی وجود دارد و کسانی که از طایف می آیند اگر احتیاج به اقامت داشته باشند، میتوانند تنها در یکی از این دو جا اقامت کنند.

از این جا معلوم شد که جن ها از قبل بر حضرت موسی و کتب آسمانی ایمان آورده بودند. پس از شنیدن قرآن آنها احساس کردند که این همان تعلیم است که پیامبران پیشین میداده اند، لذا بر این کتاب و پیامبری که آنها آورده بود ایمان آوردند.¹³³

¹²⁶ - بصری، ابوسعید حسن بن البصار البصری از جمله تابعین است. موصوف تابعی بزرگواری است که در مدینه منوره به دنیا آمده است، و در زیر سایه شفتت امیر المومنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه بزرگ شده است. حضرت حصن بصری از اهل بصره بوده و یکی از علمای وراسته، فقهائ متبحر، دانشمندان فصیح و عارفین زمان خود بود. نام برده بیشترین علم خود را از حضرت علی رضی الله عنه آموخته است. الأعلام للزركلی ج 2 ص 226

¹²⁷ - مجاهد امام حافظ مجاهد بن جبیر مکی ابو الجاج است او بیشتر با عبدالله بن عباس بود و تفسیر از او می آموخت مجاهد میگوید: (فقیه کسی است که از الله بترسد گرچه علمش کم باشد، و جاهل کسی است نافرمانی کند گرچه علمش زیاد باشد)، او در سال 102 و یا 103 هـ ش وفات کرده است، وی احادیث از سعید بن وقاص و عائشه و ابو هریره و ابن عباس شنیده است. تذكرة الحفاظ ج 1 ص 192

¹²⁸ - عالم بزرگ ابو عبدالله عکرمه بربری مدنی هاشمی، از ابن عباس، عائشه و ابو هریره روایت کرده است، در مورد خود میگوید: چهل سال طلب علم نمودم، ابن عباس زنجیر بر پایم می نهاد تا قرآن و سنت را بیاموزم، مردمان بسیاری از او روایت نموده اند. و در سال 107 هـ در مدینه فوت کرده است. تهذیب التهذیب، ج 7 ص 263

¹²⁹ - حافظ بزرگ و محدث عصر ابو نعیم احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسی اصفهانی، وی در سال 334 یا 336 هـ ش به دنیا آمده است و در سال 430 هـ وفات کرده است، از جمله مشهورترین کتاب های او، حلیة الاولیاء، المعتقد، فضائل الصحابه، دلائل النبوة است. تذكرة الحفاظ ج 3 ص 1092.

¹³⁰ - او محمد بن عمر بن واقد الواقدی، قاضی عراقی بود، با وجود دقت در کتاب المغازی او در حدیث ضعیف دانسته اند، ذهی میگوید: در ضعف واقدی نزاعی نیست، او راست گو است، ابن حجر میگوید: با وجود علم زیادش گم نام است، از مشهورترین تالیفاتش المادی والرواة است در سال 207 وفات کرده است. لسان المیزان ج 9 ص 531.

¹³¹ - تفهیم القرآن، ج 6 ص 817

¹³² - الزیمه والسیل الکبیر، این دو مکان در وادی نخله قرار دارند، و وادی نخله قبلاً معرفی شده است.

¹³³ - تفهیم القرآن، ج 6 ص 818

بناءً از اینجا دانسته میشود که جنیات به پیامبران قبلی نیز ایمان داشته اند، و انبیای الهی از جنس انسانها به آن ها نیز آمده است، و آنها مکلف به ایمان آوردن به همه پیامبران الهی میباشند.

آیا جنیات نبی مستقلی داشته اند:

الله متعال در سوره الانعام می فرماید: (يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رَسُولٌ مِّنكُمْ يَفْصُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَافِرِينَ).¹³⁴

ترجمه: (در آن روز خداوند بدیشان می گوید) ای جنیان وای انسانها! آیا پیغمبرانی از خودتان به سوی شما نیامدند و آیات (کتابهای آسمانی) مرا برایتان بازگو نکردند و شما را از رسیدن بدین روز (و روبرو شدن در آن با خدا) بیم ندادند؟ (پس چگونه این روز را فراموش کردید و در تکذیب آن کوشیدید؟ در پاسخ) می گویند: ما علیه خود گواهی می دهیم (و اقرار می کنیم که پیغمبران آمدند و آئین خدا را تبلیغ کردند، و ما را از قیامت ترساندند، ولی ما ایشان را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند چیزی را از سوی خود نفرستاده است و جز زندگی این جهان، زندگی دیگری وجود ندارد. آری) زندگی جهان، آنان را گول زد و (به خود مشغول داشت و امروز جز اعتراف چاره ای ندارند و) علیه خود گواهی می دهند (ومی گویند) که ایشان کافر بوده اند (و مستحق عذاب جاویدان و خوفناک یزدانند).

از این آیت مبارکه چنین فهمیده می شود که الله متعال برای جن ها پیامبرانی فرستاده است.

ولی در هیچ یکی از نصوص شرعی تصریح نشده است که این پیامبران از خود جن ها بوده اند یا از انسانها، زیرا کلمه (منکم) در آیه مذکور مشتمل هر دو معنا است یعنی احتمال دارد که پیامبر هر جنس از خود همان جنس باشد، و این معنی هم درست است که پیامبر جن و انس، از مجموع این دو جنس باشد، پس این معنی که پیامبر جن و انس از یک جنس، یعنی از انسان باشد، نیز صحت پیدا می کند و در این باره دو دیدگاه وجود دارد.

134- سوره انعام آیه [130]

1- اینکه جن ها از خود پیامبر دارند، ضحاک¹³⁵ این دیدگاه را تایید می کنند و ظاهر آیات نیز همین معنی را افاده می کند.¹³⁶

علامه ابن حزم¹³⁷ رحمه الله می گوید: از میان انسانها قبل از حضرت محمد صلی الله علیه وسلم هیچ پیامبری بسوی جن ها مبعوث نشده است.¹³⁸

2- پیامبر جنیان از انسانها بوده اند: علامه سیوطی می فرماید: جمهور علماء از سلف و خلف بر این عقیده اند که هر گز از جن ها نبی یا رسولی مبعوث نشده است. از ابن عباس رضی الله عنه و مجاهد، نیز چنین روایت شده است.¹³⁹

قول راجح این است که پیامبر جن ها همان پیامبر انسانها بوده اند، و آیه (إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى) ¹⁴⁰ و اینان گفتند: ای قوم ما! ما به کتابی گوش فرا دادیم که بعد از موسی فرستاده شده است. هر چند آیت کریمه دلالت مستقیم بر موضوع نمی کند، اما دلالت غیر مستقیم دارد و در این باره نص قاطعی نیز وجود ندارد و پیامبر ما - صلی الله علیه وسلم برای انس و جن مبعوث شده است علامه ابن تیمیه رحمه الله می فرماید: این یک اصل متفق علیه میان صحابه، تابعین، ائمه مسلمین، و سایر فرقه های اسلامی است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - پیامبر انس و جن بوده اند.¹⁴¹

جنیات مکلف به ایمان آوردن به پیامبران الهی اند

در این هیچ جای شک نیست که جن به اطاعت از پروردگار با عظمت مکلف هستند، طوریکه قرآن عظیم الشان در این مورد با وضاحت تام می فرماید: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)¹⁴² یعنی جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند) این بیانگر آن است که هدف از آفرینش انسان و جن عبادت است و آنان نیز مکلف به پرستش الله می باشند و این

135- ابو قاسم ضحاک بن مزاحم هلالی، صاحب تفسیر در سال 102 هـ ق. وفات شده است از علمای بزرگ و متبحر بود در حدیث زیاد ماهر نبود عده ای او را از جمله اصحاب میدانند و عده ای دیگر او را از جمله تابعین میدانند، برخی وی را از جمله مفسرین شمرده اند. تقریب التذہیب ج 1 ص 444.

136- ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل ابن عمر بن کثیر بن ضوء بن ورع القرشی، تفسیر القرآن العظیم = تفسیر ابن کثیر، ج 3 ص 340، ناشر: مکتبه فریدیہ، پشاور پاکستان. مظہری، ج 3 ص 289 طبری، ج 12 ص 121.

137- ابو محمد علی بن احمد بن سعید بن حزم ظاہری، فقیہ، ادیب، اصولی، محدث، متکلم، حافظ، و دانشمند بزرگ اندلیسی در عصر خودش. در سال 384 هـ و یا در 383 هـ در قرطبه به دنیا آمده و در سال 456 هـ در اندلس از دنیا رحلت نمود است. برخی از آثار وی عبارت اند از: المحلی والفصل وغیره میباشند. الاعلام للزرکلی ج 5 ص 59

138- ابن حزم، ابو محمد علی بن احمد بن سعید الاندلسی الظاہری، متوفی (456 هـ ق) المحلی، ج 1 ص 9، ناشر: دارالفکر للطباعه والنشر والتوزیع.

139- الحنبلی، محمد بن احمد السفارینی الاثری، لوامع انوار البیہتہ وسواطع الاسرار الاثریہ لشرح الدرۃ المضحیہ فی عقد الفرقة المرضیہ. ناشر: مؤسسہ الخافقین - دمشق. (1402 هـ ق - 1982 م). ج 2 ص 223-224

140- سوره احقاف آیه [30]

141- مجموعه الفتاوی، ج 9 ص 19

142- سوره ذاریات آیه [56]

فرمان بر هر دو جنس یعنی انس و جن می باشد و پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ثقلین یعنی دو گونه ی انسان و اجنه مبعوث شده است.

حافظ ابن حجر¹⁴³ رحمه الله در کتاب مشهور خویش (فتح الباری) می نویسد: (اما در باره ی اینکه آنان مکلف باشند ابن عبدالبر¹⁴⁴ می گوید: جن ها ... مکلف هستند... و دلیل آن ... آنچه در قرآن در مورد نکوهش شیاطین، و دوری گزیدن از شر آنان و عذابی که برایشان مهیا گشته می باشد این خصوصیت ها جز برای کسی که بافرمان الله مخالفت کرده و مرتکب گناه شود با وجود توانایی عدم انجام آن، بکار نمی رود، آیات و احادیثی متعددی بیانگر این واقعیت است.¹⁴⁵

انسان ها از جنیات طلب کمک می کنند

خداوند (جل جلاله) در آیت ششم سوره جن به این موضوع اشاره کرده می فرماید: (وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا)¹⁴⁶

ترجمه: وکسانی از انسانها به کسانی از پریها پناه می آوردند، وبدین وسیله برگمراهی و سرکشی ایشان می افزودند.

امام ابن کثیر¹⁴⁷ در تفسیر این آیه می نویسد: یعنی ما جنیها چنین می پنداشتیم که بر انسانها برتری داریم زیرا که آنها هرگاه در دره ای یا جای وحشتناکی در صحرا و بیابان منزل گزینند، در جاهلیت عادات طوری بود که به سران و بزرگان جن بعنوان اینکه مبدا برای شان ضرری برساند پناه می بردند، پس جنها هنگامی که دیدند انسانها از آنها ترس

¹⁴³- احمد بن علی بن محمد بن حجر عسقلانی، حافظ کبیر، مشهور به تنها امام علوم الحدیث در سده هشتم هجری، وی در دوازدهم ماه شعبان سال 773 هـ در مصر به دنیا آمده است، به یتیمی بزرگ شد، در نه سالگی قرآن را حفظ نمود، و سپس عمده الفیه عراقی را حفظ کرد، خداوند حدیث را در نزد او محبوب گردانید، پس به آن روی آورده و در سال 793 هـ در طلب آن اقدام کرد، سپس به عراق، شام، حجاز، یمن، و مکه رفت و از شیوخ بسیاری تلمذ نمود، مؤلفات او در حدیث شهرت یافت، از جمله (فتح الباری شرح صحیح البخاری، و مقدمه آن) و لسان المیزان فی الرجال، تهذیب التهذیب و تقریب التهذیب، که از جمله تألیفات مشهور آن میباشند، و بالأخره در سال 852 هـ به رحمت حق پیوست. بدر الطالع الشوکاتی، ج 1 ص 87-92

¹⁴⁴- یوسف بن عبدالله بن عبدالبر الثمری القرطبی ابو عمر از حافظان اندلس بود، و بزرگترین محدث سنت در زمان خود بوده است ابتداء ظاهری و سپس به فرقه مالکی گروید. به گفته های شافعی علاقه مند بود، از تصنیفاتش التمهید شرح الموطا و الاستنکار مختصره و الاستیعاب فی معرفة الاصحاب و غیره میباشند، وی در سال 463 هـ وفات نموده است. تذکره الحفاظ ج 3 ص 1128.

¹⁴⁵- فتح الباری،

¹⁴⁶- سوره جن آیه [6]

¹⁴⁷- ابن کثیر، امام حافظ عماد الدین ابو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر بن ضوء بن کثیر بن زرع، البصری، الدمشقی الشافعی، وی در یکی از قریه های منطقه (بصری) در شام تولد گردیده است، و قول راجح این است که تولد آن در سال (700 هـ) بوده و وفات آن در دمشق در ماه شعبان سال 774 هـ میباشند، پدر وی ابو حفص عمر یکی از جمله ای علمای برجسته منطقه خود یعنی (بصری) بود، و امام و خطیب در آن نیز بود، وقتی که پدرش وفات نمود عمر وی سه سال بود، ابن کثیر رحمه الله به دمشق رفته و به تحصیل علوم پرداخت، و در کودکی قرآن کریم را حفظ کرد، و کتب فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ، و لغت را فرا گرفت. الأعلام للزركلي، ج 1 ص 320

ووحشت دارند، سعی کردند بیشتر آنها را مرعوب کرده و بترسانند، تا بیشتر به آنها پناه بیاورند.¹⁴⁸

بناءً حکم شرعی همین است که: پناه بردن به جن شرک است، والله چیزی بهتر از این به ما عطا کرده است، خوله دختر حکیم¹⁴⁹ می گوید، از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرماید: (هرگاه یکی از شما در مکانی منزل گرفت، آنگاه (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَاتِ مِنْ شَرِّ مَا خُلِقَ)¹⁵⁰ (پناه می برم به کلمه های کامل پروردگار از شر آنچه که آفریده است) بگوید، تا زمانیکه در آن منزل هست و از آن منطقه کوچ نکرده چیزی به وی آسیب نمی رساند.)

سبب نزول این آیه

ابن منذر¹⁵¹، ابن حاتم¹⁵² و ابو شیخ¹⁵³ از کردم بن ابو سائب انصاری روایت می کنند: در اوایل شهرت و آوازه خیر پیامبر صلی الله علیه وسلم با پدرم به سوی مدینه روان شدیم شبی را در نزد چوپانی پناهگاه گرفتیم نصف شب گرگ آمد و از گله یک گوسفند را دزدید. چوپان برخاست و گفت: ای ساکن وادی در پناه تو هستیم، منادی که ما اورا نمی دیدیم صدا کرد ای سرحان، (رهایش کن) بعد از این صدا گوسفند با عجله میان گله برگشت، الله متعال آیه (وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا)¹⁵⁴ را در مکه به رسول خود نازل کرد.¹⁵⁵

148- به تفسیر ابن کثیر، ج 7 ص 237 رجوع شود

149- خوله بنت حکیم یکی از جمله صحابیات است، که خانم صحابی جلیل القدر عثمان بن مظعون بود. اسد الغابه فی معرفه الصحابه. ج 1 ص 1344.

150- أخرجه مسلم (2709)، وأبو داود (3899)، والترمذي (3604)، والنسائي في «السنن الكبرى» (10421)، وابن ماجه (3518)، وأحمد (7898)، بنحوه، والطبراني في «المعجم الأوسط» (2644) مختصراً واللفظ له.

151- ابوبکر محمد بن ابراهیم بن منذر نیشاپوری. ابن منذر به مکه سکونت داشت، در فقه و غیره کتب بی مانند تألف کرد از جمله کتاب میسوط، کتاب اشراف در اختلاف علماء، کتاب اجماع و کتاب تفسیر. در حدیث معرفت کامل داشت و در سال 318 از جهان رفت. طبقات الحفاظ، ص 91

152- ابو محمد عبدالرحمن بن ابو حاتم محمد بن ادريس تمیمی، امام و حافظ ری. ابن ابوحاتم دانش و علوم را از پدرش و دیگران در شام، حجاز، مصر، عراق و نقاط دیگر اموخت در علم و معرفت رجال تبحر کامل داشت و در زهد و تقوای از ابدال شمرده می شد تفسیر مسند در دوازده مجلد، کتاب جرح و تعدیل و کتاب زهد و غیره اینها از تصنیفات اوست. در ماه محرم 327 از جهان رفت. طبقات الحفاظ، ص 62

153- ابو محمد عبدالله پسر محمد پسر جعفر مشهور به ابوشیخ حافظ صادق مهندس اصفهان، او در سال 274 تولد گرفته است و به نوجوانی به کسب حدیث کوشید و تصانیف زیاد انجام داد از جمله کتاب (سنت) و (عظمه) و (سنن) می باشد و در سال 369 وفات نموده است. سیر اعلام النبلاء، ج 16 ص 277

154- سوره جن آیه [6]

155- سیوطی، جلال الدین، لباب النقول فی اسباب النزول، مترجم: ارشد، عبدالکریم، تحقیق: عبدالرازق المهدی. ص 546.

ابن سعد¹⁵⁶ از ابو رجاء عطاردی¹⁵⁷ منسوب به قبیله تمیم روایت کرده است: وقتی رسول الله صلی علیه وسلم مبعوث گردید من سرپرست خانواده خود بودم و به طور کافی وشایسته به آنها خدمت می کردم، در این هنگام با عجله خارج شدیم و به بیابانی خالی از آب و علف رسیدیم. همیشه وقتی به چنین جاهایی می رسیدیم، شام گاهان سر گروهی ما می گفت: ما امشب از شر جن به سرور این وادی پناه می بریم. آن شب هم این جملات را گفتیم. پس به ما گفته شد: راه وروش این شخص شهادت لا اله الا الله وان محمد رسول الله است. هرکس به این کلمه اقرار کند جان و مالش در امان است. بنابر این، برگشتم و اسلام را پذیرفتم. ابو رجاء گفته است: به نظر من الله تعالی این آیه را در باره من و یارانم (وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ) نازل کرده است.¹⁵⁸

- خرائطی¹⁵⁹ در کتاب (هواتف الجان) آورده که از سعید بن جبیر¹⁶⁰ روایت کرده است: رافع بن عمیر از قبیله بنی تمیم آغاز مسلمان شدن خود را چنین بیان می کند: در ریگستان پرخم و پیچ راه می رفتم که ناگاه خواب بر من غلبه کرد، از شتر پائین شدم و او را خواباندم و از شر جن به سرور این وادی پناه بردم و به خواب رفتم. در عالم رؤیا دیدم که مردی می خواهد با سلاحی که در دست دارد شتر مرا گردن بزند. هراسان از خواب بیدار شدم و چپ و راست نگاه کردم هیچ چیزی ندیدم و به خود گفتم: این رؤیاست، دوباره خوابیدم، باز مثل سابق خواب دیدم. بیدار شدم و دیدم که شترم رمیده است و تاوانی شدم جوانی مانند همان کسی که در خواب دیده بودم سلاح در دست دارد و مرد پیر دست او را گرفته از شتر من دورش می کند. آن دو در حال دعوا بودند که ناگاه سه گاو وحشی آمدند. مرد پیر گفت: بر خیز هر کدام از این ها را بخواهی عوض شتر پناهنده آدمیزاد برای خودت بگیر، جوان بر خاست و یکی از گاو ها را گرفت و رفت. پس شیخ متوجه من شد و گفت: ای جوان! هرگاه دریکی از

156- محمد بن سعد بن منیع که دارای کنیه ابو عبدالله و بیشتر معروف به ابن سعد و کاتب و اقدای است ، به گفته بسیاری از تذکره نویسان در سال 168 هجری، در شهر بصره تولد گردیده است ، در سال 230 هجری در سن شصت دو سالگی در شهر بغداد وفات نموده است . اسدا الغایه ، ج 3 ص 109

157 - امام بزرگوار، شیخ اسلام، عمران بن میلهان التمیمی، البصری، جانباز ارشد که بعد از فتح مکه به جاهلیت پی برد و در امان ترین حالت خود پی برد و رسول الله صلی علیه وسلم را ندید ، نقل می کند ابو عمر بن عبدالبر در کتاب (جذب) که ابوبکر ملاقات نموده است . طبقات ابن سعد ، ج 7 ص 138

158- زحیلی، دکتور و هبه، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، ج 29، ص 160، الطبعة: الثانية، (1418 هـ ق)، ناشر: دار الفكر المعاصر - دمشق.

159- محمد بن جعفر بن محمد بن سهل بن شاکر معروف به ابوبکر الخرائطی که منتسب به منطقه ای به نام (خرائط) میباشد، از علمای و بزرگان اهل سنت، در قرن چهارم هجری میباشد، وی در سال (237 هـ ق) متولد شده و بعد از تحصیلات مقدماتی نزد علمای کثیری تلمذ فرموده است دارای تالیفات زیادی است از جمله آنها (هواتف الجان، مکارم الاخلاق) و غیره بوده است. تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الاعلام، ج 13 ص 576.

160- ابو عبدالله، سعید بن جبیر بن هشام اسدی ، از نظر علم و تقوای جزء سادات تابعی به شمار می آید . از ابن عباس ، عدی بن حاتم، ابن عمر، عبدالله بن مفضل و ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده است، خلق بسیاری نیز از او روایت کرده اند. قرآن را به ابن عباس قرائت کرده و ابو عمرو منهال ان را برایشان قرائت نموده اند. علماء بسیاری ایشان را مدح نموده اند. بلاخره در شعبان سال 75 در 57 سالگی وفات کرد. طبقات المفسرین، ج 1 ، ص 188

این وادی ها پیاده شدی و از چیزی ترسناک آن ترسیدی، بگو از شر چیزهای هراس انگیز این وادی به پروردگار محمد پناه می برم و به هیچ جن پناه مگیر که فرمانروایی آن ها باطل شد. 161

رافع بن عمیر می گوید: گفتم: این محمد کیست؟ گفت: پیغمبر است که روز دوشنبه از میان عرب مبعوث شد، دعوت او منحصر به شرق و غرب عالم نیست. گفتم: اهل کجاست؟ گفت: یثرب دیار نخلستان ها. چون صبح دمید شتر خود را سوار شدم و با تیزی راه پیمودم تا وارد مدینه شدم. رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا دید و سر گذشت مرا قبل از این که من چیزی بگویم بیان کرد و به اسلام دعوت کرد. من اسلام را پذیرفتم. سعید بن جبیر می گوید: ما فکر می کنیم این همان کسی است که درباره اش آیه (وَأَنَّهُ كَانَ مِنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (6) وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا). 162 نازل شده است. 163

کمک خواستن از جن حرام است

راه و روش کاهنان، سحر گران و شعبده بازان بر بنیاد کمک و مدد جستن از جن و شیاطین بنا یافته است، طوریکه مطابق حکم صریحی قرآنی کمک و مدد خواستن از غیر الله شرک است، الله تعالی فرموده: (وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنْ الظَّالِمِينَ (106) وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ). 164

ترجمه: و به جای الله کسی و چیزی را پرستش مکن و صدا نزن که به تو نه سودی می رساند و نه ضرری اگر چنین کنی از ستمکاران و مشرکان خواهی شد، و اگر الله زبانی به تو برساند هیچ کس جز او نمی تواند آن را بر طرف گرداند، و اگر بخواهد خیری به تو برساند، هیچ کس نمی تواند فضل و لطف او را از تو بر گرداند، الله تعالی فضل و لطف خود را شامل هر کس از بندگانش که بخواهد می کند و او دارای مغفرت و مهر فراوان است.

بناءً جن و شیطان که ساحران و کاهنان خواستار کمک از آنان میکنند، شرک می باشد، و از جانب دیگر باید بعرض برسانم که: شیطان و جن هیچ وقت خدمتی برای ساحر انجام نمی دهند مگر در صورتی که سحر گر سخنی کفر آمیز و یا با انجام دادن عمل کفری کافر گردد،

161- لباب النقول فی اسباب النزول. ص 547

162- سوره الجن، آیات [6 - 7]

163- لباب النقول فی اسباب النزول، ص 568.

164- سوره یونس آیات [106-107]

و هر چه بیشتر نافرمانی و سرپیچی امر خداوند را بکند شیاطین بیشتر به او نزدیک می شوند، و اطاعتش را بیشتر بجا می آورند، این تعویذات و طلسمهای که افراد ساحر می نویسند بیشتر آنها کلمات شرک آمیز و کفری است که با حروف غیر مفهوم نوشته است. و همچنین طلب مدد از اولیای جن و شیاطین می باشد. اگر چه در برخی از موارد دیده شده است؛ که بعضی از کلمات و آیات قرآن برای فریب دادن مردم نادان با سحر یکجا مینویسند تا مردم چنین گمان کنند که آنها با استفاده از کلمات قرآنی تعویذ و دعا می نویسند.

رهنمایی های آیات

1- اثبات نبوت رسول الله صلی علیه وسلم، و اینکه آن حضرت به انس و جن مبعوث شده است.

2- بیان بزرگی، عظمت و کمال قرآن کریم، چنانکه جنیات به اعجاز آن شهادت دادند.

3- اثبات توحید، ورد شرک.

4- اثبات اینکه انسان ها مانند جنیات بالای الله عزوجل افترا می بندند.

5- اثبات حرمت کمک خواستن و پناه بردن به جنیات، زیرا این اعمال به مثابه عبادت آنها

است. 165

¹⁶⁵- الجزائری، جابر بن عبدالله بن موسی بن عبدالقادر بن جابر ابوبکر، أیسر التفاسیر لكلام العلی الكبیر، ج 5 ص 488، ناشر: مكتبة العلوم والحكم، المدینة المنورة، المملكة العربية السعودية، طبع: پنجم، سال (1424هـ ق - 2003م)

مقطع دوم آیات (8 - 17)

حکایت بعضی از اعمال جنیبات

وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلْتَمِتًا حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَابًا (8) وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا (9) وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا (10) وَأَنَا مِنْ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدْدًا (11) وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا (12) وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى أَمْنَا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا (13) وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (14) وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (15) وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا (16) لِنُنْفِثَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا.¹⁶⁶

ترجمه: «ما قصد آسمان کردیم، و همه جای آن را پر از محافظان و نگهبانان نیرومند (ملائکه) و شهاب ها (ی سوزنده) یافتیم.»

«ما (پیش از این در گوشه ها و کناره آسمان برای استراق سمع می نشستیم (و کسب خبر می کردیم) ولی اکنون هر کس بخواهد گوش فرا دهد، شهاب آماده ای را در کمین خود می یابد که به سوی او نشانه می رود.»

«ما نمی دانیم که آیا برای ساکنان زمین شر و بلا در نظر گرفته شده است. و یا این که پروردگار شان خیر و هدایت ایشان را خواسته است؟»

«برخی از ما تسلیم فرمان خدا و پرهیزگارند، و بعضی از ما جز این (یعنی نافرمان و بی دین). اصلا ما فرقه ها و گروه های متفاوت و گوناگونی هستیم.»

«ما یقین داریم که هرگز نمی توانیم بر اراده خداوند در زمین غالب شویم، و نمی توانیم از پنجه قدرت او فرار کنیم. (بنابر این، وقتی که نه راه غلبه وجود دارد، و نه راه گریز، چاره ای جز تسلیم فرمان داد گرانه او نیست.)»

«ما هنگامی که رهنمود (قرآن را) شنیدیم، بدان ایمان آوردیم. هر کس که به پروردگارش ایمان بیاورد، نه از کاستی (پاداش) می ترسد، و نه از ستم (حاصل از افزودن بر بدیهایش).»

¹⁶⁶- سوره الجن آیات [8 - 17]

«در میان ما، فرمانبرداران، و منحرفان و بیداد گراند. آنان که فرمانبردارند، هدایت و خیر را برگزیده اند.»

«و اما آنان که ستمگر و بیداد گراند، هیزم و هیمة دوزخ هستند.»

«اگر آدمیان و پریان بر راستای راه (یکتا پرستی و فرمانبرداری از اوامر و نواهی الهی) ماندگار بمانند، آب زیاد (ونعمت فراوان) بهره ایشان می گردانیم.»

«هدف این است که ما آنان را با این نعمت فراوان بیازمایم، و هر کس از ذکر و یاد پروردگارش روی گردان گردد، او را به عذاب سخت و طاقت فرسایی داخل می گرداند.»

ارتباط این مقطع با مقطع قبلی:

در مقطع قبلی قضیه گوش کردن جنیات تلاوت قرآن کریم را وایمان آوردن آنها در خلال هفت آیه بحث گردید، در این مقطع بعضی اعمال دیگر جنیات مانند: استراق سمع، تقسیم شدن آنها به دو گروه، و بعضی احوال دیگر آنها در خلال ده آیه مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

سبب نزول آیه (وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا).¹⁶⁷

امام جلال الدین سیوطی در (لباب النقول فی اسباب النزول) در مورد نزول این آیه چنین ذکر کرده است: **عن مقاتل في قوله: (وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا (16) قال: نزلت في كفار قريش حين منعوا المطر سبع سنين).**¹⁶⁸

ترجمه: از مقاتل بن سلیمان روایت که گفت: هنگامی که بر کفار قریش مدت هفت سال تمام نزول باران منع گردید در مورد آنها این آیه نازل شد. (وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا)¹⁶⁹

تفسیر اجمالی:

قرآن کریم کلام الله است که برای ارشاد و هدایت انسیان و جنیان نازل گشته و خداوند خود نگهداری و حفاظت از آن را بر عهده گرفته است. در هنگام نزول به وسیله ای نگهبانانی نیرومند و سنگ‌هایی آتشین و در زمین با حفظ از تحریف و دستبرد معاندانی که پیوسته در پی نامشروع جلوه دادن آن بوده‌اند. خداوند آنچه را اراده کند به اتمام می‌رساند اگرچه بسیاری از آن ناخشنود باشند و در مقابل قدرت بی مانند خداوند هیچ کس را یارای مقابله نیست و همان بهتر که انسان به سوی او فرار کند (فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ).¹⁷⁰ «به سوی (عبادت) خدا بشتابید.»

انجام هر چیز برای خداوند با اسباب و ابزار لازم همراه است هر چند که برای او تنها اراده ای امر کافیهست تا آن چیز به وجود آید اما این سنتی است که خداوند آن را رعایت کرده و ما را نیز به رعایت آن سفارش نموده است. برای خداوند عدد و رقم و کم و بیش اهمیتی ندارد و آن چیزی که خداوند از ما طلب کرده است ایمان خالص و تسلیم در برابر فرمان اوست و هر کس از این منهج الهی سرکشی کند تبدیل به هیزمی خواهد شد که جهنم را بر خواهد افروخت و این همان عدل الهی است اگر آدمی از آن عبرت گیرد.

167- سوره الجن آیه [16]

168- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابن ابی بکر، لباب النقول فی اسباب النزول: ج 23 ص 320 ص، چاپ چهارم. که توسط عبدالکریم ارشد فاریابی به زبان فارسی ترجمه و در سال 1388 ه ش ذریعه انتشارات خیری در کابل به چاپ رسیده است، و تفسیر

169- سوره الجن، آیه [16]

170- سوره ذاریات آیه [50]

جنیان هم چنان به بیان آن چه از رسالت اسلام دیده و شناخته اند و هم چنین درباره ی گوشه ها از نواحی جهان هستی و اوضاع و احوال آسمان و زمین ادامه می دهند تا از هر کوشش و فعالیتی دست بکشند که با اراده و خواست خدا درباره ی این رسالت آسمانی سازگار نیست و جور در نمی آید. هم چنین ادعای آشنایی با امور غیبی و ادعای هر نوع قدرت و سلطه ای از این قبیل را رها کنند.

آنان می گویند: استراق سمع یا گوش دادن به خبرها ی آسمانی ممکن نیست، و آنان هر گاه کوشیده اند با آسمان و عالم فرشتگان تماس بگیرند، مسیر سر راه را مملو از نگهبانان نیرومند می یابند که با شهاب های نورانی به سوی شان شلیک می کنند، شهاب به سوی هرکس شلیک (پرتاب) شود، او را می کشد. پریان اعلام می دارند چیزی از مقدرات نهان و غیبی را برای انسان ها نمی دانند، این دانش غیبی فقط در اختیار الله متعال است، جز او کسی آن را نمی داند، ولی ما اینکه نمی دانیم که الله متعال برای بندگانش در زمین چه مقدر کرده است؛ آیا برای ساکنان زمین شر و گمراهی در نظر گرفته شده یا این که پروردگار شان خیر و هدایتشان را خواسته است. جنیان هدایت را در مقابل شر و بلا قرار داده اند، پس از نظر آنان هدایت خیر است و سرانجامش هم خیر خواهد بود.

پس از آن جنیان به توصیف حال و موقعیت خودشان در برابر هدایت الهی می پردازند و از سخنان شان چنین می فهمیم که آنان هم چون انسان دارای استعداد هدایت و گمراهی هستند و بعد از هدایت و گمراهی، پاداش و مجازات بر آنها را بیان کرده اند.

اگر مردم بر راه راست می مانند و استقامت به خرج می دادند و اگر ستمگران منحرف نمی شدند و بر راه راست بودند، ما به آنان آب فراوان و گوارا می دادیم که سبب کثرت نعمت و رزق و روزی و رفاه و آسایش زیاد برای آنان شود، تا ایشان امتحان کنیم و ببینیم آیا نعمت را سپاس و شکر می کند و یا ناشکری کرده و کفر می کنند.

مفسر (جلوه های از اسرار قرآن) در مورد این آیات چنین ذکر کرده است: ما رفتیم، آسمان را از نزدیک دیدیم، حراست و حفاظتی که در راه های وصول به آسمان بکار رفته چنان شدید و محکم است که احدی را مجال گذشتن از آن نسیت، همه جا را محافظین سرسخت و شهاب تیرها فراگرفته .

در گذشته ها عده ای از ما آنکه بدانند در آسمان ها چه می گذرد، در این و آن گوشه ای می نشستند، تا از جریانات بالا اطلاع حاصل کنند، چیزی بشنوند و به اسراری پی برند، ولی

اکنون دانستیم که این امکان وجود ندارد، هر که چنین تلاشی کند بجای دست یابی به اسرار، شعله های آتشی برای خود در کمین خواهد یافت.¹⁷¹

¹⁷¹- حکمتیار، انجینر گلب الدین، جلوه های از اسرار قرآن، ناشر: دانشگاه تهران، سال (1379 هـ ش) ج 3 ص 113

آیات این مقطع موضوعات ذیل را شامل میشوند:

1- حراست و نگهبانی آسمان ها:

الله متعال فرموده است: (وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلْتَأَةً حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا (8) وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْمَعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شُهَابًا رَصَدًا (9) (وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا).¹⁷²

ترجمه: «ما قصد آسمان کردیم، و همه جای آن را پر از محافظان و نگهبانان نیرومند (ملائکة) و شهاب ها (ی سوزنده) یافتیم.»

«ما (پیش از این در گوشه ها و کناره آسمان برای استراق سمع می نشستیم) (وکسب خبر می کردیم) ولی اکنون هر کس بخواهد گوش فرا دهد، شهاب آماده ای را در کمین خود می یابد که به سوی او نشانه می رود.»

آن جنیان افزودند: به سبب این حراست و نگهبانی از آسمان «ما نمی دانیم که خداوند جل جلاله با باز داشتن ما از استراق سمع، قصد آن داشته تا بر اهل زمین عذابی فرود آورد، یا این که به سوی زمینیان پیامبری بفرستد.»

ابن کثیر می گوید: (این از ادب جنیان در بیان سخن شان بود که فاعل شر را ذکر نکرده ولی خیر را به خدای عزوجل نسبت دادند).¹⁷³

این آیات دلالت بر حفاظت و حراست شدید آسمان ها می نمایند، خداوند متعال از آسمان ها جهت عدم آگاهی جنیات از راز و اخباری که در آسمان ها فیصله میشود ذریعه شهاب سنگ های که از شعله های آتش سوزان تشکیل شده اند، حفاظت می نماید، و هرگاه جنیات جهت گوش کردن اخبار آسمان ها در فضا حرکت می کنند، شهاب سنگ های از جنس آتش آنها را تعقیب کرده و مورد هدف قرار می دهد، شهاب را علما به معنی شعله آتشی که زبانه میکشد معنا کرده اند.¹⁷⁴

172 - سوره الجن آیه (10)

173 - تفسیر انوار القرآن، ج 6، ص 412

174 - راغب الاصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، محقق، صفوان عدنان الداودی، ج 1، ص 465، ناشر: دار القلم، الدار الشامیه - دمشق بیروت، الطبعة الاولى، 1412

2- تعریف شهاب

شهاب در لغت به معنای شعله ای از آتش است، که زبانه می کشد.¹⁷⁵ و در اصطلاح شعله ای از آتش است که به امر الله متعال جهت دفع استراق سمع از اخبار آسمان ها، شیاطین را از کناره های آسمان می راند.

در مورد این که آیا شهاب ثاقب قبل از بعثت رسول الله صلی الله علیه نیز وجود داشته است یا خیر؟ از آیات واحادیثی که در این مورد وجود دارد چنین معلوم میشود که کار شهاب ثاقب بعد از بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم صورت گرفته است.

وبکار بردن کلمه (رصد) در این آیات جهت حراست آسمان ها نشان دهنده جدیت تام واهمیت حفاظت آسمان ها را نشان میدهد، چون علما کلمه (رصد) را به معنای آماده بودن برای مراقبت، در کمین بودن، وکمین کننده معنا کرده اند.¹⁷⁶

در مورد حفاظت شدن آسمان ها آیات دیگری نیز دلالت دارند، چنانچه الله متعال می فرماید: **(وَحَفِظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ)**¹⁷⁷

ترجمه: ما آن را (آسمان) از هر شیطان متمردی، کاملاً حفظ کرده ایم.

(وَحَفِظْنَاَهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ)¹⁷⁸

ترجمه: و آسمان را از (دستبرد و دسترسی) هر اهریمن ملعون و مطرودی محفوظ و مصون داشته ایم.

(وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ)¹⁷⁹

ترجمه: ما آسمان نزدیک (به شما) را با چراغهایی (به نام ستارگان) آراسته ایم، و آنها را وسیله راندن اهریمنان ساخته ایم، و برای ایشان عذاب آتش سوزانی را آماده کرده ایم.

(رجم) به معنای راندن است، مانند شیطان رجیم که تقریباً (9) بار در قرآن کریم ذکر شده است. سنگسار کردن را هم رجم گویند، چون راندن شخص با شدت و نفرت است، منظور از این آیه راندن عناصر مضر حیات از ورود به جو زمین است.

175- المفردات فی غریب القرآن، ج 1 ص 465

176- الدمغانی، الحسین بن محمد، قاموس القرآن أ وإصلاح الوجه والنظائر فی القرآن، ج 3، ص 101، ناشر: دار العلوم للملابین، 1983

177- سوره صافت آیه [7]

178- سوره حجر آیه [17]

179- سوره ملک آیه [5]

(فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ).¹⁸⁰

ترجمه: آن گاه آنها را به صورت هفت آسمان در دو روز به انجام رساند، و در هر آسمانی فرمان لازمه اش را صادر (و نظام و تدبیر خاصی مقرر) فرمود (و مخلوقات و موجودات متناسب با آنجا را آفرید). آسمان نزدیک را با چراغهای بزرگی (از ستارگان درخشان و تابان) بیاراستیم و (آن را کاملاً از آفات و استراق سمع شیاطین) محفوظ داشتیم. این (امور مذکوره، اعم از آفرینش جهان هستی و دوران شکل گیری و نظم دقیق، برجوشیده از) برنامه ریزی خداوند بسیار توانا و بس آگاه است. آیات متذکره در ضمن این که به موضوعات دیگری اشاره دارند، قضیه حفاظت و حراست آسمان ها را بسیار به شکل واضیحی بیان کرده اند.

3- استراق السمع:

استراق اصلاً از ماده (سرقت) گرفته شده که به معنای دزدی است.¹⁸¹ دزدی یا سرقت یعنی اینکه مال کسی را به طور مخفیانه بر میداری بدون اینکه مالک و صاحب مال از آن اطلاع داشته باشد.

«استراق السمع» هم به معنای دزدی کلام است؛ یعنی وقتی که دو نفر باهم آهسته صحبت می کنند و می خواهند کسی متوجه صحبت آنان نشود، شخصی در خفا به کلام آنها گوش میدهد، طوری که دین مقدس اسلام این استماع مخفیانه را نگوشت نموده و آنرا از جمله گناهان کبیره شمرده است.

چنانچه الله متعال در سوره الحجرات چنین فرموده: (وَلَا تَجَسَّسُوا).¹⁸² و جاسوسی و پرده دری نکنید. و هم چنان رسول الله صلی الله علیه وسلم با زیبایی خاصی در مورد فرموده است: (عن حُدَيْفَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَاتٌ).¹⁸³

180- سوره فصلت آیه [12]

181- الرويفعي الإفريقي، محمد بن مكرم بن علي أبو الفضل جمال الدين ابن منظور الإنصاري، لسان العرب، ج 10 ص 156، ناشر: دار صادر- بيروت. 1414

182- سوره الحجرات آیه [12]

183- الديوبندي، محمد أنور شاه بن معظم شاه الكشمري الهندي (المتوفى: 1353 هجري)، فيض الباري على صحيح البخاري، محقق، محمد بدر عالم الميرتهى، ج 6، ص 139 ح /6054، ناشر: دارالكتب العلميه بيروت - لبنان، طبعه: الاولى؛ 1426 هجري، 2005 م

ترجمه: از حذیفه بن الیمان رضی الله تعالی عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: (سخن چین وارد بهشت نمیشود).

همچنان الله متعال در مورد استراق السمع جن ها در سوره (صافات) چنین می فرماید:

(إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَائِبٌ) 184

ترجمه: واما از آنان هر که با سرعت استراق سمعی کند، فوراً آذرخشی (شعله) سوراخ کننده (جو آسمان و بدن آن شیطان) به دنبال او روان می گردد (و وی می سوزاند و نابودش می گرداند).

واین موضوع یک بار دیگر در (آیات 17 - 18 در سوره الحجر) چنین یاد اوری شده

است: (وَحَفِظْنَاَهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ 17) (إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ) 185

ترجمه: و آسمان را از (دستبرد و دسترسی) هر اهریمن ملعون و مطرودی محفوظ و مصون داشته ایم. واما هر که از آنها دزدکی گوش فرا دارد، آذرخش روشنی به سراغ او می رود.

صاحب صفوة البیان می نویسد: درست این است که رجم پیش از بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز موجود بوده است. وقتی آن حضرت صلی الله علیه وسلم به پیامبری مبعوث شد، رجم بیشتر شده و آسمان ها از حراست و شهاب سنگ ها پر گردید، این آیه دلالت بر این نمیکند که هر آنچیزی که از شهاب سنگ ها به وجود آید، همان رجم است. بلکه هرگاه جنیات قصد گوش کردن اخبار آسمان را کنند شهاب آنها را تعقیب کرده و میراند. اما اگر قضیه استراق السمع نباشد، شهاب سنگ ها حالا و در گذشته اسباب طبعی و کونی میباشند. 186

184- سوره الصافات آیه [10]

185- سوره الحجر آیات [17 - 18]

186- مخلوف محمد، شیخ حسنین، صفوة البیان لمعانی القرآن، ج 2 ص 472

امام سید قطب¹⁸⁷ رحمه الله در تفسیر خود با بسیار دقت به این موضوع اشاره کرده می فرماید: (اینها حقایق است که درک آن برای ما ممکن نیست و باید به آنچه در عمل واقعی ما در این زندگی مؤثر است پردازیم. وسید قطب به تفسیر اجمالی در این بابت قناعت نموده، واز توضیح و تبیین بیشتر این مسئله صرف نظر نموده است. او با اعتراف به ناتوانی درک این حقایق، می گوید: (شیطان و چگونگی استراق سمع او و همچنین این که شیطان چه چیزی را استراق سمع می کند؟! از غیب های الهی است که از خلال نصوص نمی توان به آن دست یافت، و پرداختن به آن نتیجه ای ندارد، زیرا بر اعتقادات ما چیزی نمی افزاید، و جز اشتغال فکر انسان به امری که به او ارتباط خاصی ندارد و او را از انجام عمل حقیقی او در این زندگی باز می دارد ثمره ای نخواهد داشت.)¹⁸⁸

رسول الله صلی الله علیه وسلم چگونگی استراق سمع را چنین توضیح داده است: وقتی الله متعال می خواست کاری انجام دهد، فرشتگان به منظور اطاعت از وی، بال های خود را مانند زنجیری بر صخره ای می زدند. وقتی اضطراب دل هایشان زوده می شد، با هم می گفتند: پروردگار چه فرمود؟ می گویند: هر آنچه گفت، حق است؛ او برتر و بزرگ است.

استراق کنندگان، این گفتگوی فرشتگان را می شنیدند، و آن را به دیگران منتقل می کردند، آن ها نیز آن را به دسته ای دیگری میرساندند، تا این که در پایان، آن پیام به ساحر یا کاهنی میرسید. چه بسا ممکن است.

پیش از رساندن آن پیام به ساحر یا کاهن، شهاب سنگی آن را نشانه بگیرد و کسی از آن آگاه نشود و ممکن است هیچ شهاب سنگی آن را نپیماید و به دست کسی بیفتد و به وسیله ای آن یک پیام درست، صد پیام دروغ را بیان کند، زیرا مردم می گویند: مگر فلان روز چنین و

187- امام سید قطب رحمه الله علیه در سال 1906 میلادی در روستای «موشه» از توابع استان اسیوط مصر که به روستای عبدالفتاح نیز معروف است، دیده به جهان گشود. روستای موشه یا موشا از نظر جغرافیایی در یکی از سرزمین های مرتفع مصر وکنار رود خروشان نیل واقع است. اکثر اهالی روستای موشه مسلمانند و اقلیتی پیرو دین مسیحیت در روستا زندگی می کنند. پدرش الحاج قطب ابراهیم از سلسله خاندان قطب می باشد. که پس از وفات پدر ریاست این خاندان را به عهده گرفت. از خصوصیات بارز وی این بود که بسیار انفاق میکرد. بخشش وی به قدری بود که وقتی دارائی اش تمام شد، زمین های کشاورزی را یکی پس از دیگری فروخت تا اینکه مجبور شد منزل بزرگ و زیبایش را نیز بفروشد. از عادات هرساله او این بود که روزهای عید سعید فطر، قربان، عاشورا، نیمه شعبان، سال روز معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و ماه مبارک رمضان، همه اهالی روستا را برای تلاوت قرآن به مناسبت روز ها یاد شده در منزل خود جمع میکرد و پس از مراسم دوره خوانی قرآن کریم، بهترین طعام ها را به مهمانان میداد از ویژه گی های دیگر پدرش که سید از آن یاد میکرد تواضع او است. الاعلام للزرکلی ج 3 ص 147

188- سید قطب، فی ظلال القرآن، ج 6، ص 572، ترجمه دکتر مصطفی خرم دل، نشر احسان.

چنان نگفت که درست از آب درآمد؟ پس با توجه به پیام درستی که از آسمان شنیده است، تمامی دروغ های وی را باور می کنند.¹⁸⁹

خرافات دوران جاهلیت:

آگاهی و شناخت درست از علت رها شدن شهاب سنگ در آسمان، به خرافاتی که مردم دوران جاهلیت بدان معتقد بودند، پایان داد. از عبدالله بن عباس روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند:

فَإِنَّهَا لَا يُمْرَى بِهَا لِمَوْتِ أَحَدٍ وَلَا لِحَيَاتِهِ وَلَكِنْ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَى اسْمُهُ إِذَا قَضَى أَمْرًا سَبَّحَ حَمَلَةَ الْعَرْشِ ثُمَّ سَبَّحَ أَهْلَ السَّمَاءِ الَّذِينَ يُلُونَهُمْ حَتَّى يَبْلُغَ التَّسْبِيحُ أَهْلَ هَذِهِ السَّمَاءِ الدُّنْيَا ثُمَّ قَالَ الَّذِينَ يُلُونَ حَمَلَةَ الْعَرْشِ لِحَمَلَةِ الْعَرْشِ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ فَيُخْبِرُونَهُمْ مَاذَا قَالَ - قَالَ - فَيَسْتَخْبِرُ بَعْضُ أَهْلِ السَّمَوَاتِ بَعْضًا حَتَّى يَبْلُغَ الْخَبْرَ هَذِهِ السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَتَخْطَفُ الْجِنُّ السَّمْعَ فَيَقْدِفُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ وَيُرْمُونَ بِهِ فَمَا جَاءُوا بِهِ عَلَى وَجْهِهِ فَهُوَ حَقٌّ وَلَكِنَّهُمْ يَفْرُقُونَ فِيهِ وَيَزِيدُونَ.¹⁹⁰

ترجمه: ستاره ها به خاطر مرگ یا تولد هیچ کس رها نمی شوند، بلکه واقعیت این است که الله تبارک و تعالی هرگاه تصمیمی بگیرد، فرشتگان حامل عرش تسبیح می گویند. سپس فرشتگان آسمان نزدیک به عرش تسبیح می گویند، تا این که فرشتگان آسمان دنیا نیز به تسبیح می افتند. سپس فرشتگان حامل عرش درباره ی تصمیم الله می پرسند: چه فرموده است؟ حاملان عرش، ماجرا را به فرشتگان نزدیک می گویند، آنان نیز ماجرا را به اهل آسمان بعدی انتقال می دهند؛ تا این که در پایان، ماجرا به آسمان دنیا می رسد. در آسمان دنیا، جن در کمین است و استراق سمع کرده و اطلاعاتی را به دوستان خود می رساند. آنچه را که درست انتقال بدهد، حق است ولی جن و شیاطین در آن افزایش و کاهش ایجاد میکنند.

گاه استراق سمع جن و شیطان، آسان تر انجام میگیرد و آن بدین صورت است که شیاطین، رویدادهایی را که الله متعال در نظر گرفته است از فرشتگانی می شنوند که به سوی ابرها فرود می آیند.

¹⁸⁹- فی ظلال القرآن ، ج 6 ، ص 573.

¹⁹⁰- مسلم (ت 261)، صحیح مسلم ،باب تحریم الکهانة وإیتان الکهان شماره ح 2229 ، ج 4 ، ص 1750. (صحیح)

حضرت عائشه- رضی الله عنهما - روایت می کند که پیامبر- صلی الله علیه وسلم - فرمودند: (الْمَلَائِكَةُ تَتَحَدَّثُ فِي الْعَنَانِ وَالْعَنَانُ الْغَمَامُ بِالْأَمْرِ يَكُونُ فِي الْأَرْضِ فَتَسْمَعُ الشَّيَاطِينُ الْكَلِمَةَ فَتَقْرَأُهَا فِي أَدْنِ الْكَاهِنِ كَمَا تَقْرَأُ الْقَارُورَةَ فَيَزِيدُونَ مَعَهَا مِائَةَ كَذِبَةٍ).¹⁹¹

ترجمه: فرشتگان مأمور ابرها در مورد رویدادهای روی زمین با هم گفتگو می کنند. پس شیاطین به سخنان آنها گوش فرا داده و آن را به کاهنی می رسانند. پس کاهن به وسیله ای آن سخن درست، صد سخن دروغ را بر آن می افزاید.

جن ها برای استماع اخبار آسمان تنها تا ارتفاع ابرها بالا می رفتند نه تا خود آسمان، و مراد از رفتن جن ها تا آسمان برای شنیدن اخبار آسمانی به این معناست که تا آن سوی ابرها می رفتند و از آنجا اخبار آسمان را گوش می کردند، و دلیل آن، حدیث حضرت عائشه - رضی الله عنهما - است که فرمود: (عن عائشة رضي الله تعالى عنها قالت: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: ان الملائكة تنزل في العنان وهو السحاب فتذكر لامر الذي قضى في السماء فتسترق الشياطين السمع فتسمعه فتتوجه الى الكهان فيكذبون معها مائة كذبة من عند أنفسهم).¹⁹²

ترجمه: از حضرت عائشه - رضی الله عنها - می فرماید: که از رسول الله خدا - صلی الله علیه وسلم - شنیدم که فرمود: فرشتگان تا عنان سماء که بمعنی ابر است، نازل می شوند و در آنجا از آن چه در آسمان ها مقدر شده است، تذکره می کنند، و از آنجا شیاطین این اخبار را می دزدند و می شنوند و به کاهنان می رسانند، و از طرف خود صد دروغ به آن آمیخته و به آنها می گویند.

در صحیح بخاری از حضرت ابوهریره- رضی الله عنه - روایت شده است که از آن چنین برداشت می شود، که اصل واقعه در آسمان، اتفاق می افتد که وقتی الله تعالی حکمی را در آسمان ها به اجرا می گذارد، و هنگامی که کلام به بیان میرسد به همه ای فرشته ها به خاطر اطاعت، پرهای خود را برهم مذاکره می کنند که پروردگار شما چه فرموده، شیاطین آن اخبار را از آن مذاکرات می شنوند و آن را با صد دروغ می آمیزند، و به کاهنان می رسانند. این مضمون منافاتی با حدیث حضرت عائشه ی صدیقه ندارد؛ زیرا از آن ثابت نمیشود که شیاطین به آسمان ها رفته آن اخبار را می دزدند، بلکه امکان دارد که نخست این اخبار به تدریج در میان فرشته ها در آسمان انتشار یابد، و فرشته ها تا عنان سماء آمده، آنها

¹⁹¹- صحیح البخاری 3288. (معلق)

¹⁹²- صحیح البخاری، باب ذکر الملائكة، شماره ح 3038، ج 3، ص 1175

را مذاکره کنند، و شیاطین در آنجا آن اخبار را بدزدند، همچنان که در حدیث حضرت عائشه صدیقه آمده است.¹⁹³

به هر حال قبل از بعثت رسول - صلی الله علیه وسلم -، در یافت اخبار آسمانی از جانب شیاطین و رساندن آنها به کاهنان، بدون جلوگیری جاری بود، شیاطین تا ابرها می رفتند و اخبار را از فرشته گان گوش می کردند، اما هنگام بعثت به خاطر حفظ وحی آنحضرت - صلی الله علیه وسلم -، از این سلسله، بدین گونه جلوگیری به عمل آمد، که هر گاه شیاطین برای شنیدن این اخبار به آسمان می رفت، به سوی او شعله ی شهاب ثاقب پرتاب می شد، و دفع می گردید، و این آن حادثه ی جدیدی بود که جن ها و شیاطین به فکر آن افتادند، و جهت تحقیق حال، گروه هایی را به مشرق و مغرب جهان گسیل داشتند، سپس در مقام نخله گروهی از آنها قرآن را از آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - شنیدند، و ایمان آوردند.¹⁹⁴

3- فرقه ها و گروه های جنیات:

بعد از آن که گروهی از جنیان حال و موضع خود را در برابر هدایت خدا بیان می دارند. از بیان ایشان متوجه می گردیم که جنیان طبیعت مزدوج، یعنی سرشت دوگانه ای دارند، مانند طبیعت و سرشت انسان، در این که استعداد هدایت و استعداد ضلالت دارند. این گروه از جنیان درباره عقیده به پروردگار شان برایمان سخن می گویند، در آن حال که به پروردگار ایمان آورده اند. از اندیشه خود در باره فرجام کسانی سخن برایمان می گویند که راهیاب گشته یا گمراه می شوند، الله متعال در مورد فرقه و گروه های جنیات فرموده است:

وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا (11) وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا (12) وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا (13) وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (14) وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا.¹⁹⁵

ترجمه: « برخی از ما تسلیم فرمان خدا و پرهیزگارانند، و بعضی از ما جزا این (یعنی نافرمان و بی دین). اصلا ما فرقه ها و گروه های متفاوت و گوناگونی هستیم. »

¹⁹³- دیده شود، صحیح البخاری، ج 6 ص 80، شماره 4701

¹⁹⁴- تفسیر مظہری، ج 10، ص 87.

¹⁹⁵- سورة الجن آیات [11-15]

«ما یقین داریم که هرگز نمی توانیم بر اراده خداوند در زمین غالب شویم، و نمی توانیم از پنجه قدرت او فرار کنیم. (بنابر این، وقتی که نه راه غلبه وجود دارد، و نه راه گریز، چاره ای جز تسلیم فرمان داد گرانه او نیست).»

«ما هنگامی که رهنمود (قرآن را) شنیدیم، بدان ایمان آوردیم. هر کس که به پروردگارش ایمان بیاورد، نه از کاستی (پاداش) می ترسد، و نه از ستم (حاصل از افزودن بر بدیهایش).»

«در میان ما، فرمانبرداران، و منحرفان و بیداد گراند. آنان که فرمانبردارند، هدایت و خیر را برگزیده اند.» و اما آنان که ستمگر و بیداد گراند، هیزم و هیمة دوزخ هستند.»

این گفتار جنیان که بیان می کند در میان ایشان خوبان و بدان، و مسلمانان و منحرفان هستند، بیانگر مزدوج و دوگانه بودن سرشت جنیان، و آمادگی داشتن برای انجام خیر و شر، همچون انسانها است. جز جنیانی که به شر اختصاص پیدا کرده اند، و آنان اهریمن و پیروان او هستند، این گفتار دارای اهمیت فراوانی در تصحیح جهان بینی همگان ما در باره این آفریدگان است. اغلب ما، حتی درس خواندگان آگاه ما بر این عقیده و باور اند که جنیات نماد شر و بدی هستند، و سرشت ایشان در شر و بدی خلاصه شده است. و این که در میان آفریدگان تنها انسان دارای طبیعت مزدوج و سرشت دوگانه است، این دیدگاه ناشی از مقررات پیشین ما در جهان بینی های مان در باره حقایق جهان هستی است، همان گونه که قبلاً گفتیم. اینک وقت آن فرارسیده است که برابر مقررات صحیح قرآن به حقایق جهان هستی بنگریم.

«وَأَنَا مِمَّا الْصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ» حال ایشان را با صفت عامی بیان می دارد. و «كُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا.» یعنی هر گروهی از ما شیوه و روش و راه جدا و بریده و گسیخته از گروه دیگری دارد.¹⁹⁶

(ازین آیه معلوم می شود که هر گروه، و هر مذهبی که در میان انسانها وجود دارد، در میان جنیات نیز موجود است، مانند: مسلمان سنی و شیعه، مرجیه، قدریه، روافض، و خوارج، کافر، مشرک، دهری، یهودی، نصاری، همه در آنها نیز موجود است.¹⁹⁷

¹⁹⁶- سید قطب، فی ظلال القرآن، ترجمه: دکتر مصطفی خرم دل، ج 6، ص 576، ناشر: نشر احسان، چاپخانه اسوه، سال طبع دوم (1387 هـ ش)
¹⁹⁷- العینی، عمدة القاری، شرح صحیح البخاری، ج 23 ص 75.

صاحب تفسیر ازهر البیان به نقل ابن قیم گفته است: این آیه جن را به سه گروه تقسیم نموده است: صالح، ناصالح، کافر قاسط. و این سه گروه همانند سه گروه بنی آدم اند: ابرار، مقتصد، و کافر. صالح جن همانند ابرار انسانها اند.

غیر صالحین جن، همانند مقتصدین انسانها اند. قاسطون جن، همانند کفار انسانها اند. اما از آنجا که انسان نسبت به جن اکمل و اشراف است، به همین سبب انسان به وجود سه گروه دیگر امتیاز پیدا کرد که اینها در جن وجود ندارند، و این سه گروه عبارت از رسل، انبیا و مقربین میباشند.¹⁹⁸

امام قرطبی¹⁹⁹ رحمة الله در تفسیرش در مورد این آیات چنین می نویسد: قَوْلُهُ تَعَالَى: (وَأَنَا مِّنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ)²⁰⁰ «هَذَا مِنْ قَوْلِ الْجِنِّ، أَي قَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لَمَّا دَعَا أَصْحَابَهُمْ إِلَى الْإِيمَانِ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَإِنَّا كُنَّا قَبْلَ اسْتِمَاعِ الْقُرْآنِ مِّنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا الْكَافِرُونَ. وَقِيلَ: وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ أَي وَمِن دُونَ الصَّالِحِينَ فِي الصَّلَاحِ، وَهُوَ أَشْبَهُهُ مِنْ حَمَلِهِ عَلَى الْإِيمَانِ وَالشِّرْكِ. (كُنَّا طَرَائِقَ قِدْدًا) أَي فَرَقًا شَتَّى، قَالَهُ السُّدِّيُّ. الضَّحَّاكُ: أَدْيَانًا مُخْتَلَفَةً. قَتَادَةُ: أَهْوَاءٌ مُتَبَايِنَةٌ».²⁰¹

ترجمه: این سخن الله متعال (وَأَنَا مِّنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ)²⁰² از قول جنیات است، وقتی که اصحاب خود را به ایمان آوردن به رسول الله صلی الله علیه وسلم دعوت کردند، بعضی از آنها به بعضی دیگر خود گفتند: بعضی از ما قبل از شنیدن قرآن صالح و بعضی دیگر کافر بوده ایم، و گفته شده است که جنیات گفتند: بعضی دیگر ما کمتر از صالحین در اصلاح بودیم، و این تاویل بهتر است که ما او را به ایمان و یا شرک حمل نماییم، (كُنَّا طَرَائِقَ قِدْدًا) سدی میگوید: یعنی گروه های مختلف، و ضحاک میگوید: که این آیه به معنی ادیان مختلف است، و قتاده میگوید: به معنی خواهشات مختلف است.

«وَالْمَعْنَى: أَي لَمْ يَكُنْ كُلُّ الْجِنِّ كُفَّارًا بَلْ كَانُوا مُخْتَلِفِينَ: مِنْهُمْ كُفَّارٌ، وَمِنْهُمْ مُؤْمِنُونَ صَالِحَاءٌ، وَمِنْهُمْ مُؤْمِنُونَ غَيْرُ صَالِحَاءٍ. وَقَالَ الْمُسَيْبِيُّ: كُنَّا مُسْلِمِينَ وَيَهُودَ وَنَصَارَى وَمَجُوسَ.

198- ازهر البیان، ج 9، ص 74

199- القرطبی، ابو عبدالله، محمد بن احمد بن ابوبکر بن قرح انصاری خزرجی اندلسی قرطبی، یکی از امامان بزرگ تفسیر است. وی در آغاز قرن هفتم هجری (میان سالهای 600 تا 610 هجری) در قرطبه دیده به جهان گشود مدتی در آن سرزمین زندگی کرد. سپس به مصر مهاجرت نمود و در منیه بنی خصیب واقع در شمال اسیوط مستقر شد و در سال 671 هجری در مصر وفات کرده است. الاعلام للزرکلی ج 7 ص 148.

200- سوره الجن آیه [11]

201- قرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي، المتوفى: (671هـ) الجامع لأحكام القرآن، ج 19 ص 15، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، 1384هـ - 1964 م

202- سوره الجن آیه [11]

وَقَالَ السُّدِّيُّ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: طَرَائِقُ قِدْدًا قَالَ: فِي الْجِنِّ مِثْلُكُمْ قَدْرِيَّةً، وَمُرْجِنَّةً، وَخَوَارِجُ، وَرَافِضَةٌ، وَشَيْعَةٌ، وَسُنِّيَّةٌ. وَقَالَ قَوْمٌ: أَيُّ وَإِنَّا بَعْدَ اسْتِمَاعِ الْقُرْآنِ مُخْتَلِفُونَ: مِنَّا الْمُؤْمِنُونَ وَمِنَّا الْكَافِرُونَ. أَيُّ وَمِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا مُؤْمِنُونَ لَمْ يَتَنَاهَوْا فِي الصَّلَاحِ. وَالْأَوَّلُ أَحْسَنُ، لِأَنَّهُ كَانَ فِي الْجِنِّ مَنْ آمَنَ بِمُوسَى وَعِيسَى، وَقَدْ أَخْبَرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَنَّهُمْ قَالُوا: (إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أَنْزَلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ).²⁰³ وَهَذَا يَدُلُّ عَلَى إِيْمَانِ قَوْمٍ مِنْهُمْ بِالتَّوْرَةِ، وَكَانَ هَذَا مُبَالِغَةً مِنْهُمْ فِي دُعَاءِ مَنْ دَعَوْهُمْ إِلَى الْإِيْمَانِ. وَأَيْضًا لَا فَائِدَةَ فِي قَوْلِهِمْ: نَحْنُ الْآنَ مُتَقَسِمُونَ إِلَى مُؤْمِنٍ وَإِلَى كَافِرٍ. وَالطَّرَائِقُ: جَمْعُ الطَّرِيقَةِ وَهِيَ مَذْهَبُ الرَّجُلِ، أَيُّ كُنَّا فِرْقًا مُخْتَلِفَةً. وَيُقَالُ: الْقَوْمُ طَرَائِقُ أَيُّ عَلَى مَذَاهِبٍ شَتَّى. وَالْقِدْدُ: نَحْوٌ مِنَ الطَّرَائِقِ وَهُوَ تَوْكِيدٌ لَهَا، وَاحِدُهَا: قِدَّةٌ. يُقَالُ: لِكُلِّ طَرِيقٍ قِدَّةٌ، وَأَصْلُهَا مِنْ قَدَّ السُّيُورِ، وَهُوَ قَطَعُهَا»²⁰⁴

به این معنا که همه جنیبات کافر نیستند، بل که آنها مختلف هستند، یک تعداد کافر، و یک تعداد مسلمان و صالح، و بعضی دیگر آنها مسلمان غیر صالح، سعید بن مسیب²⁰⁵ میگوید: مانند ما انسان ها که مسلمان، یهود، و نصاری، و مجوس. سدی²⁰⁶ در مورد این قول الله متعال (طَرَائِقُ قِدْدًا) میگوید: در جنیبات مانند انسان ها قدریه، مرجئه، و خوارج، و رافضه، و شیعه، و سنیه است. و یک تعدادی میگویند که: جنیبات گفتند: ما بعد از استماع قرآن مختلف شدیم، بعضی ما مسلمان و بعضی دیگر کافر، و بعضی صالحون، و بعضی مومنی که نهی از منکر نکرده و یکدیگر را به صلاح امر نمی کردیم.

قول اول راجح است، زیرا در جنیبات گروهی وجود داشت که ایمان به موسی و عیسی علیهما السلام داشتند. که الله متعال از آنها به ما خبر داده و چنین فرموده است: إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أَنْزَلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ.²⁰⁷ که این آیه دلالت به ایمان گروهی از جنیبات به تورات می نماید، و این مبالغه است که از جانب جنیبات در دعوت نمودن کسانی که جنیبات آنها را به ایمان آوردن دعوت می نمودند، و در این سخن جنیبات که گفتند: که ما اکنون به مسلمان و کافر تقسیم شده ایم کدام مفادی نیست. و (وَالطَّرَائِقُ) جمع طریقه است، که به معنای

²⁰³- سوره احقاف آیه [30]

²⁰⁴- قرطبی، ج 19 ص 16

²⁰⁵- سعید بن مسیب بن حزم بن ابی وهب بن عمر است، ایشان امام و پیشوای عالم اهل مدینه و سید تابعین در دوران خود بود، در سال 86 هجری وفات یافته است. سیر اعلام النبلاء ج 4 ص 217.

²⁰⁶- اسماعیل بن عبدالرحمن بن ابی کریمه السدی ابو محمد القرشی الکوفی، در سال 127 هجری وفات کرده و از جمله اوساط تابعین است. از حضرت انس بن مالک، عبدالله بن عباس و غیره حدیث روایت کرده است. و مسلم، ابو داوود، ترمذی، نسائی، و ابن ماجه از ایشان حدیث روایت کرده اند. سیر اعلام النبلاء ج 5 ص 264.

²⁰⁷- سوره احقاف آیه [30]

راه وروش یک انسان است، یعنی جنیبات گفتند: ما فرقه های مختلف هستیم، چنانچه گفته میشود: (الْقَوْمُ طَرَائِقُ) یعنی قوم در مذاهب مختلف و پراکنده هستند.

(وَالْقِدْدُ) مانند طرائق است و جهت تاکید آن آمده است، که مفرد آن (قِدَّةٌ) است، و از برای هر راه قده گفته میشود. که اصل این لغت از (قَدَّ السُّيُورِ) گرفته شده که به معنای قطع کردن راه می آید.

«قَوْلُهُ تَعَالَى: وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى يَعْنِي الْقُرْآنَ أَمَّا بِهِ وَبِاللَّهِ، وَصَدَقْنَا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى رَسُولِهِ. وَكَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَبْعُوثًا إِلَى الْإِنْسِ وَالْجِنِّ. قَالَ الْحَسَنُ: بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، وَلَمْ يَبْعَثِ اللَّهُ تَعَالَى قَطُّ رَسُولًا مِنَ الْجِنِّ، وَلَا مِنْ أَهْلِ الْبَادِيَةِ، وَلَا مِنَ النِّسَاءِ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى).²⁰⁸ وَقَدْ تَقَدَّمَ هَذَا الْمَعْنَى. وَفِي الصَّحِيحِ: "وَبُعِثْتُ إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ" أَيِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ. (فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا) قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: لَا يَخَافُ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ حَسَنَاتِهِ وَلَا أَنْ يُزَادَ فِي سَيِّئَاتِهِ، لِأَنَّ الْبَخْسَ النُّقْصَانُ، وَالرَّهَقَ: الْعُدْوَانُ وَغَشْيَانُ الْمَحَارِمِ».²⁰⁹

ترجمه: (وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى) یعنی قرآن را وقتی شنیدیم به آن وبه الله ایمان آورده و محمد صلی الله علیه وسلم را تصدیق کردیم، ورسول الله صلی الله علیه وسلم به انس و جن مبعوث شده است، امام حسن بصری رحمه الله میفرماید: الله متعال محمد صلی الله علیه وسلم را به انس جن مبعوث کرده است، والله متعال هرگز از جن، اهل بادیه، وزن ها پیامبری نفرستاده است. که این قول الله متعال به آن دلالت دارد: (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى).²¹⁰ یعنی ما پیش از تو نفرستادیم مگر مرد هارا که وحی کردیم به آنها که از اهل قریه ها بودند. که قبلا هم این مطلب گذشت، ودر حدیث صحیح نیز چنین وارد شده است. (وَبُعِثْتُ إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ)²¹¹ من به سیاه و سفید مبعوث شده ام، یعنی به انس و جن.

²⁰⁸- سوره یوسف آیه [109]

²⁰⁹- قرطبی، ج 19 ص 17

²¹⁰- سوره یوسف آیه [109]

²¹¹- مسند الإمام أحمد بن حنبل المؤلف: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: 241هـ) المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى، 1421 هـ - 2001 م، ج 35 ص 224 ، شماره 21299. صحیح.

(فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا) ابن عباس در مورد می فرماید: یعنی از کم شدن حسنات و زیاد شدن سیئات نمی هراسد، زیرا (بخس) به معنای نقصان است، و (الرهق) به معنای سرکشی و ارتکاب است.

ابن عباس در تفسیر خود چنین فرموده است: (وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ) الموحدون هم الَّذِينَ آمَنُوا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْقُرْآنَ (وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ) كَافِرُونَ وَهُمْ كَفَرَةُ الْجِنِّ (كُنَّا طَرَائِقَ قِدْدًا) أَهْوَاءَ مُخْتَلِفَةَ الْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ قَبْلَ أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ. 212

ترجمه: بعضی از ماصالحون (موحدون کسانی که به رسول الله صلی الله علیه وسلم وقرآن کریم ایمان آورده اند) و بعضی دیگرما غیراز آن (کافرما که ایشان جن های کافراند) به راه های مختلف بودیم (پیش از ایمان آوردن به الله یهودی، و نصرانی) بودیم.

وامام مودودی- رحمه الله - در تفهیم القرآن در این باره چنین گفته است: (یعنی از حیث اخلاق، متفرق ایم خوب وبد، هر دو در میان ما وجود دارند واز حیث عقاید نیز در گروه های مختلف منقسم هستیم، (کنا طرائق قیداً) بعضی ما مومن و بعضی ما کافر هستند، با این گفتار، جنیان ایمان آورده به مردم خود می فهمانند که ما یقیناً نیازمند در یافتن راه راست هستیم واز آن بی نیاز شده نمیتوانیم. 213

صاحب تفسیر انوار القرآن چنین گفته است: (قبل از استماع قرآن، از میان ما بعضی موصوف به صفت صلاح بودند (و جمعی از ما دون اینند) یعنی: گروهی از ما ناصالح یا در صلاح و شایستگی ناکامل اند. مراد از صالحان: مؤمنان جن اند و مراد از کسانی که دون این اند، کافرانشان اند یعنی: ما جنیان گروه هایی هستیم متفرق و پراکنده و دسته هایی هستیم مختلف، دارای خواسته هایی متضاد و متباین و راه و روشهایی دور از هم. سعید بن مسیب رضی الله عنه می گوید: «جنیان متشکل بودند از مسلمانان، یهود، نصاری و مجوس» 214

212- فیروز آبادی، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، ج 1 ، ص 489 ، جمع کننده: فیروز آبادی، مجد الدین ابو طاهر محمد بن یعقوب، متوفی (817هـ) ناشر: دار الکتب العلمیه لبنان.

213- تفهیم القرآن، ج 6 ، ص 93

214- انوار القرآن، ج 6 ، ص 412

آیا جنیات مومن داخل جنت میگردند؟

علماء سلف و خلف متفق اند که کافر جنیات داخل آتش میگردند، اما نسبت به داخل شدن جنیات مؤمن در جنت اختلاف دارند.

حافظ ابن حجر میگوید: چند اقوال وجود دارد:

قول اول این است: که آری داخل جنت میگردند، و این قول اکثر اهل علم است.

قول دوم: از امام مالک و جماعه ای دیگری اهل علم منقول است که داخل (ساحه بیرون جنت می گردند).²¹⁵

قول سوم: در این مورد توقف از جواب دادن است. این کثیر می گوید: حق آنست که مؤمن جنیات مانند مؤمن انسان ها داخل بهشت میگردند، البته این مذهب اکثر اهل علم میباشد، و بعضی ایشان از این آیه استدلال نموده اند، **(لَمْ يَطْمِئُنْ نَفْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ)**.²¹⁶

ترجمه: زنان بهشتی را نه قبلا جن دست زده و نه انس، اما در این استدلال نظر وجود دارد بهترین شاهد قول الله متعال در این آیت است **(وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (46) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ)**.²¹⁷ ترجمه: هر کسی که از عظمت پرورد گارش بترسد برایش دو جنت است، سپس به کدام یکی از نعمت های الله متعال تکذیب میکنید، الله متعال پاداش انس و جن نیکو کار را جنت گردانیده است، این آیت را جنیات بیشتر نسبت به انسان ها استقبال نمودند و شکر به زبان را بیشتر نسبت به انسان ها نمودند و گفتند: ما هیچ یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب نمیکنیم، و تمام خوبی ها از آن الله متعال است.²¹⁸

این اشاره به روایت ترمذی از حضرت جابر²¹⁹ رضی الله تعالی عنه دارد که فرمود: حضرت محمد صلی الله علیه وسلم (سوره الرحمن) را تا به آخر تلاوت نمود سپس فرمود: چه شده است که من شما را سکوت می بینم، جنیات بهترین جواب را دادند، هر وقتیکه این

²¹⁵- بانی، وحید عبدالسلام، وقایع الانسان من الجن والشيطان، مترجم: مولوی عنایت الرحمن عبیر، ص 42

²¹⁶- سوره الرحمن، آیه [56]

²¹⁷- سوره الرحمن، آیات [46-47]

²¹⁸- ابن کثیر، ج 4 ص 171

²¹⁹- جابر بن عبدالله بن عمر بن حرام الخزرجی الانصاری السلمی، صحابی جلیل القدر و مکثرین صحابه در نقل و روایات حدیث از پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، او کسی است که جماعتی از صحابه از ایشان حدیث نقل کرده اند. شخص موصوف و پدر وی هردو صحابه بودند. نامبرده در 19 غزوه شرکت کرده و در آخر عمر یک حلقه درسی را در مسجد نبوی ایجاد کرده بود و در آنجا برای مردم تعلیم میداد و مردم آن وقت دین خود را از ایشان می آموختند. الاعلام للزرکلی ج 2 ص 104.

آیت را تلاوت می کردم، (فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ).²²⁰ آنها می گفتند به هیچ یکی از نعمت های خداوند تکذیب نمی کنیم، حمد و ستایش الله بزرگ را است.²²¹

ابن تیمیه میگوید: کافر جنیات به اتفاق علماء معذب به عذاب میگردند، اما مؤمن جنیات، جمهور علماء میگویند: در جنت اند، وهم چنان روایت شده است که جنیات در (ساحه بیرون جنت میباشند) انسان ها آن ها را می بینند، آنها انسان ها را دیده نمیتوانند، این قول از امام مالک، امام شافعی، امام احمد، و امام ابی یوسف، منقول است، وهم چنان گفته شده است که ثواب ایشان نجات از آتش دوزخ است این قول از امام ابو حنیفه میباشد.²²²

4- مکافات استقامت بر دین:

نخست استقامت را در لغت واصطلاح تعریف مینماییم، وبعدا به شرح موضوع متذکره می پردازیم.

تعریف استقامت در لغت واصطلاح

استقامت از ریشه (ق و م) است و برای آن معانی مختلفی مانند اعتدال، ثبات و مداومت²²³، استواری و پایداری است، ودر اصطلاح عبارت از وفاء به عهد و همیشه به راه راست بودن است با رعایت حد توسط در طعام، شراب، لباس، ودر همه امور دینی و دنیوی میباشد.²²⁴

(وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا).²²⁵

ترجمه: «اگر آدمیان و پریان بر راستای راه (یکتا پرستی و فرمانبرداری از اوامر و نواهی الهی) ماندگار بمانند، آب زیاد (ونعمت فراوان) بهره ایشان می گردانیم.»

جمله (وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا) بر جمله (أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ) عطف است و مقصد آیه بیان حقیقت دیگر است که به سوی پیغمبر صلی الله علیه وسلم وحی شده است.

²²⁰- سوره الرحمن، آیه [51]

²²¹- ترمذی، ج 5 ص 73

²²²- مجموع الفتاوی، ج 9 ص 38

²²³- الجواهری، أبو نصر إسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، (المتوفی: 393هـ) تحقیق: أحمد عبد الغفور

عطار، الناشر: دار العلم للملايين - بيروت، الطبعة: الرابعة 1407 هـ - 1987 م، ج 5 ص 2017

²²⁴- معجم التعريفات، ص 19

²²⁵- سوره الجن آیه [16]

مقصد از (الطریقه) طریق اسلام و حق است، واستقامت بر طریق حق، عبارت از التزام و پای بندی به همه اموری است که پیغمبر صلی الله علیه وسلم با خود آورده است. و مراد از (ماءٌ عَدَقًا) آب فراوان، و مقصود از آن فراوانی و کثرت نعمت و فراخی روزی است²²⁶، چنانکه این مطلب الله متعال در سوره مائده می فرماید

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (65) وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ.²²⁷

ترجمه: واگر اهل کتاب (اعم از مسیحیان و یهودیان، به جای دشمنانگی و تباهاکاری، به اسلام بگروند و ایمان بیاورند و پرهیزگاری پیشه کنند، گناهان شان را می زدایم (زشتی ها و پلشتیهای گذشته ایشان را می بخشیم) و آنان را به باغهای پر نعمت بهشت داخل می سازیم.

واگر آنان به تورات و انجیل (اصلی و دست نه خورده) و بدان چه که از سوی پروردگار شان (به نام قرآن) بر آنان نازل شده است عمل نکنند (و در میان خود قوانین الهی را پیاده کنند و بر پای دارند) از بالای سر خود و از زیر پای خود (واز هر سو، غرق در نعمت شده و از آسمان و زمین) روزی خواهند خورد. (اهل کتاب همه یکسان نیستند) جمعی از آنان عادل و میانه روند (و به اسلام می گروند و به محمد ایمان می آورند) ولی بسیار از ایشان (نا اهل و کجروند و) بدترین کار را انجام می دهند.

و در سوره اعراف الله متعال در مورد چنین می فرماید: **(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ .**²²⁸

ترجمه: اگر مردمان این شهرها و آبادیها (به خدا و انبیاء) ایمان می آوردند و (از کفر و معاصی) پرهیز می کردند، (درگاه خیرات و) برکات آسمان و زمین را بر روی آنان می گشودیم (و از بلایا و آفات به دورشان می داشتیم) ولی آنان به تکذیب (پیغمبران و انکار حقائق) پرداختند و ما هم ایشان را به کیفر اعمالشان گرفتار و مجازات نمودیم (و عبرت جهانیانشان کردیم).

²²⁶- از هرابیان، ج 9 ص 76

²²⁷- سوره مائده آیات [65 - 66]

²²⁸- سوره اعراف آیه [96]

استقامت بر دین دارای مکافات دنیوی و اخروی است:

الف: مکافات دنیوی استقامت بردین

ثمره استقامت بردین در دنیا، فراخی رزق و روزی و اسباب آن است، و از اسباب مهم آن، کثرت آب است که زندگی بشر، در هر زمان و در هر مکان، به آب بستگی دارد.

ارتباط در میان استقامت بر طریقه اسلام و فراخی عیش و تمکین در روی زمین، یک حقیقت مسلم و برای همیشه ثابت و پیا برجا است.

چنانچه اعراب بادیه نشین را می بینیم که قبلاً چه زندگی فلاکت باری داشتند، اما زمانی که استقامت بر اسلام را در پیش گرفتند، جهان را فتح نموده، و زمین در اختیار شان قرار داده شده این اقتدار پر افتخار، تازمانی در دست شان قرار داشت که استقامت شان برقرار بود.

اما زمانی که در استقامت شان تغییر و انحراف ایجاد شد، دنیا از پیش شان گرفته شد، عیش فراخ و زندگی پر امنیتی که داشتند، به یک زندگی فلاکتبار مبدل گردید.

و هر گاه امتی را مشاهده میکنیم که از جاده استقامت بیرون است، ولی ظاهراً زندگی مرفه و عیش فراوان دارد، اگر دقیق مطالعه کنیم به این حقیقت پی خواهیم برد که آن حتماً به عذاب دیگری روبرو هستند که لذت فراخی عیش و زندگی مرفه آنان را مکدر میسازد. آنچه گذشت ثمره دنیوی استقامت بود.

ب: مکافات اخروی استقامت بردین

در مورد ثمره اخروی استقامت، الله متعال در سوره فصلت چنین فرموده است: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (30) نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ (31) نُزُلًا مِّنْ عَفْوِرٍ رَّحِيمٍ. 229

ترجمه: کسانی که می گویند: پروردگار ما تنها خدا است، و سپس (بر این گفته خود که اقرار به وحدانیت است می ایستند، و آن را با انجام قوانین شریعت عملاً نشان می دهند، و بر این راستای خداپرستی تا زنده اند) پابرجا و ماندگار می مانند (در هنگام آخرین لحظات زندگی)

فرشتگان به پیش ایشان می آیند (و بدانان مژده می دهند) که نترسید و غمگین نباشید و شما را بشارت باد به بهشتی که (توسط پیغمبران) به شما (مؤمنان) وعده داده می شد.

(و فرشتگان بدیشان خبر می دهند که) ما یاران و یاوران شما در زندگی دنیا و در آخرت هستیم، و در آخرت برای شما هرچه آرزو کنید هست، و هرچه بخواهید برایتان فراهم است.

اینها به عنوان پذیرائی از سوی خداوند آمرزگار و مهربان است.

این آیات پاداش اخروی کسانی را که در دنیا به اسلام پا بندی و استقامت داشتند، به تصویر کشیده است.

و در سوره احقاف نیز الله متعال این مطلب را ذکر کرده می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا

اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) .²³⁰

ترجمه: کسانی که می گویند: پروردگار ما تنها یزدان است، سپس (بر این توحید و یکتاپرستی) ماندگار می مانند، نه ترسی بر آنان است و نه غمگین می گردند.

استقامت در دین نه تنها که دارای پاداش بزرگی است، بلکه یکی از اوامر الهی بوده و الله متعال به رسول الله صلی الله علیه وسلم و مومنان دستور استقامت در دین را داده می فرماید:

(فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) .²³¹

ترجمه: بنابراین، همان گونه که فرمان یافته ای (در راه تبلیغ و ارشاد و مبارزه و پیکار و پیاده کردن تعلیمات قرآن) استقامت کن همراه کسانی که (از کفر و شرک دست کشیده اند) (و با تو (به سوی خدا) برگشته اند و (ایمان آورده اند، و از حدود قوانین خدا) تجاوز نکنند) (و از جاده اعتدال به کنار نروید و راه افراط و تفریط مپوئید) چرا که خدا می بیند چیزی را که می کنید (پس مواظب پندار و گفتار و کردار خود باشید).

(قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ

لِلْمُشْرِكِينَ) .²³²

ترجمه: بگو: من فقط و فقط انسانی مثل شما هستم، و به من وحی می شود که خداوندگار شما خداوندگار یگانه ای بیش نمی باشد، پس راست به سوی او رو کنید و روید (و پندار و گفتار و کردارتان در مسیر رضای وی باشد) و از او آمرزش بخواهید. وای به حال

مشرکان!

²³⁰- سوره احقاف آیه [13]

²³¹- سوره هود آیه [112]

²³²- سوره فصلت آیه [6]

5- مجازات عدم استقامت بر دین:

(وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْأَلْهُ عَذَابًا صَعَدًا).²³³

ترجمه: و هر کس از ذکر و یاد پروردگارش روی گردان گردد، او را به عذاب سخت و طاقت فرسایی داخل می گرداند.

همان طوری که استقامت بر دین دارای مکافات و پاداش عظیمی است، عدم استقامت بر آن نیز دارای مجازات سنگینی می باشد، و یگانه چیزی که انسان را از گرفتار شدن به چنین فتنه و عذاب دورنگه میدارد، همانا ذکر الهی است که در رأس آن قرآن قرار دارد.

واعراض از قرآن انسان را به فتنه های که هر کدام نسبت به دیگرش سخت تر است، مواجه میسازد چنانکه الله سبحانه و تعالی در مورد فرموده است: (وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى).²³⁴

ترجمه: و هر که از یاد من روی بگرداند (و از احکام کتابهای آسمانی دوری گزیند)، زندگی تنگ (وسخت و گرفته ای) خواهد داشت؛ (چون نه به قسمت و نصیب خدا دادی قانع خواهد شد، و نه تسلیم قضا و قدر الهی خواهد گشت) و روز رستاخیز او را نابینا (به عرصه قیامت گسیل و با دیگران در آنجا) گرد می آوریم .

این آیه دلالت بر این دارد که هرگاه انسانی در دین خویش استقامت و پایداری نداشته باشد، در دنیا به زندگی سختی رو برو خواهد شد، و در روز قیامت کور و نابینا حشر کرده میشود. زیرا در دنیا این شخص با آنکه از نعمت چشم برخوردار بوده است. حق را نادیده گرفته، و از خود استقامتی بر آن نشان نداده بود، بنا بر این در روز قیامت از نعمت بینایی محروم گردیده و نابینا حشر کرده میشود.

²³³- سورة الجن آیه [17]

²³⁴- سورة طه آیه [124]

رهنمایی های آیات

- 1- در بین جن و ملائکه تجانس وجود دارد، چون از ماده قریب به هم خلق شده اند زیرا جن از نار و ملائکه از نور پیداشده است، از همین جهت یکدیگر را دیده و کلام همدیگر می شنوند و میدانند.
- 2- در میان جنیات، صالحون، مؤمنون و مسلمون، واصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم می باشد.
- 3- ثبوت عدم درست بودن پیروی از راه های مختلف و اختلاف کردن در امور.
- 4- بلند کردن صدای عدالت، و تفکر نمودن بر حق و نیکی.²³⁵
- 5- اثبات این که رسول الله صلی الله علیه وسلم به انس و جن مبعوث شده است.
- 6- آسمان ها از نفوس شیاطین و جن ها شدیداً حفاظت می شوند.
- 7- اثبات عدم آگاهی جنیات از غیب.
- 8- پیروی از حق سبب نزول نعمات الهی بالای انسان ها میشود.
- 9- اعراض و روی گردانی از دین و عدم استقامت به آن سبب دچار شدن انسان ها به سختی ها و مشکلات در دنیا و آخرت میشود.

²³⁵- ایسر التفاسیر، ج 5 ص 450

مقطع سوم: آیات (18-24)

ذکر بعض از مفاهیم وحی شده به رسول الله صلی الله علیه وسلم و بیان اصول

رسالت آن

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (18) وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (19) قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (20) قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا (21) قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (22) إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا (23) حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْخَرُونَ مِنْ أُضْعَفٍ نَاصِرًا وَقَقَلُّوا عَدَدًا. 236

ترجمه: مسجد ها مختص پرستش خدا است، و در آنها کسی را با خدا پرستش نکنید. (به من وحی شده است که) چون بنده خدا (محمد) بر پای ایستاد (و شروع به نماز و خواندن قرآن در آن کرد) و به پرستش خدا وند پرداخت، جنها پیرامون او تنگ یکدیگر ازدحام کردند. بگو: تنها پروردگارم را می پرستم و کسی را انباز او نمی کنم.

بگو: من نمی توانم هیچ گونه زبانی و سودی به شما برسانم، و به هیچ وجه نمی توانم گمراهتان سازم یا هدایتتان دهم.

بگو: (اگر من از خدا نافرمانی کنم) هیچ کس مرا در برابر (خشم) خدا پناه نمی دهد، و پناهگاهی (برای حفظ خود از عذاب خدا) جز خدا نمی یابم.

لیکن (تنها کاری که می توانم بکنم) تبلیغ از سوی خدا، و رساندن پیامهای او است. هر کس از خدا و پیغمبرش نافرمانی کند، نصیب او آتش دوزخ است و جاودانه در آن می ماند.

(کافران همواره به استهزا خود ادامه می دهند) تا زمانی که مشاهده خواهند کرد چیزی را که بدانان وعده داده شده است. آن گاه خواهند دانست که چه کس (از کافر و مؤمن) یاورانش ناتوانتر، و شماره و تعدادش کمتر است.

ارتباط این مقطع با مقطع قبلی:

در مقطع قبلی حکایت بعضی از اعمال جنیات در خلال ده آیه مورد بحث و بررسی قرار گرفت، در این مقطع جهت آگاهی جنیات به چگونگی وحی و اصول رسالت، بعضی از امور وحی شده به رسول الله صلی الله علیه وسلم، و اصول رسالت آنحضرت صلی الله علیه وسلم را در خلال هفت آیه بیان میدارد.

زیرا جن ها از جمله مخلوقات مکلف اند، وایمان داشتن به رسالت و پیامبری رسول الله صلی الله علیه وسلم و همه انبیا الهی، و هم چنان ایمان داشتن به اینکه به همه ای پیامبران الهی از جانب الله متعال وحی نازل میشود، یکی از مهمترین مکلفیت های مخلوقات مکلف بوده و از جمله ارکان هفت گانه مومن به میباشند. بناءً ایمان هیچ یک از انس و جن بدون ایمان داشتن به رسالت و نزول وحی قابل قبول نبوده و سبب نجات آنها نمیگردد.

از همین جهت در مقطع قبلی بعضی از اعمال جنیات بیان شد، و متعاقباً در این مقطع اشاره به مهمترین عمل نموده که ایمان به وحی و رسالت است.

سبب نزول آیه: **وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ ...**

وأخرج ابن جرير عن سعيد بن جبیر قال: قالت الجن للنبي صَلَّى اللهُ عليه وسلّم: كيف لنا أن نأتي المسجد، ونحن ناؤون عنك أي بعيدون عنك أو كيف نشهد الصلاة، ونحن ناؤون عنك، فنزلت: **(وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ)**²³⁷

ترجمه: ابن جریر²³⁸ از سعید بن جبیر روایت کرده است: گروهی از اجنه به نبی کریم – صلی الله علیه وسلم – گفتند: چگونه در کنار تو به مسجدت نماز بخوانیم، در حالی که از تو دور ایم. پس آیه **(وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ.....)** نازل گردید.

تفسیر اجمالی:

یکی از مضامین وحی شده این است که سجده نمودن تنها حق الله متعال است، و جایز نیست که بعضی از سجده ها برای خدا و بعضی دیگر برای غیر خدا باشند، چنان که مشرکان میکردند. پس کسی را با خدا شریک نسازید، (در این مضمون نیز تقریری برای توحید است)

237- الطبری، ج 23 ص 665

238- ابن جریر طبری، محمد بن جریر بن یزید بن غالب. مورخ، در أمل طبرستان متولد گردیده است و در بغداد وطن گزید و در آنجا دفن گردیده است، به ایشان قضا پیشنهاد شد اما از قبولیت آن اجتناب ورزید، مشهورترین کتب آن، تفسیر جامع البیان عن تاویل آی القرآن که مشهور بین علما به تفسیر طبری است میباشد، و او را پدر تفسیر و تاریخ نیز میگویند، چون در تاریخ کتب بزرگی دارد که آنرا تاریخ الامم والملوک نام گذاشته است، و هم چنان تهذیب الآثار، اختلاف الفقها، التبصیر فی معالم الدین، سربح السنه از آثار آن اند. الاعلام للزرکلی ج 6 ص 69

واز جمله مضامین وحی شده یکی آن است که وقتی بنده خاص خدا (که مراد از آن رسول الله صلی الله علیه وسلم است) برای عبادت خدا برمی خیزد، پس آنها (کفار) بر او هجوم می آورند (همه بنا بر تعجب و عداوت، به سوی او می نگرند، گویا اکنون می خواهند، جهت حمله بر او، هجوم برند، این نیز تکلمه و تتمه ای از توحید است، زیرا مشرکین را مورد مذمت قرار می دهد، که با توحید عداوت و نفرت داشتند، سپس جهت پاسخ به این تعجب و عداوت، برای آن جناب صلی الله علیه وسلم رهنمون شد که با آنها چنین بگو، که من فقط خدا را عبادت میکنم و کسی را شریک او قرار نمی دهم، (پس این امری تعجب آور و دشمنی نیست، همه این مطالب تا این جا به توحید تعلق داشتند، سپس در خصوص رسالت مضمونی خواهد آمد که این رانیز) بگو که من اختیاری ندارم تا به شما ضرر و یا منفعتی برسانم، (آنچه که شما تقاضا می کنید، مبنی بر این که اگر تو رسول خدا صلی الله علیه وسلم هستی بر ما عذاب نازل بفرما، جوابش این است که آن در اختیار من نیست، و نیز آنچه را میگویند، که در صورتی رسالت ترا قبول داریم که در مضامین توحید و قرآن تبیدیل و تغیری بیآور، پس در جواب آن) بگو که (اگر خدا ناخواسته من چنین بکنم) کسی نمی تواند مرا از (غضب) خدا نجات دهد، و من پناهی جز او نخواهم یافت، (مقصود این که نه نجات دهنده ای برایم وجود داشته و نه با تلاش من پیدا میشود) چنین اقوال در خصوص استعجال عذاب، استبدال قرآن و دین از طرف کفار در موارد متعددی در از قرآن مجید ذکر شده است، و در آیه فوق الذکر **(لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا)** اختیار نفع و ضرر را نفی نمود، سپس منصب رسالت را اثبات می فرماید، که مالک نفع و ضرر بودن لازمه نبوت نیست و این منفی است، ولی وظیفه من ابلاغ از جانب خدا و ادای رسالت او است، و سپس در خصوص توحید و نبوت مطلبی می آید که هرکسی که تحت فرمان خدا و رسولش نباشد یقیناً آتش دوزخ در انتظار آنها است، که برای همیشه در آنجا خواهند ماند، (اما فعلا کفار از چنین مضامینی متأثر نمی شوند، بلکه بر عکس مسلمانان را حقیر و ذلیل پنداشته و می گویند: **(أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا)** 239 و از جهالت خویش باز نمی آیند) و تا آن زمان در نمیابند که چیزی را که به آنها وعده داده شده است ببینند سپس خواهند دانست که حامیان چه کسی ضعیف هستند، و گروه چه کسی کم تر است، (وضع کفار به گونه ای است که کسی به درد آنها نمی خورد، پس مراد از جماعت، جماعت فرمان بردار است، در **(نَاصِرًا)** نافع اعلی و در **(عَدَدًا)** نافع ادنی نفی شده است. 240

239- سوره مریم آیه [73]
240- معارف القرآن ج 14 ص 225- 226

مساجد شامل همه اماکن پاکیزه است زیرا زمین همه اش سجده گاه می باشد و این قول حسن بصری - رحمه الله - است چنان که در حدیث آمده است: **عَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا»**²⁴¹

ترجمه: از حضرت جابر رضی الله تعالی عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: زمین برایم سجده گاه و پاک گردانیده شده است.

گوی خدانود جل جلاله فرمود: همه زمین مخلوق ماست پس برآن برای غیر آفریننده اش سجده نکنید (پس هیچ کس را با الله نخواهید) یعنی: در مساجد از غیر الله - جل جلاله - یاری نخواهید زیرا مساجد مخصوص خدانود - جل جلاله - و عبادت اوست. البته امر به توحید و یکتا پرستی در مساجد به معنی آن نیست که یگانه پرستی در غیر مساجد مطلوب نباشد بلکه این دستور برای روشن کردن این حقیقت است که پایبندی به توحید و یگانه پرستی در مساجد مؤکد است لذا این آیه درس بزرگی است برای کسانی که با حق تعالی دیگران را نیز در مساجد می خوانند، که امروزه مساجد مسلمان دچار این آفت گردیده است.

صاحب تفسیر انوار القرآن به نقل از حسن بصری - رحمه الله - چنین می گوید: (از سنت است که چون انسان وارد مسجد می شود (لااله الاالله) بگوید زیرا فرموده حق تعالی: **(فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا)** امری ضمنی به ذکر و خواندنش نیز هست.)²⁴²

²⁴¹- البخاري ، باب قول النبي صلى الله عليه وسلم (جعلت لي الارض مسجدا وطهورا)، ج 1 ص 168 ، ح 427 .

²⁴²- انوار القرآن، ج 6 ، ص 415 ، 416

موضوعات شامل این مقطع:

آیات این مقطع موضوعات ذیل را شامل میشوند:

1- نهی از شرک:

آفت شرک و بیماری دوگانه پرستی میان جن ها نیز وجود داشته، برای شناخت الله و رهنمائی بسوی توحید و یکتا پرستی به رهنمودهای وحی ضرورت داشته اند، با استماع قرآن، الله را شناخته اند و به حقیقت توحید و شرک پی برده اند. اینکه پرورگارمان را بشناسیم و اقرار نماییم که آفریده ما و جهان هستی از نشانه های قدرت آن است، و یقین داشته باشیم که او جهان هستی و امور آن را با قدرت و نیروی بی پایا نش اداره می کند، و از همه ی مخلوقاتش خبر دارد و هر آنچه که اراده کند به وقوع می پیوندد و آنچه که نخواهد هر گز رخ نمیدهد. الله متعال می فرماید:

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ. 243

ترجمه: خدا به جز الله وجود ندارد و او زنده پایدار و جهان هستی را نگاه دار است. و او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی گیرد، و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد. از آن اوست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است (و در ملک کائنات، او را انبازی نیست). کیست آن که در پیش گاه او میانجیگری کند مگر به اجازه ی او؟ می داند آنچه را که در پیش روی مردمان است و آنچه را که در پشت سر آنان است (و مطلع برگزیده و حال و آینده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلا همه زمان ها و مکان ها در پیشگاه علم او یکسان است). مردمان چیزی از علم او فراچنگ نمی آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. (علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی پایان و بی کران او است). اریکه فرمانروایی او آسمانها و زمین را در بر گرفته است، و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست) و ویرا درمانده نمی سازد و او بلند مرتبه و سترگ است.

الله متعال به پیغمبرش محمد – صلی الله علیه وسلم – دستور می دهد که پروردگارش را ندا دهد، و به این حقیقت

243- سورت البقره آیه { 255 }

اقرار نموده و این گونه به مناجات پردازد الله متعال می فرماید: (اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ). 244

ترجمه: جز الله، إله نیست و او زنده (به خود) و متصرف (در کار و باری جهان) است.

در مورد مذمت ورد شرک آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد، از آن جمله میتوان این آیات را ذکر کرد:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا). 245

ترجمه: بیگمان خداوند شرک ورزیدن به خود را (از کسی) نمی آمرزد و بلکه پائین تر از آن را از هرکس که بخواهد (و صلاح بداند) می بخشد. هر که برای خدا انباز بگیرد، به راستی بسی گمراه گشته است (و خیلی از حق پرت شده است).

الله متعال می فرماید: (قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ 161). قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (162) لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ). 246

ترجمه: بگو: بی گمان پروردگارم (با وحی آسمانی و نشان دادن آیات قرآنی و گسترده جهانی) مرا به راه راست رهنمود کرده است. و آن دین راست و است و استور و پابرجا، یعنی دین ابراهیم است. همان کسی که حقگرا (واز آئینهای انحرافی محیط خود رویگردان) بود و از زمره مشرکان نبود.

بگو: نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خدا است که پروردگار جهانیان است (و این است که تنها خدا را پرستش می کنم و کارهای این جهان خود را در مسیر رضایت او می اندازم و بر بذل مال و جان در راه یزدان می کوشم و در این راه می میرم، تا حیاتم ذخیره ممانت شود) خدا را هیچ شریکی نیست، و به همین دستور داده شده ام، و من اولین مسلمان (در میان امت خود، و مخلص ترین فرد در میان همه انسانها برای خدا) هستم

و در جای دیگر در سوره یونس الله متعال می فرماید:

244- سوره ال عمران آیه {2}

245- سوره نساء آیه [116]

246- سوره الانعام آیه {161}

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكِّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ وَأَمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (104) وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ). 247.

ترجمه: بگو: ای مردمان! اگر درباره آئین من در شک و تردید هستید (بدانید که) من کسانی را که به جز خدا می پرستید نمی پرستم ، ولیکن الله ی را می پرستم که شما را می میراند (وبعد از مرگ شما را زنده می گرداند و به سزای خود می رساند) و به من دستور داده شده است که از زمره مؤمنان باشم (آنان که الله ایشان را از عذاب دوزخ می رهااند و به بهشت نائل می گرداند).

الله متعال در سوره اخلاص می فرماید:

(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (1) اللَّهُ الصَّمَدُ (2) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (3) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ) 248

ترجمه: بگو: الله یگانه یکتا است. الله سرور والای برآورنده امیدها و بر طرف کننده نیازمندیها است. نزاده است و زاده نشده است. و کسی همتا و همگون او نمی باشد. الله متعال می فرماید:

(سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ). 249

ترجمه: خداوندگار آسمانها و زمین و عرش (وتخت سلطنت مجموعه عالم هستی) پاک و منزّه از این توصیفهایی است که (درباره او) می کنند.

(وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ). 250

ترجمه: الله آن کسی است که در آسمان معبود است و در زمین معبود، و اوحکیم و علیم است.

(إِنَّ إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ) 251

ترجمه: قطعا معبود شما یکی است (نه بیشتر)

247 - سوره یونس آیه [104 - 105]

248 - سوره الاخلاص آیات [1 - 4]

249 - سوره الزخرف آیه [82]

250 - سوره الزخرف آیه [84]

251 - سوره الصافات آیه [4]

2- مساجد خاص جهت توجه به الله اند

که یکی از پیام ها قرآن به انس و جن این است که سجده گاه همه مختص برای الله بوده، و هیچ کسی را با الله شریک نسازد.

الله متعال می فرماید: (وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا).²⁵²

«مسجد ها مختص پرستش خدا است، و (در آنها) کسی را با خدا پرستش نکنید.» و کسی را در عبادت و دعا با الله شریک مگردانید، یعنی هیچ نوع عبادت را برای غیر الله انجام مدهید، درین آیه در میان دو مسئله ذیل جمع آوری نموده است که هیچگاه از یکدیگر جدا نمی شوند:

1- مساجد برای الله سبحانه است.

2- منع از عبادت غیر الله در مساجد.

چون متقاضی تخصیص مساجد برای الله تعالی، این است که در مساجد جز الله هیچکس باید عبادت نشود. اما اینکه مقصود از «المسجد» درین آیه چه چیز است، دو احتمال دارد:

اول: اینکه مراد از «المساجد» مکانهای نماز است، «قال الإمام ابن كثير: قال قتادة: كانت اليهود والنصارى إذا دخلوا كنائسهم وبيعهم، أشركوا بالله، فأمر الله نبيه والمؤمنين، أن يوحدوه وحده.»²⁵³

ترجمه: امام ابن کثیر از قتاده²⁵⁴ - رحمه الله- نقل کرده است: یهود و نصاری زمانی که به معابدشان داخل می شدند، با الله شریک قرار میدادند، پس الله تعالی به پیغمبرش دستور داد که تنها الله را به یگانگی پرستند.

صاحب تفسیر ازهرالبیان از حسن بصری نقل نموده است: که مراد از مساجد، همه اماکن است که در آن سجده صورت گیرد، برابر است که برای سجده آماده شده باشد یا نباشد، چرا که زمین همه برای این امت، مسجد است، پس مطلب آیه این است که زمین جای عبادت غیر الله نیست.

²⁵²- سوره الجن آیه [18]

²⁵³- تفسیر ابن کثیر، ج 7، ص 270

²⁵⁴- قتاده بن دعامة بن قتاده بن عزیز السدوسی، از جمله بزرگان تابعین به حساب آمده مفسر ومحدث عصر خویش بود. ایشان در سال (60هـ) به دنیا آمده ودر سال (117هـ) وفات نموده است. سیر اعلام النبلاء ج 5 ص 270.

دوم: اینکه مراد از «مساجد» اندامهای هفتگانه سجده است، در این صورت مطلب آیه چنین می شود: این اندامهای سجده از مواهب الله است که برای عبادت خود او است، شما اینها را در عبادت غیر الله به کار نگیرید. 255

و در مجموع مطلب آیه اینست که سجود و مواضع سجود و اندامها سجود همه از آن الله است، و این امور را جز در عبادت الله، در راه دیگری به کار نگیرید، چرا که سجده کردن برای غیر الله بزرگترین گناه است. 256

در فی ظلال القرآن چنین آمده است: (این آیه در هر دو حالت بیانگر این است که سجده ها یا جایگاه های سجده که مسجدها است - جز برای الله نیست. در این صورت است که توحید خالص و یگانه پرستی کامل صورت می پذیرد و بس. بدین هنگام سایه هرگونه سجده بردنی و پرستش نمودنی برای هر کسی، و برای هر ارزشی، و برای هر اعتباری، از میان می رود و محو می شود.

فضا می پاک و منحصر می گردد و محض بندگی و پرستش خالصانه الله می شود. دعاء که مصدر «لاتدعوا» است به معنی پرستش کردن یا به کمک طلبیدن دیگران با الله بدین شکلها صورت می گیرد: با الله جز الله را پرستش کردن به غیر الله پناه بردن و خود را در پناه کسی جز الله گرفتن .. دل به کسی جز الله دادن و کسی را جز الله در دل حاضر آوردن. اگر این آیه بیانگر گفته های جنیان باشد، تأکید سخنان پیشین ایشان است. 257

در اینکه منظور از مساجد چیست؟ نظریات مختلفی ارائه شده است، بعضی گفته اند: مراد از آن، کعبه است. بعضی گفته اند: مسجد الحرام است. بعضی آن را مسجد الحرام و مسجد الأقصى دانسته اند، و اشکالی که به این سه قول وارد است این است که کلمه مساجد جمع است، و با يك مسجد و دو مسجد منطبق نمی شود. بعضی دیگر گفته اند: همه حرم است. 258

معارف القرآن چنین ذکر کرده است: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا.» 259

255- ابن کثیر، ج 8 ص 244

256- همان مرجع.

257- فی ظلال القرآن، ج 6، ص 581

258- تفسیر کبیر، ج 16 ص 91 و تفسیر میزان، ج 20، ص 78

259- سوره الجن آیه [18]

«مساجد» جمع مسجد است، در اینجا می تواند معنای مشهور و معروف آن مراد باشد، یعنی عبادتگاه هایی که برای نماز وقف می گردد و به آنها مسجد گفته می شود، در این صورت معنای آیه این است که وقتی تمام مساجد فقط برای عبادت الله ساخته شده اند، پس به مساجد رفته از غیر الله کمک ویاری نطلبید، آن چنان که یهود و نصارا در عبادگاههای خود به این شرک مبتلا می گردند، حاصل آن پاک نگهداشتن مساجد از عقاید فاسد و اعمال باطل می باشد.

و نیز امکان دارد که مساجد جمع «مسجد» به فتح جیم باشد، که مصدر میمی به معنای سجده می آید، پس معنای آیه این که تمام سجده ها تنها مختص الله است، پس چون کس از غیر الله استعانت جوید، گویی او را سجده می کند، پس چون کسی از غیر الله اجتناب کنید.

به اجماع امت سجده برای غیر الله حرام است حتی بعضی از علماء، آن را کفر دانسته اند.²⁶⁰

چون مسجد یکی از اقدس ترین مکان ها در دین مقدس اسلام است، ایجاب می نماید نکات ذیل را در مورد مساجد بدانیم.

الف: تعریف مسجد

کلمه مسجد از باب سجد یسجد گرفته شده و جمع آن مساجد است به فتح جیم و بکسر آن هم خوانده میشود. و اگر به فتح جیم خوانده شود مراد از آن جای سجده و یا موضعی که در آن پیشانی را گذاشته میشود است، و اگر بکسر جیم خوانده شود در آن صورت معنی آن عبارت از مکان و یا جای مخصوصی میباشد که در آن جا نمازهای پنج گانه به جماعت اداگردد.

معمولاً در تلفظ کلمه مسجد بکسر جیم زیاد تر مورد استعمال دارد و هر زمانیکه مسجد گفته شود مراد از آن همان جای مخصوص است که مسلمانان برای ادای نمازهای پنجگانه به جماعت در آن جا حاضر میگردند و طاعت و عبادت خداوندی را به جای می آورند.²⁶¹

ب: فضایل مسجد

البته خواندن و ادای نماز در مسجد و بخصوص پشت امام در جماعت ثواب بیشتر نسبت به ادای آن به شکل منفردانه دارد و در بعضی از روایات فضیلت نماز با جماعت نسبت به نماز شخص منفرد 25 و یا 27 درجه بیشتر ذکر شده است.

²⁶⁰ - معارف القرآن، ج 8، ص 280

²⁶¹ - الصنعانی، محمد بن اسماعیل الامیر الکحلانی، (المتوفی: 1182 هـ) سبل السلام، ناشر: مکتبة مصطفى البابی الحلبي، الطبعة الرابعة 1379 هـ / 1960 م، ج 1 ص 152 باب المساجد.

ومعمولا جماعت در مسجد ادامیگردد و مسجد جای است که یکی از شعایر خدا در دنیای اسلام به شمار میرود و از این لحاظ احادیث متعدد در مورد فضیلت و برتری آن و برتری اجرای اعمال نیک در آن از رسول گرامی صلی الله علیه وسلم روایت گردیده است در ذیل چکیده آنرا تذکر میدهم پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین ارشاد می فرماید:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمْ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ الْإِمَامُ الْعَادِلُ وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ رَبِّهِ وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ فِي الْمَسَاجِدِ وَرَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ اجْتَمَعَا عَلَيْهِ وَتَفَرَّقَا عَلَيْهِ وَرَجُلٌ طَلَبْتُهُ امْرَأَةً ذَاتَ مَنْصِبٍ وَجَمَالٍ فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ أَخْفَى حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا تُنْفِقُ يَمِينُهُ وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ²⁶²

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا فرمودند: هفت گروه از مردم است که خداوند جل جلاله ایشان را در روزیکه به جازاسایه او سایه دیگری وجود ندارد زیرسایه خود جای میدهد:

- 1- امام و حاکمی که عادل باشد.
- 2 - جوانیکه ابتدا جوانی خود را به عبادت پروردگارش آغاز بخشیده باشد.
- 3- شخصیکه همیشه قلبش بطرف مسجد معلق باشد.
- 4- دو کسیکه از همدیگر بخاطر خدا محبت مینمایند، و این محبت شان باعث یکجاشدن شان و یاهم باعث فراق وجدائی شان گردد.
- 5- شخصیکه از اوزن صاحب جمال و صورتی تقاضای مجامعت و یکجاشدن را نماید ولی اواز ترس خدا آن عمل را انجام ندهد .
- 6- شخصیکه صدقه نماید و آنرا آنچنان مخفی انجام دهد که دست راستش از انفاق دست چپش خبر نشود.
- 7- شخصیکه آب دیده اش خالص برای ذکر خدا جاری میگردد.

در این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم کسانی را که قلب های شان معلق به مسجد باشند از جمله رستگاران در روز قیامت بر شمرده و به ایشان وعده جنت و سایه خدارا نموده است پس فهمیده شد که فضیلت و برتری مسجد چنان عالی و بلند است که شخصیکه شائق آن است

²⁶²- صحیح البخاری، باب من جلس فی المسجد ینتظر الصلوة وفضل المساجد. ج 2 ص 71، رقم، 660

اورا از مشکلات روز قیامت نجات میدهد و این بزرگترین برتری است که به علاقه مندان مسجد به سبب مسجد برای شان اعطا میگردد و در حدیث دیگری پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین میگوید:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَيَّ مَا أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مُصَلَّاهُ الَّذِي صَلَّى فِيهِ مَا لَمْ يُحَدِّثْ تَقُولُ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ اللَّهُمَّ ارْحَمَهُ. 263

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که به تحقیق رسول خدا فرمودند: ملائکه درود و دعا میفرستند بر هر یک از شما تا آن دمیکه درجای نماز خود قرار داشته و سخن نگفته باشید و ایشان این کلمات را تکرار مینمایند ای بارخدا یا این شخص را مورد آمرزش و مغفرت خود قرار بده و به او رحم بنما.

در این حدیث کسیکه در مسجد رفته نماز خود را ادا نماید تا آن دمیکه در مسجد است ملائکه ها بر او درود و مغفرت میفرستند و این بزرگترین دست آوردی است که برای شخصی که همیشه مسیرش بطرف مسجد و قلبش با مسجد گرایش جدی دارد.

در حدیث متذکره لفظ مصلی استعمال گردیده است و مصلی در زبان عربی جایی را گفته میشود که در آن جا نماز ادا کرده شود و معمولاً مسلمانان واقعی بدون ناغاه نمازهای خود را در مسجد به جماعت ادا مینمایند و به این فضیلت عالی شامل اند.

ج: آداب مسجد

علما در آداب مسجد پانزده چیز ذکر فرموده اند:

اول: اگر به هنگام ورود در مسجد کسانی را جلوتر نشسته در آن ببیند بر آنان سلام گوید و اگر کسی را در آن نیابد بگوید: «السلام علينا وعلي عباد الله الصالحين» اما این در صورتی است که حاضرین مسجد به نماز نفل و یا تلاوت و تسبیح و غیره مشغول نباشند و گرنه سلام گفتن بر آنها درست نیست.

دوم: به محض ورود به مسجد و قبل از نشستن دو رکعت نماز خواندن یکی از آداب مسجد و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم بوده که بنام (تحية المسجد) مسمی شده است.

263- صحيح البخاري، ج 1 ص 445، باب بنیان المسجد، رقم: 445

مسلمانان وقشر جامعه اسلامي به اين رحمت الهي شاکر و سپاسگذار بوده باشند که اوزاده اسلام است و در پرتو آئين اسلامي زندگي شبا روزي خود را سپري مينمايد، و همچنان جاي و مقام براي نيايش به دربار او تعالي دارد و قتيکه به چنين مقامي داخل ميشود بايد به ادای دورکعت نماز تحيه و تعظيم و احترام آنجا را بجا بياورد که اين يکي از ويژگي ها و خصلت هميشه گي براي بهترين عالم بود که ايشان وقتي به مسجد داخل ميشدند براي احترام و تعظيم مسجد دو رکعت نماز ميخواندند و همچنان در حديثي چنين ارشاد مي فرمايد: **عَنْ قَتَادَةَ بْنِ رَبِيعٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ الْمَسْجِدَ فَلَا يَجْلِسُ حَتَّى يُصَلِّيَ رَكَعَيْنِ.** 264

ترجمه: از حضرت قتاده رضي الله عنه روايت است که رسول خدا فرمودند: وقتيکه هر کدام شما داخل مسجد شديد قبل از نشستن دو رکعت نماز ادا نمايد.

ظاهر اين حديث دلالت بر واجب بودن ادای دو رکعت نماز بعد از دخول در مسجد ميکند ولي اکثر علما بر اين قول ميکنند که ادای تحية المسجد بعد از دخول در مسجد از مستحبات است پس براي ما مسلمانان ضروري و لازم است که وقتي داخل مسجد شدیم اگر امام در حالت خطبه خواندن نباشد و يا به تبليغ و وعظ و نصيحت به مردم مشغول نباشد و يا هم وقت اقامت براي نمازهاي فريضة نباشد بايد دو رکعت نماز تحية المسجد را ادا نماييم.

سوم: در مسجد خريد و فروش بجا نياورد.

چون مسجد جاي است که در آنجا نبايد عمل دنيوي اجرا کرد چرا که مساجد مخصوص براي اجرائي طاعات و عبادات خداوندي است، و اجرائي اعمال دنيوي چون خريد و فروش در آن درست نيست و در مورد پيامبر (صلي الله عليه وسلم) روشني انداخته و در حديثي چنين ارشاد مي فرمايد: **« وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : إِذَا رَأَيْتُمْ مَنْ يَبِيعُ، أَوْ يَبْتَاعُ فِي الْمَسْجِدِ فَقُولُوا لَهُ: لَا أَرْبَحَ اللَّهُ تِجَارَتَكَ. »** 265

ترجمه: وقتيکه شما مي بينيد کسي را که در داخل مسجد خريد و فروش ميکند پس براي بگوئيد که خدا تجارت ترا فايده مند نسازد، اين حديث را امام ترمذي روايت کرده و آنرا از جمله احاديث حسن شماريده است. و اين گفتار (خداوند جل جلا له به تجارت تو نفع نرساند) را بايد شخص گوينده به جانب مقابل به صدای بلند بگويد تا اينکه اين گفتار يک نوع زجروتنه براي فاعل اين معامله بوده باشد علت و حکمت براي اين نوع منع (انجام ندادن

264- صحيح البخاري، كتاب الصلاة، باب اذا دخل احدكم المسجد فليركع ركعتين. شماره حديث: 433. ص: 165
265- سنن الترمذي، كتاب البيوع، باب النهي عن البيع في المسجد، ص: 394 شماره حديث: 1321

خرید و فروش در داخل مسجد) این است که مساجد برای فعالیت های دنیوی بنا نشده است. و نزد بعضی از علما اتفاقاً بعضی از فعالیت های دنیوی نیز به داخل مسجد انجام داده میشود.

چهارم: در آن شمشیرتیز از غلاف بیرون نیاورد.

پنجم: برای تلاش گم شده خود در مسجد اعلان نکند زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: **وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنْشُدُ ضَالَّةً فِي الْمَسْجِدِ فَلْيُقِلْ : لَا رَدَّهَا اللَّهُ عَلَيْكَ ، فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لَمْ تُبْنَ لِهَذَا.** 266

ترجمه: از ابی هریره رضی الله تعالی عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: هرکس از صدای از مردی بشنود که چیزی گم شده ای را در مسجد میخواند، بگوید: الله آن را به شما باز نمی گرداند، زیرا مساجد برای این کار ساخته نشده اند.

ششم: در مسجد صدا بلند نکند.

هفتم: در آن به سخن دنیوی مشغول نشود.

هشتم: در مسجد برای جای نشستن با کسی نزاع نکند.

نهم: در صف وقتی گشادگی نباشد داخل شده بر مردم فشار نیاورد.

دهم: جلو نمازگذار عبور نکند.

یازدهم: از انداختن آب بینی و دهن در مسجد پرهیز کند.

از نظر آیین و مقررات اسلامی و بنا به فرموده های رسول الله (صلي الله عليه وسلم) در احادیث مبارکه اجراء و عملی نمودن چنین عمل در مساجد ناجایز بوده و احادیث نبوی (صلي الله عليه وسلم) این عمل را منع قرار داده است چنانچه پیامبر (صلي الله عليه وسلم) می فرماید: **عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- «الْبُرَاقُ فِي الْمَسْجِدِ خَطِيئَةٌ وَكَفَّارَتُهَا دَفْنُهَا».** 267

ترجمه: از حضرت انس ابن مالک روایت است رسول خدا (صلي الله عليه وسلم) فرمودند انداختن آب دهن یعنی تف نمودن در مسجد گناه است و جیبیره آن دفن آن است. معنای حدیث متذکره به این صراحت و دلالت دارد که تف نمودن و انداختن آب دهن چه شخص

266- مسلم، ج 1 ص 397 شماره 568.

267- صحیح البخاری، کتاب الصلوات، باب کفاره البراق فی المسجد ج 1 ص 156 ، رقم 405

درحالت ادای نماز در مسجد باشد و چه درحالت انتظار و بیرون از نماز قرار داشته باشد در هر دو حالت نیز گناه است.

اگر شخصی بدون فکر و یا با فکر در یک گوشه از مسجد تف مینماید باید آن اثر باقی مانده تف خود را دفن نماید البته این کار در مساجد عصر امروزی که کاملاً فرش آن از مواد سخت شونده یا سمنت و یا هم کاشی کاری شده مشکل است بناً اگر ضرورتاً این کار برایش پیش شد باید توسط دستمال و یا یک چیز دیگر جذب کنند ه اثر آنرا پاک و صاف نماید.

خلاصه در هر حالت از احوال باید شخص داخل شونده به مسجد کوشش نماید که این چنین کار از او سر نزنند و اگر ضرورتی هم برایش پیش شد از مسجد براید و رفع حاجت نماید و دوباره داخل مسجد گردد این همه اعمال بخاطر این است که تعظیم و احترام مساجد و خانه های خدا بالای همه ما واجب و ضروری است.

دوازدهم: انگشتان خود را به صدا در نیاورد.

سیزدهم: با هیچ قسمت از بدن خود بازی نکند.

چهاردهم: از نجاسات پاک و صاف نگهداشته شود، و در آن به کثرت به ذکر الله تبارک و تعالی مشغول بوده باشد.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده اند: وَعَنْ أَنَسٍ: بَيْنَمَا نَحْنُ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذْ جَاءَ أَعْرَابِي فَقَامَ يَبُولُ فِي الْمَسْجِدِ فَقَالَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَهْ ، مَهْ . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " لَا تُزْرِمُوهُ ، دَعُوهُ " فَتَرَكَوهُ حَتَّى بَالَ ، ثُمَّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَعَاهُ فَقَالَ لَهُ: " إِنَّ هَذِهِ الْمَسَاجِدَ لَا تَصْلِحُ لشيءٍ مِنْ هَذَا الْبَوْلِ وَلَا الْفَدْرِ، إِنَّمَا هِيَ لِذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالصَّلَاةِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ " أَوْ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَأَمَرَ رَجُلًا مِنَ الْقَوْمِ فَجَاءَ بِدَلْوٍ مِنْ مَاءٍ فَشَنَّهُ عَلَيْهِ. 268

ترجمه: از انس بن مالک رضی الله روایت است که رسول الله صلی الله علیه فرمودند: همراه با رسول الله صلی الله علیه در مسجد نشسته بودیم، در آن هنگام بادیه نشین داخل مسجد شده و در مسجد بول نمود، اصحاب خواستند مانع آن شوند، در آن هنگام رسول الله صلی الله علیه و سلم به اصحاب خویش فرمود: بگذارید و مانع آن نشوید، آن ها (اعرابی گذاشتند) تا بول

نماید، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم اعرابی را نزد خویش خواسته و فرمود: این مکان مساجد الله متعال اند، و جای برای نجاسات و بول نیست، بلکه این برای ذکر الله متعال و نماز خواند و تلاوت قرآن کریم است، سپس آنحضرت صلی الله علیه وسلم به یک مردی از فرمود: (تا دلو آبی آورد و در آن مکان بریزد) و آن چنین نمود.

کسیکه این آداب را بجا بیاورد اوحق مسجد را ادا کرده است و مسجد برای او مورد امان و ی قرار گرفته است.²⁶⁹

تا این قسمت بحث روی مساجد بود که در حد لزوم به آن پرداخته شد، و بعد از این روی موضوعات دیگری بحث صورت میگیرد.

وحی درباره اجتماعی که در اطراف پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - صورت گرفته بود:

الله متعال می فرماید: «وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا»²⁷⁰

ترجمه: (به من وحی شده است که) چون بنده خدا (محمد) بر پای ایستاد (و شروع به نماز و خواندن قرآن در آن کرد) و به پرستش خدا وند پرداخت، جنها پیرامون او تنگ یکدیگر ازدحام کردند.) و از شدت ازدحام به هم چسبیده بودند .

مقصود از (عبدالله) پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - است که به غرض تکریم از ایشان به (عبدالله) یاد شده است .

در باره اینکه مقصود از اجتماع و ازدحام بر اطراف پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - اجتماع چه کسانی است ، چند قول است:

قول اول: اینست که مراد از آن اجتماع جنیات در «وادی نخله» است زمانی که آنها قرائت پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - را در نماز شنیدند ، به غرض شنیدن قرآن کریم ، بر اطراف پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - همه جمع شدند ، و معنی آیه درین صورت چنین است : « هرگاه بنده الله ایستاد شد که او را عبادت میکرد ، نزدیک بود که جنیان در اطراف او (بر هم) چسبند » و علت این اجتماع دو چیز بوده :

1- آنها پیش از آن چنین عبادت را ندیده بودند.

²⁶⁹- معارف القرآن، ج 6 ص 157

²⁷⁰- سورة الجن، آیه [19]

2- قرائت قرآن را همراه با چنین آواز دل انگیز و قصه های شگفت آور از احوال دنیا و آخرت را پیش ازین هرگز نشنیده بودند.

قول دوم: اینکه مراد از اجتماع درین آیه، اجتماع صحابه کرام برای ادای نماز همراه با پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - است، و این آیه حکایت سخنان داعیان جن است که آنها زمانی که پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - را با صحابه دیدند که نماز میخوانند، و صحابه به رکوع پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - رکوع میکنند، و با سجده اش، سجده میکنند، از دیدن و مشاهده این حالت آنها، در شگفت شده آنرا برای قوم خود حکایت نمودند.

قول سوم: اینکه مقصود ازین اجتماع، اجتماع مشرکان است، زمانی که پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - به پا خواسته مردم را بسوی کلمه توحید دعوت میداد مشرکان از روی خشم و غضب و به قصد اذیت، در اطراف پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - جمع شدند، تا برای نابود ساختن حقی که پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - با خود آورده بود، دست به کار شوند، و نورالهی را خاموش سازند، اما الله تعالی این هدف آنان را ناکام و خنثی ساخت.²⁷¹

همین قول اخیر، قول حسن بصری و قتاده، - رحمهم الله - است، و همین قول را امام طبری - رحمه الله - اختیار نموده و ابن کثیر - رحمه الله - نیز آنرا ترجیح داده است.²⁷²

اعلان توحید و برائت از شرک:

الله متعال می فرماید: (قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا)²⁷³

ترجمه: بگو: تنها پروردگارم را می پرستم و کسی را انباز او نمی کنم.

بنا بر این توحید مقام والایی دارد و خطر بزرک شرک را از بین می برد، انسان مسلمان باید به دقت آن را شناسایی کند و خود را از شرک نجات دهد.

چنانچه عبد الله بن مسعود بیان نموده است: «شرک از خزیدن مورچه نیز پوشیده تر و پنهان تر است.»²⁷⁴

²⁷¹- طبری، ج 23 ص 668

²⁷²- همان مرجع

²⁷³- سوره مبارکه جن آیه [20]

²⁷⁴- جهت مطالعه متن عربی حدیث مراجعه شود به المعجم الکبیر، ج 19 ص 40 شماره 1567. وهم چنان دکتر عمر سلیمان اشقر نیز این حدیث را در کتاب ذیل خویش آورده است، توحید محور زندگی، ترجمه، گروه فرهنگی انتشارات حرمین، نوبت انتشار، اول دیجیتالی، تاریخ انتشار، 1394 شمسی، 1436 هجری، ص 31

انجام هر عبادتی که برای الله است به او اختصاص دارد ولی به کسی دیگر اختصاص داده شود آن را شرک گویند.²⁷⁵

در صحیحین از رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - روایت شده است: «أكبر الكبائر الإِشْرَاقُ بِاللَّهِ»²⁷⁶

بزرگترین گناهان شرک آوردن به الله است.

شرک آوردن به الله از بزرگترین گناهان است، الله متعال از زبان لقمان الحکیم به پسرش می فرماید: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»²⁷⁷

ترجمه: (یاد آور شو) زمانی راکه لقمان به پسرش گفت - حالی که او را پند می داد - پسر عزیزم! (چیزی و کسی را) انباز الله مکن، واقعا شرک ستم بزرگی است.

پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - کلمه ظلم را شرک تفسیر نموده و به این آیه استدلال نمودند

«إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» ترجمه: به راستی که شرک ظلم بزرگی است.

در حدیث از رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - پرسیده شد: «سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ الذَّنْبِ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ؟ قَالَ أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نداً وَهُوَ خَلْقَكَ»²⁷⁸

بزرگترین گناهان چیست؟ آنحضرت- صلی الله علیه وسلم - فرمود: اینکه برای الله شریک و همتائی قائل شوی در حالیکه او تو را آفریده است.

الله متعال در جای می فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»²⁷⁹

ترجمه: کسانی که ایمان آورده باشند و ایمان خود را با شرک (پرستش چیزی با الله) نیامیخته باشند، امن و امان ایشان را سزا است، و آنان راه یافتگان (راه حق و حقیقت) هستند.

²⁷⁵- سوره الجن آیه [20]

²⁷⁶- متفق علیه. بخاری، ج 15 ص 140 شماره 5976، مسلم، ج 1 ص 91 شماره 87

²⁷⁷- سوره لقمان آیه [13]

²⁷⁸- صحیح مسلم، 37 باب کون الشکر اقبح الذنوب و بیان، جز 1، ص 90.

²⁷⁹- سوره الانعام آیه [82]

در جای دیگر چنین می فرماید: «... أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»²⁸⁰

ترجمه: که معبود شما یکی است و بس. پس هر کس که خواهان دیدار الله خویش است، باید که کار شایسته کند، و در پرستش پروردگارش هیچ کسی را شریک نسازد.

نفی مالکیت از پیامبر صلی الله علیه وسلم

پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - به مردم این را اعلان می کند که من صاحب نفع و ضرر بر شما نیستم. الله متعال می فرماید: «قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا»²⁸¹

ترجمه: بگو: من نمی توانم هیچ گونه زیانی و سودی به شما برسانم، و به هیچ وجه نمی توانم گمراهتان سازم یا هدایتتان دهم.

این سخن آنها درست مثل سخن مشرکین می باشد. الله متعال در مورد مشرکین چنین می فرماید: «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَنْتَبِتُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»²⁸²

ترجمه: اینان غیر از الله، چیزهایی را می پرستند که نه بدیشان زیان می رسانند و نه سودی عائد شان می سازند، و می گویند: اینها میانجیهای ما در نزد الله اند. (و در آخرت رستگار مان می نمایند!) بگو: آیا الله را از وجود چیزهایی (به نام بتان و انبازهای یزدان) باخبر می سازید که الله در آسمانها و زمین سراغی از آنها ندارد؟ (مگر شما بتها را نماینده الله نمی دانید؟ آیا ممکن است الله اگر نماینده ای می داشت از بودن آن بی خبر می گشت، ولی شما باخبر از آن می شدید؟! الله منزله (از هرگونه انبازی) و فراتر از آن چیزهایی است که مشرکان انبازشان می دانند.

الله متعال در جای دیگری می فرماید:

«قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ رَعَيْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا (56) أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ»²⁸³ «.....»

²⁸⁰- سوره الكهف آیه [110]

²⁸¹- سوره الجن آیه [21]

²⁸²- سوره يونس آیه [18]

²⁸³- سوره الاسره آیه [56 - 57]

ترجمه: (ای پیغمبر! به مشرکان) بگو: کسانی را که به جز الله (شایسته پرستش) می پندارید (به هنگام بلا، به کمک) بخوانید، اما (خواهید دید که) نه توانایی دفع زیان و رفع بلا از شما را دارند، و نه می توانند آن را دگرگون سازند (وناخوشیها را به خوشیها تبدیل کنند و یا این که از اندوه دردها بکاهند).

در جای دیگر می فرماید:

«قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ»²⁸⁴

ترجمه: بگو: من مالک سودی و زیانی برای خود نیستم، مگر آن مقداری که الله بخواهد.

تعریف و مسؤلیت های رسالت:

یکی از ارکان مهم عقیده اسلامی ایمان به تمام رسول و انبیاء علیهم السلام است و ایمان آوردن به تمام آن چیزیکه آورده است.

الله متعال پیامبران را برای دعوت به مردم خود ونهی آنها از شریک قائل شدن به او فرستاده است.

الف: تعریف رسالت

فی اللغة: فالرسول هو الذي يتابع أخبار الذي بعثه.²⁸⁵

ترجمه: رسول کسی است که اخبار فرستنده را پیگیری میکند.

و در اصطلاح شریعت: تکلیف الله نبياً من أنبيائه بتلغ شريعته للناس.²⁸⁶

ترجمه: مکلف نمودن نبی از انبیای الهی جهت تبلیغ شریعت الله به انسان ها.

²⁸⁴- سوره الاعراف آیه [188]

²⁸⁵- حینکه الميدانی، عبدالرحمن حسن، الفعیده الاسلامیة واسسها، ص 298، دارالقلم دمشق بیروت.

²⁸⁶- همان مرجع.

الله متعال جهت تبلیغ رسالت خویش بهترین و کاملترین بندگان خودش را بر گزیده است، چه از جهت تندرستی و چه از جهت اخلاق و رفتار، و آنانرا از گناهان کبیره معصوم قرار داده و از هر گونه عیب و نقصی دور داشته است، تا اینکه وحی الهی را به امت هایشان برسانند، و به اتفاق امت آنان در تبلیغ رسالت الهی معصوم هستند.

ب: وظایف رسول

الله متعال جهت پیش برد امور رسالت و هدایت بندگانش پیامبران فرستاده و وظایف ذیل را به دوش آنها نهاده است.

1- تبلیغ شریعت ربانی:

پیامبران سفیران الله متعال بسوی بندگان و حاملان وحی اند و نخستین کار مهم شان، رساندن امانتی بود که بسوی بندگان الله متعال حمل می کردند.

الله متعال در مورد چنین می فرماید: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ»²⁸⁷

ترجمه: من احکام و اوامر پروردگار خود را به شما می رسانم و اندرزگوی امینی برای شما هستم.

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رَسُولَاتَهُ وَاللَّهُ يَعَصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»²⁸⁸

ترجمه: ای فرستاده الله (محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم!) هر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است (به تمام و کمال و بدون هیچ گونه خوف و هراسی، به مردم برسان (و آنان را بدان دعوت کن)، و اگر چنین نکنی، رسالت الله را (به مردم نرسانده ای (و ایشان را بدان فرخوانده ای. چرا که تبلیغ جمیع اوامر و احکام بر عهده تو است، و کتمان جزء از جانب تو، کتمان کل بشمار است). والله تورا از (خطرات احتمالی کافران و اذیت و آزار) مردمان محفوظ می دارد (زیرا سنت الله بر این جاری است که باطل بر حق پیروز نمی شود.) و الله گروه کافران (ومشرکانی را که در صدد اذیت و آزار تو بر می آیند و می خواهند برابر خواست آنان دین الله را تبلیغ کنی، موفق نمی گرداند و به راه راست ایشان) را هدایت نمی نماید.

²⁸⁷- سوره اعراف آیه [27]

²⁸⁸- سوره المائده آیه [67]

الله متعال در جای دیگر می فرماید: «إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا»²⁸⁹

ترجمه: «لیکن (تنها کاری که می توانم بکنم) تبلیغ از سوی خدا، و رساندن پیامهای
اوست. هرکس از خدا و پیغمبرش نافرمانی کند، نصیب او آتش دوزخ است و جاودانه در آن
می ماند.»

الله متعال در جای دیگر می فرماید: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ
أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا»²⁹⁰

ترجمه: (پیغمبران پیشین، یعنی آن) کسانی که (برنامه ها و) رسالتهای الله را (به مردم
می رساندند، و از او می ترسیدند و از کسی جز الله نمی ترسیدند، و همین بس الله
حسابگر(زحمات و پاداش دهنده اعمال آنان) باشد.

وقتی مردم به جای اجابت، از قبول دعوت پیامبران روی گردان می شدند، پیامبران بر
ابلاغ مبین بسنده می کردند.

الله متعال می فرماید: «وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ»²⁹¹

ترجمه: و اگر سرپیچی کنند (نگران مباش) زیرا (بر تو فقط ابلاغ) رسالت واجب است
والله متعال بینا به اعمال و عقائد بندگان است.

2- دعوت مردم به سوی الله متعال:

وظایف و مأموریت مهم پیامبران، تنها با بیان حق و ابلاغ آن اتمام نمی شود، بلکه باید مردم
را به قبول و پذیرش آن فراخوانند.

الله متعال می فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ
فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُكَذِّبِينَ»²⁹²

²⁸⁹- سوره الجن آیه [23]
²⁹⁰- سوره الاحزاب آیه [39]
²⁹¹- سوره ال عمران آیه [20]
²⁹²- سوره النحل آیه [36]

ترجمه: ما به میان هر ملتی، پیغمبری فرستاده ایم (و محتوای دعوت همه پیغمبران این بوده است) که الله متعال را بپرسید و از طاغوت (شیطان، بت ها، ستمگران، و غیره) دوری کنید.

مثالی که نقش پیامبران را توضیح میدهد:

فرشتگان مثالی را برای رسول الله صلی الله علیه وسلم زدند که نقش او را توضیح و وظیفه اش را تبیین میکند، در حدیثی به روایت بخاری و ترمذی آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: **عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ يَوْمًا فَقَالَ: إِنِّي رَأَيْتُ فِي الْمَنَامِ كَأَنَّ جِبْرِيْلَ عِنْدَ رَأْسِي وَمِيكَائِيلَ عِنْدَ رِجْلِي، يَقُولُ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ: اضْرِبْ لَهُ مِثْلًا. فَقَالَ: اسْمَعِ سَمِعْتَ أذُنَكَ، وَاعْقِلْ عَقْلَ قَلْبِكَ، إِنَّمَا مِثْلُكَ وَمِثْلُ أُمَّتِكَ كَمِثْلِ مَلِكٍ اتَّخَذَ دَارًا ثُمَّ بَنَى فِيهَا بَيْتًا ثُمَّ جَعَلَ فِيهَا مَائِدَةً ثُمَّ بَعَثَ رَسُولًا يَدْعُو النَّاسَ إِلَى طَعَامِهِ، فَمِنْهُمْ مَنْ أَجَابَ الرَّسُولَ وَمِنْهُمْ مَنْ تَرَكَهُ، فَاللَّهُ هُوَ الْمَلِكُ، وَالِدَارُ الْإِسْلَامُ، وَالْبَيْتُ الْجَنَّةُ، وَأَنْتَ يَا مُحَمَّدُ رَسُولٌ مِنْ أَجَابِكَ دَخَلَ الْإِسْلَامَ وَمَنْ دَخَلَ الْإِسْلَامَ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ دَخَلَ الْجَنَّةَ أَكَلَ مِنْهَا فِيهَا.** 293

ترجمه: از جابر بن عبدالله الانصاری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم روزی بالای ما خارج شده و فرمود: در خواب دیدم که جبرئیل در سمت سرم بود و میکائیل هم نزد پاهایم قرار داشت، یکی با دیگری گفت: مثالی را برایش بیاور، گفت: بشنو که گوش تو شنوا است و فهم کن که قلبت درک میکند، مثل تو و امتت مانند پادشاهی است که خانه ای بنا میکند و در داخل آن اطاقی درست میکند و درون اطاق سفره ای می گستراند، سپس کسی را برای فراخواندن مردم، برای حضور بر آن سفره می فرستد، برخی دعوتش را اجابت کرده و برخی نمی پذیرند. در این مثال آن پادشاه، الله متعال، و آن خانه، اسلام و اطاق، بهشت است، و تو ای محمد صلی الله علیه وسلم یک دعوت گر هستی، هر که دعوتت را پذیرفت، وارد اسلام میشود و هر کس وارد اسلام شد، وارد بهشت هم میشود و هر که وارد بهشت شود، از هر خوراکی که آنجا باشد، میخورد.

293- العینی، أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسین الغیبائی الحنفی بدر الدین (المتوفی: 855هـ) عمدة القاری شرح صحیح البخاری. الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، باب الاقتداء بسنن رسول الله صلی الله علیه وسلم، ج 25 ص 28 شماره حدیث، 7281

3- تبشیر و انذار:

دعوت پیامبران همیشه همپای بشارت و بیم دادن بوده است، و از آنجا که ارتباط بین دعوت بسوی الله متعال و تبشیر و انذار بسیار استوار است الله متعال در چندین آیه وظیفه ی رسولان را به بشارت و بیم دادن منحصر کرده است.²⁹⁴

الله متعال فرموده است: (إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ)²⁹⁵

ترجمه: ما تو را همراه با حقائق یقینی فرستادیم تا مژده رسان (مؤمنان) و بیم دهنده (کافران) باشی. و از تو درباره (عدم ایمان) دوزخیان پرسیده نمی شود (بلکه بر رسولان پیام باشد و بس).

الله متعال در مورد وظیفه رسول چنین فرموده است: (يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فِتْرَةِ مَنِ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)²⁹⁶

ترجمه: ای اهل کتاب! پیغمبر ما (محمد) به سوی شما آمده است و به دنبال انقطاع مدت زمانی که میان پیغمبران بوده است، (حقائق را دیگر باره) بیان می کند، تا این که (در روز رستاخیز) نگوئید: مژده دهنده و بیم دهنده ای (از پیغمبران) به سوی ما نیامده است (تا فرمان خدا را به ما برسانند. هم اینک پیغمبر) مژده دهنده و بیم دهنده ای (محمد نام) به سوی شما آمده است (و عذری برای شما نمانده است). و خداوند بر همه چیز توانا است.

الله متعال در سوره سبأ چنین فرموده است: (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ)²⁹⁷

ترجمه: ما تو را برای جملگی مردمان فرستاده ایم تا مژده رسان (مؤمنان به سعادت ابدی) و بیم دهنده (کافران به شقاوت سرمدی) باشی، ولیکن اکثر مردم (از این معنی) بی خبرند (و همگانی بودن نبوت تو را باور نمی دارند).

الله متعال در سوره کهف می فرماید: «وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا»²⁹⁸

294- العقيدة الإسلامية وأسسها ، ص 310

295- سوره بقره آیه [119]

296- سوره مائده آیه [19]

297- سوره سبأ آیه [28]

298- سوره کهف آیه [56]

ترجمه: (وظیفه پیغمبران تنها مژده دادن و بیم دادن است) و ما پیغمبران را جز به عنوان مژده رسان و بیم رسان نمی فرستیم. همواره کافران بیهوده به جدال می پردازند تا با جدال حق را (از میدان به در کنند و آن را) از میان ببرند. آنان آیات (قرآنی) مرا و چیزی را که از آن بیم داده شده اند (که مکافات دنیوی و اخروی است، به باد) استهزاء می گیرند.

عَنْ أَبِي مُوسَى عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: "إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُ مَا بَعَثَنِي اللَّهُ بِهِ، كَمَثَلِ رَجُلٍ أَتَى قَوْمًا، فَقَالَ: يَا قَوْمِ! إِنِّي رَأَيْتُ الْجَيْشَ بَعِينِي، وَإِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْعَرِيَانُ، فَالْنَجَاءُ النِّجَاءُ فَأَطَاعَهُ طَائِفَةٌ مِنْ قَوْمِهِ فَأَدْلَجُوا، فَأَنْطَلَقُوا عَلَى مَهْلِهِمْ فَجَنَوْا، وَكَذَّبَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ فَأَصْبَحُوا مَكَانَهُمْ، فَصَبَّحَهُمُ الْجَيْشُ فَأَهْلَكَهُمْ وَاجْتَاَحَهُمْ، فَذَلِكَ مَثَلُ مَنْ أَطَاعَنِي فَاتَّبَعَ مَا جِئْتُ بِهِ، وَمَثَلُ مَنْ عَصَانِي وَكَذَّبَ بِمَا جِئْتُ بِهِ مِنَ الْحَقِّ".²⁹⁹

ترجمه: از ابی موسی³⁰⁰ روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: بدون شک مثال من و رسالتی که به آن مبعوث شده ام مانند مردی است که نزد قومی می آید و می گوید: ای قوم! من با دوچشم خود لشکری را دیدم و من بیم دهنده ای عریانم ضرب المثل مردی است که او را بدون لباس زندانی کردند به این امید که با بدن لخت فرار نکند، ولی چون شنید که علیه قومی او نقشه میکشند، به آن حال خارج شد و به قبیله اش هوشدار داد، پس برای نجات خود شتاب کنید، دسته ای از قومش از او اطاعت کردند و بیرون رفتند، ولی عده ای همچنان در جای خود ماندند، و صبحگاه دشمن آنها را گرفتار و نابود ساخت، پس این مثال من است، هرکس مرا اطاعت کند او از شریعتی که با خود آورده ام پیروی نماید، از عذاب الله متعال نجات خواهد یافت و کسی که اطاعت نکند و حقی را به آن مبعوث شده ام تکذیب کند، هلاک خواهد شد.

4- اصلاح و تزکیه ی نفس و روان:

الله متعال نسبت به بندگان خود مهر گستر است، واز نشانه های مهر و روزی او، زنده کردن و منور ساختن درون و روان انسان ها، با وحی، الهام و نور خود می باشد.³⁰¹

²⁹⁹- صحیح البخاری، باب: الاقتداء بسنن رسول صلی الله علیه وسلم، ج 6 ص 2656 شماره حدیث، 6854
³⁰⁰- الأشعری، ابوموسی عبدالله بن قیس بن سلیم بن حزار بن حرب القحطانی از قبیله بنی اشعر شهر قحطان بود. شخص یاد شده از کبار صحابه کرام و فقهای بزرگ یاران گرامی پیامبر معظم اسلام است. وی از والیان شجاع و فاتحین نامدار مکتب اسلام است. ویکی از دو حکمی است که در جنگ صفین میان حضرت علی و امیر معاویه داورى نمود. ایشان در زبید یمن به دنیا آمده و در وقت ظهور اسلام به مکه مکرمه آمده و اسلام آورد و هنگام هجرت به حبشه، به سوی آن دیار هجرت نمود. الاعلام للزركلي، ج 4 ص 114.

³⁰¹- العقيدة الإسلامية و أسسها، ص 312

الله متعال می فرماید: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ

وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»³⁰²

ترجمه: ای پروردگار ما! در میان آنان (که از دودمان ما و منقاد فرمان تویند) پیغمبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر ایشان فرو خواند و کتاب (قرآن) و حکمت (اسرار شریعت و مقاصد آن) را بدیشان بیاموزد و آنان را (از شرک و اخلاق ناپسند) پاکیزه نماید، بی گمان تو عزیز و حکیمی (و بر هر چیزی توانا و پیروزی، و هر کاری را که می کنی بنابر مصلحتی و برابر حکمتی است).

الله متعال در سوره جمعه می فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»³⁰³

ترجمه: خدا کسی است که از میان بیسوادان پیغمبری را برانگیخته است و به سويشان گسيل داشته است، تا آیات خدا را براي ایشان بخواند، و آنان را پاک بگرداند. او بدیشان کتاب (قرآن) و شریعت (یزدان) را می آموزد. آنان پیش از آن تاریخ واقعاً در گمراهی آشکاري بودند.

5- تصحيح افکار منحرف و عقاید نادرست:

مردم در ابتدای آفرینش، بر فطرت سلیم الله پرستی بودند و برای ذات الله شریک قایل نبودند، ولی چون در میان شان تفرقه افتاد و دچار اختلاف گشتند، الله متعال پیامبرانش را فرستاد تا مردم را به راه راست هدایت و از گمراهی و انحراف برهانند.³⁰⁴

الله متعال می فرماید: (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ).³⁰⁵

ترجمه: مردمان (برابر فطرت در آغاز از نظر اندیشه و صورت اجتماعی يك گونه و) يك دسته بودند. (کم کم دوره صرف فطری به پایان رسید و جوامع و طبقات پدید آمدند و بنا

³⁰²- سوره البقره آیه [129]

³⁰³- سوره الجمعه آیه [2]

³⁰⁴- العقيدة الاسلامية واسسها، ص 311

³⁰⁵- سوره بقره آیه [213]

به استعدادهاي عقلي و شرائط اجتماعي ، اختلافات و تضادهائي به وجود آمد و مرحله بلوغ و بيداري بشريّت فرا رسيد) پس خداوند پيغمبران را برانگيخت تا (مردمان را به بهشت و دوزخ) بشارت دهند و بترسانند. و كتاب (آسماني) كه مشتمل بر حق بود و به سوي حقيقت (و عدالت) دعوت مي كرد ، بر آنان نازل كرد تا در ميان مردمان راجع بدانچه اختلاف مي ورزيدند داوري كند (و بدین وسيله مرحله نبوت فرا رسيد . آن گاه) در (مطالب و حقانيت) كتاب (آسماني) تنها كساني اختلاف ورزیدند كه در دسترستان قرار داده شده بود ، و به دنبال دريافت دلائل روشن ، از روي ستمگري و كينه توزي (و خودخواهي و هواپرستي ، در پذيرش و فهم و ابلاغ و اجرا كتاب) اختلاف نمودند (و مرحله اختلاف در دين و ظهور دينداران و دين سازان حرفه اي فرا رسيد و زمينه بروز و سلطه طاغوت فراهم شد) . پس خداوند كساني را كه ايمان آورده بودند ، با اجازه خویش (كه مايه رشد فكري و ايمان پاك و زمينه رستن از انگيزه هاي نفساني و تمسك كامل به كتاب آسماني است) به آنچه كه حق بود و در آن اختلاف ورزیده بودند، رهنمون شد، و خداوند هر كسي را كه بخواهد به راه راست (كه همان راه حق است) رهنمود مي نمايد (تا حق را از ميان انحرافها و اختلافها دريابد، و مرحله برگشت به دين راستين و حاكميت كتاب و شريعت فرا رسد).

6- اتمام حجت:

هيچ كس همانند الله متعال جايي براي عذر و بهانه باقي نگذاشته است، از اين رو الله متعال پيامبران را فرستاد و كتاب ها و قوانينش را نازل كرد، تا در روز قيامت براي مردم حجت و بهانه اي نباشد.³⁰⁶

چنانچه اين در مورد صراحت دارد (رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِنَاسٍ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا).³⁰⁷

ترجمه: ما پيغمبران را فرستاديم تا (مؤمنان را به ثواب) مژده رسان، و(كافران را به عقاب) بيم دهنده باشند، و بعد از آمدن پيغمبران حجت و دليلی بر الله برای مردمان باقی نماید (ونگویند كه اگر پيغمبری به سوی ما می فرستادی، ايمان می آوردیم و راه طاعت و عبادت در پيش می گرفتيم). و الله چیره کار بجا است (وکارهایش از روی قدرت و حکمت انجام می پذیرد).

306 - العقيدة الإسلامية وأسسها، ص 314
307 - سورة النساء آية [165]

اگر الله متعال ، پیامبرانش را به سوی مردم نمی فرستاد، در روز قیامت با الله متعال جدال کرده ومی گفتند: چگونه ما را عذاب می دهی وبه دوزخ می اندازی، در حال که کسی را نزد ما نفرستادی تا پیام را بر ما ابلاغ می کرد .

الله متعال می فرماید: «وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَىٰ»³⁰⁸

ترجمه: اگر ما پیش از نزول قرآن وآمدن پیغمبر اسلام ، ایشان را با عذابی نابود می کردیم، (روز قیامت) می گفتند : پروردگارا! چرا (در دینا) پیغمبری برای ما نفرستادی ، تا از آیات تو پیروی کنیم ، پیش از آن که (در آخرت) خوار ورسوا شویم (و به دوزخ گرفتار آییم) الله متعال درجای دیگر می فرماید: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا (41) يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُوا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا»³⁰⁹

ترجمه: (ای محمد حال اینان) چگونه خواهد بود بدان گاه که از هر ملتی گواهی (از پیغمبران برای شهادت بر قوم خود) بیاوریم وتورا (نیز به عنوان)شاهدی بر (قوم خود، از جمله) اینان (یعنی تنگ چشمان ونافرمایان) بیاوریم؟

در آن روز (که چنین کارهایی به وقوع پیوندد) کسانی که کفر را برگزیده واز فرمان پیغمبر سر بر تافته اند، دوست می دارند که کاش (همان گونه که مردگان را در خاک دفن می کنند وخاک بر پیکرشان می ریزند، ایشان را نیز در دل خاک دفن می کردند و) زمین (مزارایشان) را بر روی آنان صاف می کردند (وهمچون مردگان در خاک پنهان می شدند و چنین شرمندگی و درد ورنجی را سنی دیدند . در آن روز آنان) نمی توانند (کردار یا) گفتاری راز الله پنهان سازند.

7- مدیریت ورهبری امت:

کسانی که دعوت پیامبران را می پذیرند، یک جماعت وامت را تشکیل میدهند و نیازمند کسی هستند که رهبری وتدبیر امور سیاسی آن ها را به عهده گیرد، فرستادگان الهی در

³⁰⁸ - سوره طه آیه [134]
³⁰⁹ - سوره النساء آیه [41-42]

زندگی خود چنین وظیفه ای را عهده دار بودند و در بین مردم با حکم الله متعال داوری و حکمرانی می کردند. 310

الله متعال می فرماید: **(فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ).** 311

ترجمه: « پس (اگر اهل کتاب از تو داوری خواستند) میان آنان بر اساس آن چه الله متعال بر تو نازل کرده است ، داوری کن »

الله متعال در جای دیگر می فرماید: **(إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ).** 312

ترجمه: مؤمنان هنگامی که به سوی الله و پیغمبرش فرا خوانده شوند تا میان آنان داوری کند، سخنشان تنها این است که می گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم ! ورستگاران واقعی ایشانند بعد از آن ، انجام بد کسانی را که از پذیرش فرمان الله و رسولش عصیان میکند، الله انرا بیان کرده است. الله متعال می فرماید: **(وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا).** 313

ترجمه: هر کس از الله و پیغمبرش نافرمانی کند ، نصیب او آتش دوزخ است و جاودانه در آن خواهد ماند.

310 - القعيدة الاسلامية واسسها ، ص 311

311 - سورة المائدة آیه [48]

312 - سورة النور آیه [51]

313 - سورة الجن آیه [23]

رهنمایی های آیات:

- 1- مال انسان ها را در فتنه قرار می دهد و اندکی از انسان ها از فتنه مال نجات می یابند.
- 2- استعانت از غیر الله در همه مکان ها حرام است، و در مساجد قباحتی بیشتری دارد.
- 3- مالک همه امور خیر و شر الله متعال است بناء همه چیز را از الله بخواهید نه از غیر آن.
- 4- نافرمانی از الله و رسولش سبب عذاب دنیوی و اخروی میشود.
- 5- استقامت در راه الله متعال در صورتی که به اساس ایمان درست باشد، سبب کامیابی در دنیا و آخرت میشود.

مقطع چهارم: آیات (25 - 28)

علم غیب مختص به الله است

قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (25) عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا (26) إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَاتَهُ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (27) لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا. 314

ترجمه: بگو: (ای کافران!) من نمی دانم آیا چیزی که به شما وعده داده می شود، نزدیک است، یا این که پروردگارم زمان طولانی و زیادی را برای آن در نظر گرفته است. داننده غیب الله است، و هیچ کسی را بر غیب خود آگاه نمی سازد.

مگر پیغمبری که الله از او خشنود باشد. الله (برای حفظ آن مقدار غیبی که او را از آن مطلع می کند، از میان فرشتگان) محافظان و نگهبانانی در پیش و پس او روان می دارد. تا الله بداند پیغمبران پیامهای پروردگارشان را رسانده اند، هر چند که الله از همه چیزهایی که نزدیک ایشان است (و در درون و بیرون آنان است) کاملاً آگاه بوده و بدانها احاطه دارد، و هر چیزی را دانه دانه سر شماری کرده است و دقیقاً می داند.)

ارتباط این مقطع با مقطع قبلی:

در مقطع قبلی بعضی از مفاهیم وحی شده به رسول الله صلی الله علیه وسلم، و اصول رسالت آن حضرت صلی الله علیه وسلم به بحث گرفته شد.

در این مقطع الله متعال علم غیب را از آن حضرت صلی الله علیه وسلم و همه مخلوقات منتفی کرده و مختص به خودش نموده است.

تفسیر اجمالی:

آیات این مقطع دارای چند نکته اساسی ذیل می باشند:

الف: الله متعال به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دستور داده است که به مردم بگوید: از غیب اطلاع ندارم، نمی دانم عذاب الهی چه زمانی فرامی رسد، رستاخیز چه زمانی برپا می شود، بزودی تحقق می یابد یا پس از مدت طولانی.

ب: پروردگارم عالم الغیب است، هیچ کسی را بر امور و اسرار غیبی خود آگاه نمی سازد.

ج: اگر ذریعه وحی به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در باره امور غیبی معلوماتی داده می شود، این اطلاع کار ذاتی آنان نیست، بلکه ذریعه وحی و توسط فرشته های مأمور به انتقال وحی به این اسرار غیبی پی می برند.

د: این وحی توسط فرشته ای به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نازل می شود که الله آنرا بر می گزیند، و در پیش روی و عقب وی محافظت می فرستد تا آنرا با امانت داری کامل و بدون هیچ نوع کمی و کاستی و مصئون از هر نوع دستبرد و رهنی به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - برساند.

ه: این انتظامات برای آن اتخاذ شده تا وحی الهی بطور مصئون به پیامبرش برسد، با آنکه الله متعال بر هر چیزی احاطه دارد، نه چیزی از وی پنهان می ماند و نه از دائرسلطه و قدرت وی بیرون می رود.

و: علمی که به پیامبران در باره اسرار غیب داده می شود، همان علمیت که در کتب منزل آنان درج است، همین مقدار را الله علیم به پیامبران و از طریق آنان به پیروان مؤمن شان نمایان و قابل درک ساخته است. الله متعال در سیاق این آیات چهارمین دستور را به حضرت - صلی الله علیه وسلم - می دهد.

(قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبٌ مَا تُوَعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا)³¹⁵

ترجمه: ای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به کفار بگو: «نمی دانم آیا آنچه وعده داده می شوید نزدیک است» یعنی من نمی دانم که آیا عذاب الله متعال که شما را از آن هشدار داده

³¹⁵ - سوره الجن آیه [25]

است، نزدیک است (یا پروردگار من برای آن میعادی) دور (قرار می دهد) بنا بر این، جز الله سبحانه هیچ کس نمی داند که عذاب شما در دم واقع می شود یا در آینده.

این کثیر در معنی آن می گوید: «به مردم بگو: من از وقت فرارسیدن قیامت آگاهی ندارم و نمی دانم که میعاد آن نزدیک است یا دور».

قَالَ مَقَاتِلٌ: لَمَّا سَمِعُوا قَوْلَهُ: (حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أضعفَ ناصِراً وَأَقَلُّ عَدَاً) 316 قال النصر بن الحرث: متى يكون هذا الذي تُوعِدنا به؟ فَأَنْزَلَ اللهُ تَعَالَى: قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ مَا تُوعَدُونَ إِلَى آخِرِهِ وَالْمَعْنَى أَنَّ وَفُوعَهُ مُتَيَقَّنٌ، أَمَا وَقْتُ وَفُوعِهِ فَغَيْرُ مَعْلُومٍ، وَقَوْلُهُ: أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا أَي غَايَةً وَبُعْدًا وَهَذَا كَقَوْلِهِ: (وَإِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ أَمْ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ) 317 فَإِنْ قِيلَ: أَلَيْسَ أَنَّهُ قَالَ: «بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةَ كَهَاتَيْنِ» فَكَانَ عَالِمًا بِقَرَبِ وَقُوعِ الْقِيَامَةِ، فَكَيْفَ قَالَ: هَاهُنَا لَا أَدْرِي أَقَرِيبٌ أَمْ بَعِيدٌ؟ قُلْنَا: الْمُرَادُ بِقُرْبِ وَفُوعِهِ هُوَ أَنَّ مَا بَقِيَ مِنَ الدُّنْيَا أَقَلُّ مِمَّا أَنْقَضَى، فَهَذَا الْقَدْرُ مِنَ الْقُرْبِ مَعْلُومٌ، / وَأَمَّا مَعْنَى مَعْرِفَةِ الْقُرْبِ الْقَرِيبِ وَعَدَمِ ذَلِكَ فَغَيْرُ مَعْلُومٍ. 318

ترجمه: مقاتل³¹⁹ در بیان سبب نزول آیه (24) این سوره می گوید: چون مشرکان آیه (حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ) را شنیدند، نصر بن حارث به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: پس این روزی که وعده آن را به ما می دهی، کی خواهد بود؟ همان بود که این آیه نازل شد.

واین به این معنا است که وقوع قیامت یقینی است، اما وقت وقوع قیامت معلوم نیست، واین سخن الله که فرموده است (أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا) یعنی نهایت و بعد قیامت مانند این قول است. (وَإِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ أَمْ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ) و اگر گفته شود که رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین فرموده است: «بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةَ كَهَاتَيْنِ» در حالی که آنحضرت صلی الله علیه وسلم عالم به قرب قیامت بود، پس چگونه در اینجا چنین گفته است: (هَاهُنَا لَا أَدْرِي أَقَرِيبٌ أَمْ بَعِيدٌ؟) ما می گوئیم که: مراد از نزدیکی وقوع قیامت این است که آنچه از عمر دنیا باقی

316- سوره الجن آیه [24]

317- سوره الانبیا آیه [109]

318- فخرالدین الرازی خطیب الرازی، أبو عبدالله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التیمی الرازی، (المتوفى 606 هـ) مفاتيح الغيب = التفسير الكبير، ج 30، ص 678، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الثالثة - 1420 هـ.

319- مقاتل بن سليمان، ابوالحسن ازدي بلخي، در تفسير شهرت دارد تالیفاتی در قرآن و علوم قرآنی دارد از جمله الناسخ والمنسوخ، نظائر القرآن، التفسير الكبير، تفسير پنجصد آیه از قرآن کریم. وی در بصره در سال 150 هجری وفات کرده است. طبقات المفسرين، ج 2 ص 330

است کمتر از آن است که گذشته است از همین نزدیکی قیامت دانسته میشود. و اما علم به قرب و عدم آن مجهول است.

علامه سید ابو الأعلى مودودی - رحمه الله - می گوید: از لحن بیان آیه برمی آید که این پاسخ پرسشی است که بدون نقل آن به آن پاسخ داده شده است. به احتمال زیاد مخالفان با شنیدن مطالب بالا از روی تمسخر و ریشخند گفته اند که آن وقتی که ما را از آن می ترسانی آخر کی خواهد آمد؟

در پاسخ به رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده شده است که به آنان بگو که آمدن آن قطعی است، اما تاریخ آن به من گفته نشده است. این چیز را تنها الله میداند که آیا آن زود خواهد آمد، یا برای آن مدت درازی مقرر گردیده است.³²⁰

در فی ظلال القرآن چنین آمده است. (سپس به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دستور داده می شود از کار و بار غیب نیز خود را دور و بر کنار نماید و از آن دست بشوید و از خود در باره اش چیزی نگوید: «قُلْ إِنْ أَدْرِي مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا»³²¹

و آنچه به کافران در برابر عصیان و تکذیب وعده داده می شود نیز غیب است و به الله واگذار است، و او هیچ گونه دخل و تصرف و قدرت و قوتی در آن ندارد، و او نمی داند موعد آن کی است. او نمی داند این موعد نزدیک است یا دور است و الله زمان طولانی برای آن قرار داده است. او نمی داند آنچه بدیشان وعده داده است - چه عذاب دنیا باشد و چه عذاب آخرت - چه وقت گریبانگیر شان می گردد و بر سرشان می تازد. بلکه همه اینها غیب و پنهان در علم الله است. دیگر کار و بار غیب به پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - واگذار نگردیده است و اصلاً بدو مربوط نیست. حتی او نمی داند وقت فرارسیدن آن کی است. الله سبحان است که غیب بدو اختصاص دارد، و جهانیان از غیب چیزی نمی دانند.

«عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا»³²²

ترجمه: داننده غیب الله است، و هیچ کسی را بر غیب خود آگاه نمی سازد.

پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - از هر صفتی جز صفت بندگی، خود را مبرا میکرد. او بنده الله است. بنده الله بودن وصف او است در میان بالاترین درجات و مقاماتی که او دارد ..

³²⁰- تفهیم القرآن ج 6 ص 99

³²¹- سوره الجن آیه [25]

³²²- سوره الجن آیه [26]

جهان بینی اسلامی از هر گونه شک و شبهه ای، و از هرگونه تیرگی و تاریکی می پالاید و خود را سره می نماید. به پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - دستور داده می شود که تبلیغ بکند و اوامر یزدان را برساند. او هم تبلیغ می کند و اوامر یزدان را می رساند.³²³

در معارف القرآن چنین ذکر شده است «قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوْعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (25) عَالِمُ الْغَيْبِ» الله متعال در نخستین آیه ای آیات مذکور، به رسول خود - صلی الله علیه وسلم - دستور داد که منکرینی که شما را بر تعیین زمان قیامت اجبار نموده اصرار می ورزند، بگویند که وقوع قیامت و تحقق پاداش و سزا در آن یقینی است، اما الله تاریخ درست وقوع آن را به کسی اطلاع نداده است، لهذا من نمی دانم که روز قریب است یا این که پروردگارم برای آن مدت طولانی مقرر کرده است، در آیه دوم دلیل آن ذکر نمود که؛ «فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا»³²⁴

یعنی عدم اطلاع من از وقت معین قیامت، از آنجا ناشی است، که من عالم الغیب نیستم، بلکه عالم الغیب بودن صفت ویژه رب العالمین است، لهذا او کسی را برغیب خود غالب و قادر قرار نمی دهد، الف و لام در «عالم الغیب» اینجا برای استغراق جنسی است.

یعنی عالم به همه ای افراد غیب، و نیز جنس آن، و هدف از اضافه غیب در «عَلَىٰ غَيْبِهِ» به سوی الله، برای اظهار همین استغراق و جامعیت است، یعنی علم به همه افراد و جنس غیب، صفت مخصوص الله رب العالمین است که کسی را بر آن غالب و قادر نمی گرداند، به نحوی که چون کسی بخواهد هر غیبی را بتواند آن بداند، هدف از این کلام نفی علم غیب کلی است، که ذره ای جهان بر کسی مخفی نماید، آن را از غیر الله نفی و فقط برای الله اثبات می نماید، اما چون امکان داشت احمق هایی در چنین اشتباهی بیفتند، که پس رسول الله - صلی الله علیه وسلم - هیچ گونه علم غیبی نداشته است، پس او چگونه رسولی است، چرا که الله هزارها اخبار غیبی به وسیله ای وحی بر رسول می فرستد، و کسی که وحی الله نزد او نیاید چگونه می تواند رسول او باشد، از این جهت در آیه ای بعدی یک استثنا را ذکر کرده است.³²⁵

³²³- فی ظلال القرآن، ج 6، ص 585

³²⁴- سوره الجن آیه [26]

³²⁵- معارف القرآن، ج 8، ص 281

إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَاتَهُ يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (27) لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا
رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا. 326

ترجمه: مگر پیغمبری که الله متعال از او خشنود باشد. الله (برای حفظ آن مقدار غیبی که او را از آن مطلع می کند، از میان فرشتگان) محافظان و نگهبانانی در پیش و پس او روان می دارد.

تا الله بداند پیغمبران پیامهای پروردگار شان را رسانده اند، هر چند که الله از همه چیزهایی که نزدیک ایشان است (و در درون و بیرون آنان است) کاملا آگاه بوده و بدانها احاطه دارد، و هر چیزی را دانه دانه سر شماری کرده است و دقیقاً می داند.

در تفهیم القرآن چنین ذکر شده است: (یعنی رسول بجای خود عالم الغیب شده نمیتواند بلکه الله تعالی هر گاه او را برای انجام دادن وظیفه رسالت انتخاب فرماید پس آن اندازه علم غیبی را که میخواهد و در باره چیزهاییکه خواسته باشد به او میدهد.

مراد از محافظین و نگهبانان و فرشتگانند. مقصود اینست که هرگاه الله تعالی علم غیبی را که به وسیله وحی به رسول الله صلی الله علیه وسلم میدهد و به وی میفرستد پس برای نگهبانی آن فرشتگانی را می گمارد تا آن علم خیلی محفوظ به پیامبر برسد و آمیزشی در آن بعمل نیامده باشد این ست همان مطلبی که در آیات (8 - 9) بیان شده که پس از بعثت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - جنیان همه درها را برای رسیدن به عالم بالا بسته یافتند و مشاهد کردند که نگهبانی شدید بعمل می آید که باثر آن استراق السمع نا ممکن گشته است.

آیه 28 دارای سه مفهوم است: اول: اینکه این پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بداند که فرشتگان پیامهای پروردگار را بایشان طوریکه هست رسانیده اند.

دوم: اینکه الله تعالی بنماید که فرشتگان پیامهای الله تعالی را به پیامبران طوریکه هست بدون کم و کاستی میرسانند.

سوم: اینکه الله تعالی ثابت سازد که رسولان پیامهای الله - جل جلاله - را به بندگان الله درست و طوریکه هست رسانیده اند، عبارات آیت این معانی سه گانه را در بر میگیرند و بعید نیست که هر سه معنی از آن مقصود باشد.

افزوده بر آن این آیه دلالت بر دو مفهوم مزید است، نخست اینکه آن علم غیب به پیامبر داده میشود که برای انجام دادن وظیفه رسالت ضروری باشد.

دومی اینکه فرشتگانیکه بر آن مقرراند آنان فقط نگهبانی این امر را نمیکند که وحی تا رسول به طریق مصون و محفوظ برسد بلکه نگهبانی آنرا نیز میکنند که رسول پیغامهای پروردگار را به بندگانش بدون کمی وکاستی برسانند.

یعنی قدرت پروردگار پیامبران و فرشتگان هر دو را احاطه میکند تا اگر برابر یک سرمویی از مرض الله تعالی حرکت شود در مؤاخذه می آیند. پیام های که الله تعالی میفرستد حرف، حرف آن شمرده شده میباشد، رسول و فرشتگان مجال ندارند که در آن حرفی را کم و بیش کنند).³²⁷

آیات این مقطع موضوعات ذیل را شامل میشوند:

بدون شک و عید کافران فرا خواهد رسید و نهایت مهلت‌شان مرگ‌شان خواهد بود، و این حقیقت است که مرگ هر شخص قیامت اوست و نهایت فاصله بین انسان و قیامت و وعده‌های الله، پایان عمر دنیوی است، پس در هر زمان احتمال آن می‌رود که قیامت هر شخصی برپا شود و او را به فرجام کارهایش برساند و فراتر از این را نه کسی غیر از الله می‌داند و نه نیازی به دانستن آن است، و هر آن کس که پیوسته از زمان آن بپرسد بی‌شک هیچ غرضی نخواهد داشت مگر آن که قصد تباه نمودن عمر خویش را داشته باشد، پس حقا که الله آنچه را منفعت بنده در آن است بیان کرده و هیچ ناگفته‌ای مفیدی را برجای نگذاشته است. چون موضوع اصلی آیات این مقطع علم غیب و مفاهیمی در مورد آن است، بناءً ایجاب می‌کند تا در مورد علم غیب بحث فشرده ذیل را ارائه نماییم.

علم غیب:

علم غیب از خصوصیات ذات اقدس الهی است که هیچ یک از مخلوقات در این صفت باوی شریک نیست. جهت فهم و درک بیشتر موضوع لزوماً تعریف، انواع و بعضی مفاهیم ضروری دیگر را در مورد علم غیب در ذیل می‌آوریم.

الف: تعریف علم غیب در لغت

کلمه (غیب) که از حروف (غ، ی، وب) تشکیل شده است، در اصل دلالت بر پوشیده بودن شیء از چشم‌ها می‌نماید. بناءً از این قیاس میشود که غیب شیء غایب است، یا آنچه که جز الله کسی دیگر آنرا نمیداند غیب است.

و یا غیب بفتحه غین و سکون یاء، به معنای امور خفی است که خلاف آشکار است، پس هر آن چیزی که از نظر ما غایب است غیب است.³²⁸

در مفردات فی غریب القرآن غیب چنین معنا شده است، غیب آن است که خواس انسان آن را درک کرده نمی‌تواند.³²⁹

³²⁸- محمود، عبدالستار شلال الدهان، دلائل نفی علم الغیب عن رسول الله صلی الله علیه وسلم فی القرآن الکریم، ص 436

³²⁹- دیده شود، المفردات فی غریب القرآن، ج 1 ص 616

باء: غیب در اصطلاح

غیب در اصطلاح عبارت از علمی است که خاص نشده است به درک و علم بر آن جز الله متعال غیر از همه مخلوقات، و علم غیب عبارت از حقایقی است عقل امکان و توانایی درک آن را نداشته، و هم چنان مخلوق توانایی تعامل و شناخت آن را با حواس خویش ندارد.

و یا غیب در اصطلاح عبارت از آنچه است که غایب از انظار مخلوق بوده و هیچ راهی به شناخت و معرفت آن وجود ندارد. و حواس آن را درک کرده نمیتواند. مانند اشیای که رسول الله صلی الله علیه به وقوع آن خبر داده است. مثل وجود الله متعال، قیامت و نشانه های آن، قبر با نعمات و عذاب های آن، وجود ملائکه، جنیات و غیره.³³⁰

ج: انواع علم غیب

علما و اهل علم گفته اند: غیب بر دو قسم است: غیب مطلق یا حقیقی، و غیب اضافی. که هر یک را چنین توضیح داده اند.

1- غیب مطلق یا حقیقی:

غیب مطلق یا حقیقی آنست که جز الله متعال کسی دیگر آنرا دانسته نمی تواند و مخصوص الله متعال است، هرگاه در قرآن کریم نفی علم غیب از بشر مطرح می شود همین نوع غیب مراد می باشد، چنانچه الله متعال فرموده است: **(قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ ..)**³³¹ بگو تمام کسانی که در زمین و آسمان اند، غیب را نمی دانند؛ مگر الله (میداند که علم غیب خاصه ذات اوست).³³²

2- غیب اضافی:

عبارت از غیبی است که دانش و آگاهی در رابطه به آن، از بعضی مخلوقات پوشیده است؛ اما عده ای دیگر از آن مطلع اند، مانند بعضی از ملائکه ها و عده ی محدود از افراد بشر بنا بر اسباب و ملحوظاتی که الله متعال آنرا خود می داند.

³³⁰- محمود، عبدالستار شلال الدهان، دلائل نفی علم الغیب عن رسول الله صلی الله علیه وسلم فی القرآن الکریم، ص 436

³³¹- سوره آیه [65]

³³²- الجامع الاحکام القرآن، للقرطبی، ج 1 ص 163، و دیده شود التحریر والتنویر، لابن عاشور، ج 1 ص 229، و دیده شود التفسیر الوسیط، سید طنطاوی، ج 5، ص 87

این نوع غیب در عموم معنی غیب که در کتاب الله متعال ذکر شده است، داخل نمی شود. اینگونه موضوعات برای عموم مردم غیب اند و برای عده ی خاصی غیب به شمار نمی آید. 333

د: انبیاء غیب را نمی دانند

قرآن کریم به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - با تأکید و به طور مکرر می فرماید که به مردم با الفاظ صریح بگوید که او علم غیب ندارد، او فقط بشارت دهنده و بیم دهنده است، امین وحی الهی است، حامل پیام الهی است که بدون کم و کاستی بمردم ابلاغ می کند، اگر از بهشت و دوزخ، ملائکه و جن، برزخ و قیامت .. و سائر امور غیب صحبت می کند گمان نکنید که علم غیب دارد، آنچه می گوید وحی است نه علم شخص خودش.

اگر جز الله کسی دیگری علم غیب می داشت باید پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از استماع گروه جن به تلاوتش و متاثر شدن از قرآن و ایمان به آن مطلع می شد و این جریان نباید بعد از مدتی و از طریق وحی به اطلاع او می رسید، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - با علم خود نه، بلکه با وحی از این حادثه مطلع شده است، و ما نیز از طریق وحی که بر پیامبر نازل شده به این جریان پی برده ایم، علمی که از طریق وحی به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - عنایت شده اکنون در متن قرآن در اختیار همه ما قرار دارد، این علم پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را نباید علم غیب خود او گرفت. 334

در سوره اعراف الله متعال به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: (قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) 335

ترجمه: بگو: من مالک سودی و زبانی برای خود نیستم، مگر آن مقداری که الله بخواهد و (از راه لطف بر جلب نفع یا دفع شر، مالک و مقتدرم گردانم). اگر غیب می دانستم، قطعاً منافع فراوانی نصیب خود می کردم (چرا که با اسباب آن آشنا بودیم) و اصلاً شر و بلا به من نمی رسد (چرا که از موجبات آن آگاه بودیم). حال که از اسباب خیرات و برکات واز

333- ابن تیمیة، تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبدالحلیم الحرانی. (1995) مجموع الفتاوی، ج 16، ص 110، المملكة العربية السعودية؛ مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف المدينة النبوية. و دیده شود انوار التنزیل و اسرار التاویل، للبیضاوی، ج 1 ص 38، و دیده شود التحریر و التتویر، لابن عاشور، ج 29 ص 248
334- جلوه های از اسرار قرآن، ج 3، ص 124 - 125
335- سوره اعراف آیه [188]

موجبات آفات و مضرات بی خبرم، چگونه از وقوع قیامت آگاه خواهیم بود؟) من کسی جز بیم دهنده و مزده دهنده مؤمنان (به عذاب و ثواب یزدان) نیستم.

و الله متعال در سوره جن صراحتاً علم غیب را از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نفی کرده و می فرماید: **(قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبٌ مَّا تُوْعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (25) عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا (26) إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا).**³³⁶

ترجمه: بگو: (ای کافران!) من نمی دانم آیا چیزی که به شما وعده داده می شود، نزدیک است، یا این که پروردگارم زمان طولانی و زیادی را برای آن در نظر گرفته است. داننده غیب خدا است، و هیچ کسی را بر غیب خود آگاه نمی سازد. مگر پیغمبری که خدا از او خوشنود باشد. خدا (برای حفظ آن مقدار غیبی که او را از آن مطلع می کند، از میان فرشتگان) محافظان و نگهبانانی در پیش و پس او روان می دارد. علم غیب را نه فرشته مقرب میداند و نه رسول منتخب، بلکه این علم تنها از آن او است.³³⁷

ابن وهب³³⁸ از ابن زید³³⁹ در تفسیر این آیه مبارکه **(فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا (26) إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ).**³⁴⁰ گفته است: الله متعال از مسایل غیبی آنچه بخواهد به پیامبرانش فرود می آورد، بر پیامبر ما - صلی الله علیه وسلم - از غیبیات (قرآن) را نازل کرده است و در قرانکریم از مسایل غیبی (قیامت) به ما خبر داده است. هنگامیکه الله متعال از مسایل غیبی (قرآن و قیامت) فرود می آورد، ملائکه ها را به حفاظت و حمایت آن روان می کند تا از دستبرد جن و شیاطین در امان بماند و آنها از مطالب و موضوعات آن قبل از پیامبر مطلع نشوند.³⁴¹

امام قرطبی با استناد به همین آیه از علما نقل کرده است، الله متعال دانستن غیب را منحصر به خودش ساخته است، هیچ کس جز او غیب را نمی داند، مگر آن قسمتی که الله متعال بخواهد

³³⁶- سوره الجن آیه [25 - 27]

³³⁷- ازاهر البیان، ج 9 ص 84

³³⁸- عبدالله بن وهب متوفی سال 197 هجری قمری است، وی از جمله مفسرین زمان خودش بود، امام طبری از وی تقریباً 1800 روایت زبانی در تفسیرخویش نموده است، و نام وی در نخستین کتب تفسیری مانند طبری عبدالرزاق و ثعلبی بیشتر تکرار شده است. طبقات المفسرین، ج 1 ص 266

³³⁹- عبدالرحمن بن زید بن اسلم العدوی متوفی سال 182 هجری قمری است، او مفسر پیروان تابعین و از پدرش مفسر زید بن اسلم روایت کرده است. طبقات المفسرین، ج 1 ص 265.

³⁴⁰- سوره الجن آیه [26-27]

³⁴¹- الطبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الاملی، ابو جعفر (2000). جامع البیان فی تأویل القرآن، ج 23 ، ص 671، مؤسسة الرسالة الطبعة الأولى.

وراضی شود، برای پیامبران از غیبات اطلاع می دهد تا معجزه و دلیل برای صدق رسالت شان باشد.³⁴²

آنچه از امور غیبی به پیامبران علیهم السلام نسبت داده شده است، موضوعاتی اند که بگونه وحی از جناب الله متعال به ایشان خیره داده شده است.³⁴³ پس الله سبحانه و تعالی به پیغمبرش دستور می دهد تا آنها را جواب گوید: «قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ»³⁴⁴

ترجمه: بگو: کسانی که در آسمانها و زمین هستند غیب نمی دانند جز الله، و نمی دانند چه وقت برانگیخته می شوند (وقیامت فرا می رسد). وهم چنان الله متعال می فرماید: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا»³⁴⁵

ترجمه: داننده غیب الله است، و هیچ کسی را بر غیب خود آگاه نمی سازد. و در جای دیگر چنین فرموده است: «فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَبِهُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»³⁴⁶

ترجمه: تنها الله است که بر غیب آگاه است. (اگر قرآن شما را قانع نمی سازد) پس منتظر باشید و من هم با شما منتظر می مانم (تا ببینیم عاقبت کار و فرمان پروردگار چه خواهد بود). و در سوره انعام الله غیب را مختص به ذات خود کرده و می فرماید. (وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ).³⁴⁷

ترجمه: گنجینه ها غیب و کلید آنها در دست الله است و کسی جز اواز آنها آگاه نیست و الله از آنچه در خشکی و دریا است آگاه است. و هیچ برگی (از گیاهی و درختی) فرو نمی افتد مگر این که از آن خیردار است. و هیچ دانه ای در تاریکی های (درون) زمین، و هیچ چیز تر و خشکی نیست که فروافتد، مگر این که (الله از آن آگاه و در علم الله پیدا است و) لوح محفوظ ضبط و ثبت است.

³⁴²- القرطبی، أبو عبدالله محمد بن احمد بن ابي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين (1964)، الجامع الأحكام القرآن = تفسير القرطبي، ج 19، ص 28، القاهرة، دارالكتب المصرية، الطبعة الثانية.

³⁴³- الجزائري، مبارك بن محمد الميلي (2001م)، رسالة الشرك ومظاهرة، ص 197، دارالبرية للنشر والتوزيع، الطبعة الأولى .

³⁴⁴- سوره النمل آیه [65]

³⁴⁵- سوره الجن آیه [26]

³⁴⁶- سوره يونس آیه [20]

³⁴⁷- سوره انعام آیه [59]

این آیات با همه تأکید علم غیب را در علم الله حصر کرده است و از همه موجودات زمین و آسمان (فرشته ها و انسانها، مرده و زنده) آن را نفی نموده است.

الفاظ این آیات در رابطه با حصر علم غیب به الله و نفی آن از همه موجودات زمین و آسمان به حدی روشن و واضح و قطعی است که مجال هیچ نوع شک و شبهه ای را نمی گذارد. و هر که برای غیر الله ادعای علم غیب کند در حقیقت کتاب الله را تکذیب کرده است.

شهید سید قطب در این باره می گوید: (این آیه تصویری شامل و فراگیر از علم و دانش پروردگار را ارائه می دهد، علم و دانشی که بر همه ای زمان ها، و مکان ها، در زمین و آسمان، دریا و خشکی و در دل زمین و لایه های جو، از مرده و زنده و تر و خشک احاطه ی مطلق دارد. این گردش ذهن ها و اندیشه را سردرگم می کند و هوش و عقل از انسان می رباید، گردشی است در زمان ها و مکان های دور و در اعماق جهان دیدنی و نادیدنی و شناخته و ناشناخته، گردشی است در جهان هستی بی کران که تخیل بشری از ادراک آن عاجز می باشد).³⁴⁸

این آیه و مشابه آن در قرآن برای معرفی منبع و سرچشمه این کتاب آسمانی کافی است و زمانی که از زوایه ی هنری به این آیات نگاهی افکنیم، اوج زیبایی و انسجامی را در آن ها می یابیم به گونه ای که درک و فهم بشری تا این سطح والا با آن ها نا آشنا بوده است: (وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ) این بند، فاصله ها و افق ها و ژرف هایی در (مجهول) است، مجهول مطلق در دل زمان و مکان و گذشته و حال و آینده و حوادث و رویداد های زندگی و تصورات خیالی.³⁴⁹

این در حالی است که الله متعال دانستن علم غیب را در چندین آیه از انبیای الهی نفی میکند، چنانچه در این آیه فرموده است:

قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنَّا تَتَّبِعُونَ إِلَّا مَا يُوحَىٰ
إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ).³⁵⁰

ترجمه: (ای پیغمبر به این کافران) بگو: من نمی گویم گنجینه هایی (ارزاق و اسرار جهان) یزدان در تصرف من است (چرا که الوهیت و مالکیت جهان تنها و تنها از آن الله سبحان

³⁴⁸- فی ظلال القرآن، ج 2، ص 1111

³⁴⁹- تفسیر تربیتی، ج 1، ص 739

³⁵⁰- سوره انعام، آیه [50]

است وبس) ومن نمی گویم که من غیب می دانم (چرا که کسی از غیب جهان با خبر است که در همه مکانها و زمانها حاضر و ناظر باشد که الله است) ومن به شما نمی گویم که من فرشته ام. (بلکه من انسانی همچون شمایم. جز این که بامن وحی میشود و) من جز از آنچه با من وحی میشود پیروی نمیکنم (وسخن کسی جز سخن الله را نمی شنوم و تنها به فرمان او راه می روم). بگو: آیا نا بینا و بینا (وکافر سرگشته ومومن راه یافته، در شناخت این حقایق) یکسانند؟ (وهر دو مساوی در پیشگاه یزدانند؟) مگر نمی اندیشید (تا در پرتو عقل، حق برایتان نمودار وآشکار شود؟).

در این آیه برادران یوسف علیه السلام صراحتاً اقرار به نداشتن غیب نموده ومی فرمایند:
ارْجِعُوا إِلَىٰ آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمَنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ 351

ترجمه: شما به پیش پدرتان برگردید وبگویید: ای پدر! پسرت دزدی کرده است (ودر برابر آن بنده گشته است وبه اسارت رفته است) وگواهی نمی دهیم مگر به آنچه (از دزدی بنیامین با چشم خود دیده ایم وبرآن) مطلع شده ایم، وما (در آن هنگام که با تو پیمان بسته ایم نمی دانستیم که او دزدی میکند. چرا که) از غیب خبر نداشته ایم (وراز نهان در پشت پرده غیب جهان را جز یزدان نمی داند).

هـ: مغیبات پنجگانه

الله متعال از جمله اشیای غیبی علم پنج چیز آنرا ب خود اختصاص داده است، چنانچه امام بخاری از ابن عمر - رضی الله عنهما - از پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - روایت نموده است که فرمودند: **عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: " مَفَاتِحُ الْغَيْبِ خَمْسٌ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا اللَّهُ: لَا يَعْلَمُ مَا فِي عَدِّ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا يَعْلَمُ مَا تَعْبِضُ الْأَرْحَامُ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا يَعْلَمُ مَتَى يَأْتِي الْمَطَرُ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ، وَلَا يَعْلَمُ مَتَى تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا اللَّهُ"** 352

351- سوره یوسف، آیه [81]

352- صحیح البخاری، کتاب التفسیر، باب (وعنده مفاتيح الغيب لا يعلمها الا هو)، ج 6، ص 79، رقم، 4697

ترجمه: از عبدالله بن عمر³⁵³ رضی الله تعالی عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: کلیدهای غیب پنج است که هیچ کس جز الله از آن ها آگاهی ندارد. جز الله هیچکسی آگاهی ندارد که فردا چه اتفاقی می افتد، جز الله احدی نمی داند که چه چیزی را رحم ها کم می نمایند، جز الله احدی نمی داند که باران چه زمانی می بارد، و احدی نمی داند که در کدام زمین می میرد، و احدی نمی داند که قیامت چه زمانی بر پا میشود.

حدیث متذکره تائید کننده این آیه است، الله متعال در مغیبات خمسه فرموده است: (إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ).³⁵⁴

ترجمه: آگاهی از فرا رسیدن قیامت ویژه الله است، و اوست که باران را می بارند، و آگاه است از آنچه در رحمهای (مادران) است، و هیچ کسی نمی داند فردا چه چیزی فراچنگ می آورد، و هیچ کسی نمی داند که در کدام سرزمینی می میرد. قطعاً الله آگاه و با خبر (از موارد مذکور) است.

آیه و حدیث متذکره آگاهی اشیای پنجگانه ذیل را از مخلوق نفی کرده و به الله متعال خاص میسازد.

1- زمان وقوع قیامت:

قرآن در آیات متعددی این مطلب را با صراحت بیشتر توضیح کرده است که جز الله هیچ کسی به زمان وقوع قیامت علم ندارد.

الله متعال می فرماید: (يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ)³⁵⁵

ترجمه: درباره قیامت از تو می پرسند و می گویند: در چه زمانی (دنیا به پایان می رسد) قیامت رخ می دهد؟ بگو: تنها پروردگارم از آن آگاه است، و کسی جز اونمی تواند در وقت خود آن را پدیدار سازد.

³⁵³ عبدالله بن عمر بن خطاب عدوی، اسم کنیه او ابو عبدالرحمن میباشد، در سال (10 هـ ق) تولد گردیده است، وی از اصحاب جرأت مند و هوشیار بود که نشو و نموی آن در اسلام شده است، در مدینه همراهی پدرش هجرت نموده و در فتح مکه نیز حاضر بود. مدت شصت سال در خدمت مسلمانان بوده و فتوا داد، وقتی عثمان رضی الله تعالی عنه به شهادت رسید از وی خواستن که با وی بیعت کنند تاخليفة مسلمین شود ایشان نپذیرفتند. از وی (2630) حدیث روایت شده است، ایشان در اخیر عمر چشمان خود را از دست دادند، و بالأخره در سال (73 هـ) در مکه مکرمه وفات نمود. تذکرة الحفاظ ج 1 ص 37 و اعلام زرکلی ج 4 ص 246

³⁵⁴ - سوره لقمان آیه [34]

³⁵⁵ - سوره الاعراف آیه [187]

و در سوره محمد (صلی الله علیه وسلم در مورد چنین می فرماید: **(فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ)**³⁵⁶

ترجمه: انکار (کافران و منافقان تا قیامت فرا نرسد ایمان نمی آورند، و برای ایمان آوردن خود) قیامت را چشم می دارند که ناگهان برپا می شود؟! هم اکنون علایم و نشانه های آن ظاهر شده است (که از جمله آنها بعثت خاتم الانبیاء است). اما وقتی که قیامت فرا رسید، دیگر باور داشتن و اندرز گرفتن چه سودی به حالشان دارد؟!

2- علم زمان باریدن باران و محل آن:

الله متعال می فرماید: **(وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ)**³⁵⁷

ترجمه: و اوست که باران را می باراند بعد از آن که (مردمان از بارش آن) ناامید می گردند، و رحمت خود را می گستراند (دامنه باران را به اینجا و آنجا می کشاند و فراگیرش می گرداند). اوسرپرست ستوده (بندگان و عهده دار پسندیده کار های ایشان) است.

3- علم به آنچه که در رحم است:

الله بخوبی می داند که در رحم ها چیست، شقی یا سعید، بد قیافه یا زیبا، کودن یا زرنگ، با استعداد یا بی استعداد، نر یا ماده ... انسان نمی تواند در مورد همه مواصفات آنچه در رحم هاست پیشگویی کند.

الله متعال می فرماید: **(هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)**³⁵⁸

ترجمه: اوست که شما را در رحمهای (مادران) هر آن گونه که بخواهد شکل می بخشد (و به صورتهای مختلف می آفریند) جز او خدایی نیست (و همو) چیره و کاربجا است.

³⁵⁶- سوره محمد آیه [18]

³⁵⁷- سوره الشوری آیه [28]

³⁵⁸- سوره ال عمران آیه [6]

4- انسان دقیقاً نمی داند فردا چه کاری خواهد کرد:

فردا غایب است و آنچه فردا پیش می آید همه غایب اند، بناءً جز الله از آن کسی آگاهی ندارد.

5- هیچ کسی نمی داند در کدام سرزمینی می میرد:

انسان ها نمی دانند که در کدام مکان و در چه زمانی مرگ به سراغشان می رسد و در کجا و چه حالتی امانت روح را به مالکش مسترد می کنند.

و: فرق بین علم غیب و اخبار غیب

(إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا)³⁵⁹

این آیه پاسخ به آن شبهه ای است که مراد از نفی علم غیب کلی نفی مطلق غیب نیست؛ زیرا مقداری از اخبار علم غیب و اشیای غیب که برای منصب رسالت لازم است، از جانب الله به وسیله ای وحی به او داده می شود، و آن هم با چنان طریقه ای محفوظ که هرگاه از جانب الله وحی بر رسولی نازل شود، از هر جهت فرشته ها بر آن نگهبانی می دهند، تا شیاطین نتوانند در آن دخالت کنند.

در اینجا اولاً بابۀ کار بردن لفظ رسول، فقط تنها نوعیت آن غیب متعین گردیده، که مقصود از آن، علمی است که به رسول و نبی داده می شود، و بدیهی است که تمام، علم شرایع و احکام و اخبار غیب به قدر ضرورت زمان است، سپس نوعیت آن علم غیبی را که رسول و نبی داده می شود، در جمله ای بعدی معین نموده است، که به وسیله ای فرشتگان فرستاده می شود، و حول و حوش فرشته ای حایل وحی را فرشته های دیگر نگهبانی می دهند؛ بنابر این، واضح گردیده که علم غیبی که به وسیله ای این استثنا، برای رسول و نبی اثبات می شود، به میزانی است که برای منصب رسالت ضرورت است.

لهذا معلوم گردید که این استثنا حسب اصطلاح علمای نحو، استثنا منقطع است، یعنی علم غیب کلی که در اصل کلام از غیر الله نفی شده است، در این، استثنا به اثبات نمی رسد، بلکه غیب خاص از آن اثبات می گردد، که مواضع متعددی از قرآن به لفظ (أَنْبَاءِ الْغَيْبِ) از آنها تعبیر شده است، چنان که در آیه ای از سوره ای هود آمده است (تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ...)³⁶⁰ بسیاری از نا آگاهان، فرقی میان علم غیب و اخبار

³⁵⁹- سوره الجن آیه [27]

³⁶⁰- سوره هود آیه [49]

غیب را، در نمی یابند؛ بنابراین، برای انبیاء-علیه السلام- بخصوص برای خاتم الانبیاء-علیه السلام- علم غیب کلی قایل هستند، و آن حضرت- صلی الله علیه وسلم- را مانند الله عالم الغیب ودانا به همه چیزهای کاینات می پندارند، که این شرک واضح و قایل شدن مقام خدایی برای رسول الله صلی الله علیه وسلم است. (نعوذ بالله منه).

اگر کسی یکی از دوستانش را به راز مخفی خود آگاهی دهد، در حالی که دیگران آن را ندانند، کسی در دنیا به او عالم الغیب نمی گوید، هم چنین آگاهی دادن انبیا علیهم السلام از هزاران اخبار غیبی به وسیله ای وحی، آنان را عالم الغیب نمی کند، این مطلب را باید به دقت دریافت، زمانی که در جلو عوام جاهل که در میان این دو امر فرقی قایل نیستند، گفته شود که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- عالم الغیب نیست، آنها مطلب را چنین می پندارند که از آن جناب - صلی الله علیه وسلم - از هیچ خبر غیبی آگاهی ندارد، در صورتی که در این جهان کسی به چنین امری قایل نیست، و نمی تواند قایل باشد؛ زیرا اگر چنین باشد خود نبوت و رسالت منتفی می گردد، و صدور چنین نظریه ای از هیچ مؤمنی امکان ندارد.

در پایان سوره فرموده است: (وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا) یعنی مختص به ذات او تعالی است که اعداد و شمار هر چیز را بداند، لهذا اومی تواند که تعداد ذرات کوه ها چه قدر است، آمار قطره های تمام دریاهاى جهان در علم اوست، و نیز آمار قطرات باران و برگهای درختان جهان در علم اوست، خلاصه این که اختصاص علم غیب کلی، مختص به ذات او را واضح نمود تا کسی از استثنای مذکور در اشتباه قرار نگیرد.³⁶¹

ز: جنیات و فرشته ها غیب را نمیدانند

جنیات و فرشته ها که دو مخلوق نوری العقول الله متعال میباشند، نظر به دلایل ذیل از علم غیب آگاهی ندارند.

1: دلایل عدم فهم فرشته ها از علم غیب

قرآن کریم در قصه پیدایش حضرت آدم علیه السلام بیان می کند که ملائکه غیب را نمی دانند زیرا آنان خود شان بر زبان خویش اعتراف نمودند که ما غیب را نمیدانیم و الله متعال عالم الغیب است.

³⁶¹- معارف القرآن، ج 8، ص 281

الله متعال می فرماید: (قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ).³⁶²

ترجمه: فرمود: ای آدم! آنان را از نامها (وخواص و اسرار این) پدیده ها آگاه کن. هنگامی که آدم (فرمان الله را لیبیک گفت و) فرشتگان را از (خواص و اسرار اشیاء و) پدیده ها آگاه کرد، الله متعال فرمود: به شما نگفتم که غیب (و راز) آسمانها و زمین را می دانم و از آنچه شما آشکار می کنید یا پنهان می داشتید، نیز آگاهم.

این آیه دلالت بسیار واضحی به عدم آگاهی جنیات از علم غیب مینماید.

2- دلایل عدم فهم جنیات از علم غیب:

بعضی از مشرکان فکر میکردند که جن ها غیب را میدانند ولی قرآن کریم در قصه سلیمان –علیهم السلام – به صراحت بیان می کند.

الله متعال می فرماید: (فَلَمَّا فَصَّيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ)³⁶³

ترجمه: زمانی که بر سلیمان مرگ مقرر داشتیم، جنیان را از مرگ او نیاکاهانید مگر چوبخواره هایی که عصای وی را می خوردند. هنگامی که سلمیان فروافتاد، فهمیدند که اگر آنان از غیب مطلع می بودند، در عذاب خوار کننده باقی نمی ماندند.

این آیه دلالت واضحی به عدم فهم جنیات از علم غیب می نماید.

ح: نفی کردن علم غیب از تمام مخلوقات

منظور از علم غیب این است که فردی ادعا کند می تواند از گذشته، آینده و آنچه از مردم پنهان است و آن را نمی بینند خبر دهد. در حالی که خداوند دانستن این امور را مختص خود کرده و می فرماید: (قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ).³⁶⁴

ترجمه: بگو: کسانی که در آسمانها و زمین هستند غیب نمی دانند جز خدا، و نمی دانند چه وقت برانگیخته می شوند (و قیامت فرا می رسد).

³⁶²- سوره البقره آیه [33]

³⁶³- سوره سباء آیه [14]

³⁶⁴- سوره النمل آیه [65]

لذا غیر از خداوند سبحان کسی علم غیب را نمی‌داند. اما بعضی اوقات رسولانش را بنا به حکمت و مصلحت، از علم غیب هر اندازه که بخواهد آگاه می‌سازد: (عِلْمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا (26) إِلَّا مَنْ أَرْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ ..) 365

ترجمه: داننده غیب الله است، و هیچ کس را از غیب آگاه نمی‌سازد، مگر پیغمبری که از او خشنود باشد.

و برای پیامبران امور غیبی را هر اندازه که بخواهد مطلع می‌کند، چون بعضی از معجزات پیامبران، خبر دادن از غیبی است که خداوند او را بر آن مطلع کرده تا دلیلی بر صدق نبوت پیامبران باشد، این حکم برای تمام فرستادگان از ملائکه و انسانها عمومیت دارد، و غیر از آنان کسی دیگر را از غیب آگاه نکرده است، چون از دلایل ثابت است که خداوند فقط این دو دسته را از غیب آگاه کرده، لذا به جز پیامبران هر کس به هر وسیله‌ای ادعای علم غیب کند دروغگو و کافر است، فرقی نمی‌کند این ادعا از روی خواندن کف دست، فنجان، افسون‌گری، سحر، یا از روی ستارگان و غیره باشد.

این همان چیزی است که بعضی ساحران و دروغگویان انجام می‌دهند و ادعا می‌کنند که می‌توانند مکان اشیاء گم شده و ناپیدا را بگویند، و ادعا می‌کنند که علت بعضی از بیماریها را می‌دانند و می‌گویند: تو فلانی، فلان کار و فلان کار را با تو کرده به همین خاطر مریض شدی، که در واقع این کار در اثر به خدمت در آوردن جن و شیاطین است. و به مردم می‌گویند این آگاهی‌ها را از طریق به کار بردن این اشیاء (خواندن کف و فنجان و ...) بدست می‌آوریم که در حقیقت فریب دادن مردم و غیر حقیقی جلوه دادن وقایع است.

شیخ الإسلام ابن تیمیه می‌گوید: «هر کدام از کاهنان دوستانی از شیاطین دارند که او را از بسیاری از غیبیات که از طریق استراق سمع (گوش دادن به سخنان ملائکه) بدست می‌آورند آگاه می‌کند و دروغ را با واقعیات می‌آمیزد»، در ادامه شیخ الإسلام می‌گوید: «بعضی از کاهنان شیطان، خوردنی‌هایی از جمله میوه و شیرینی و سایر غذاها را برایشان می‌آورند که معمولاً آن جا یافت نمی‌شود، و بعضی از آنها را جن با پرواز به مکه، بیت‌المقدس یا جاهای دیگر می‌برد.»

گاهی اوقات خبر دادن از غیب، از طریق ستارگان است که از روی احوال فلکی و حرکات سیارات، از حوادث زمین خبر می‌دهند. مانند وقت وزش بادهای، آمدن باران، تغییر

365- سوره الجن آیه [26 - 27]

نرخ اجناس، و سایر اموری که گمان می‌کنند، دانستن آن از روی علم به حرکت ستارگان در مدارشان و نزدیک و دور شدن آنها از همدیگر است. و می‌گویند: اگر در زمان نزدیک شدن فلان ستاره با فلان ستاره ازدواج کنند، فلان حادثه در زندگی آنها اتفاق خواهد افتاد، یا اگر در آن زمان مسافرت کنند، فلان حادثه و فلان حادثه برای آنان رخ خواهد داد، یا اگر در آن زمان تولدی صورت گیرد فلان برکت، نحس و شر بر او وارد خواهد شد، همانطور که در بعضی مجلات انحرافی، جملات و کلمات مسخره، دروغ، پوچ و اباطیلی درباره برجها و آنچه که در آنها روی خواهد داد، چاپ می‌کنند.

با این حال بعضی از جاهلان و افراد ضعیف الایمان پیش این کاهنها رفته و از آنان درباره‌ی زندگی خود و آنچه برایش رخ می‌دهد یا در ازدواج و سایر امورش بر سر او می‌آید، سؤال می‌کنند. لذا هر کس ادعای علم غیب کند و نیز هر کس او را در این ادعا تصدیق و تأیید کند، کافر و مشرک است. چون او ادعای مشارکت با خدا را در علمی می‌کند که مخصوص خدا است و ستارگان و سیارگان همگی مسخر خدا و مخلوق او هستند، و کاری از دست آنها ساخته نیست، لذا بر نحس و خوش بودن و مرگ و زندگی کسی دلالت ندارند، این‌ها همه از کارهای شیاطین هستند، که استراق سمع می‌کنند.³⁶⁶

³⁶⁶ - تفسیر المنیر، ج 29 ، ص 185

رهنمایی های آیات

- ۱- امور غیبی مطلقاً در اختیار الله است، والله هیچ کسی را برآن آگاه نمی سازد، مگر آن چه از معجزات که تایید کننده ای رسالت پیامبرانش باشد.
- ۲ - هر آنچه پیش گویان تحت هر نام و نشانی از امور غیبی ادعا کنند بی شک باطل بوده و دروغ بستن بر الله و مردم محسوب می شود، از این رو دوری از آنها واجب است.
- ۳ - عالم جن، عالم ناشناخته ای است و ما انسان ها از جنیان تنها آن چیزهایی را می دانیم که الله در قرآن و پیامبر در احادیث برای ما نقل کرده اند.³⁶⁷

³⁶⁷- الجزائری، ابی بکر جابر، ایسرالتفاسیر، لکلام العلی الکبیر، ص 455، الطبعة الثالثة، 1410 ، 1990

نتیجه گیری

در نتیجه تفسیر موضوعی سوره مبارکه (الجن) نتایج ذیل را به دست آوردیم.

- 1- از مجموع این آیات قسمی معلوم میشود که جن یک موجود خیالی نیست چنانکه بعضی از مردمان فکر میکنند بلکه جن یک موجود واقعی و مادی است.
- 2- جن موجودی است که دارای روح و جسم است و از خود خصوصیات و ویژه گیها دارد که در شرایط عادی از حس پنهان است.
- 3- جن یک مخلوق مستقل جدا از فرشته است و از جنس شیطان یا ابلیس است و جنها و شیاطین سرکش و متمرّد هستند.
- 4- جن یک مخلوق مکلف مانند انسان است و دارای مسئولیت است.
- 5- جن قبل از انسان خلق شده است.
- 6- جن از شعله آتش خلق شده است.
- 7- جنها مانند انسان تا زمان مرگ در دنیا زندگی میکنند.
- 12- جن دارای علم و ادراک و تشخیص حق از باطل و دارای قدرت منطق و استدلال است.
- 13- جن ها مانند انسان نیکوکار و گناهکار دارد.
- 14 جن ها مانند انسان می میرند و از بین میروند.
- 15- جن ها به رسول الله صلی الله علیه وسلم و به کتاب او ایمان آورده اند.
- 16- جن ها مانند انسان دوباره برای حشر زنده میشوند.
- 17- جن توانمندی و قدرت بالا رفتن به آسمان و استراق سمع را قبل از بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم را داشتند و بعد از بعثت از ان منع شدند.
- 18- جن ها به بعضی انسانها ارتباط برقرار میکنند.
- 20- به جن ها پیامبرمستقلی فرستاده نشده است.
- 21- جنیات از علم غیب آگاهی ندارند.

وصلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله واصحابه اجمعین.

فهرست آیات

شماره	آیات	سورة	صفحه
1	يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا	البقره	85
2	إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ	البقره	104
3	رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ	البقره	105
4	كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ	البقره	106
5	قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَ	البقره	129
6	كُلِّ نَفْسٍ ذَنْبُهُ الْمَوْتِ	آل عمران	36
7	اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ	آل عمران	73
8	وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ	آل عمران	102
9	هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ	آل عمران	126
10	إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ	نساء	86
11	يَوْمَئِذٍ يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُوا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا	نساء	93
12	رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا	نساء	107
13	فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا	نساء	108
14	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ	المائدة	34
15	وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ	المائدة	75
16	وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ	المائدة	75
17	يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنْ	المائدة	101
18	يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ	المائدة	104
19	يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا	انعام	-24 48
20	قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِثْلَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ	انعام	86
21	قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ	انعام	86
22	لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أَمَرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ	انعام	86
23	الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ	انعام	98
24	وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا	انعام	122

25	25	قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِن آتَيْتُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ	انعام	123
26	26	قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ	اعراف	23
27	26	يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا	اعراف	26
28	31	قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ	اعراف	31
29	-28 -31 32	وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ	اعراف	-28 -31 32
30	36	قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ	اعراف	36
31	36	أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ	اعراف	36
32	75	وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن	اعراف	75
33	101	أَبْلَغَكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ	اعراف	101
34	-100 120	قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتَ مِنَ الْخَيْرِ	اعراف	-100 120
35	125	يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ	اعراف	125
36	53	وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِن الظَّالِمِينَ	يونس	53
37	87	قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّن دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن أَعْبُدُ	يونس	87
38	87	وَأَن أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ	يونس	87
39	99	وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُتَّبِعُونَ	يونس	99
40	122	فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانظُرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ	يونس	122
41	77	فَاسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ	هود	77
42	128	تِلْكَ مِن أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ ...	هود	128
43	71	وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِّنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ	يوسف	71
44	124	ارْجِعُوا إِلَىٰ آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ	يوسف	124
45	26	وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَرَبِيَّاتَهَا لِلنَّازِحِينَ	حجر	26
46	26	وَحَفِظْنَاهَا مِن كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ	حجر	26
47	26	إِلَّا مَن اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ مُّبِينٌ	حجر	26
48	- 24 30	وَالجَانُ خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلِ مَن نَّارِ السَّمُومِ	حجر	- 24 30
49	30	وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ	حجر	30
50	102	وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ	النحل	102
51	27	قُلْ لَّيْنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ	اسراء	27

99	اسراء	«قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا (56) أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ	52
98	الكهف	... أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ	53
104	الكهف	وَمَا نُرْسِلِ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيَجَادِلِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ	54
83	مريم	أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا	55
78	طه	وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى	56
108	طه	وَلَوْ أَنَا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ	57
97	الأنبيا	وَأِن أَدْرِي أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ	58
109	النور	إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا ... سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَ ...	59
7	فرقان	وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا	60
105، 111	النمل	قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ	61
122	نمل	قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ	62
98	لقمان	وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ	63
125	لقمان	إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ عَذَابًا	64
102	احزاب	الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا	65
104	سبا	وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ	66
129	سبا	فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ فَلَمَّا	67
26	الصفات	إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ	68
- 26 62	الصفات	وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ	69
26	الصفات	لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذَّفُونَ مِّن كُلِّ جَانِبٍ	70
26	الصفات	دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ	71
26	الصفات	إِلَّا مَن خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ	72
87	الصفات	إِنَّ إِلَهُكُمُ لَوَاحِدٌ	73
62	فصلت	فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا	74
76	فصلت	إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا	75
78	فصلت	قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ	76
77	فصلت	لِحُنِّ أَوْلِيَائِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ	77
77	فصلت	نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ	78
126	الشورى	وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِّن بَعْدِ مَا قُتِلُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ	79

87	زخرف	سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ	80
87	زخرف	وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ	81
25	احقاف	وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا	82
-26 - 46 71	احقاف	قَالُوا يَقَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ	83
-37 - 46 71	احقاف	يَاقَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ	84
65	احقاف	إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ	85
126	محمد	فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا	86
63	حجرات	وَلَا تَجَسَّسُوا	87
- 31 49	ذاريات	وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ	88
58	ذاريات	فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ	89
- 23 30	الرحمن	وَخَلَقَ الْجَانَّ مِن مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ	90
25	الرحمن	سَنَفْرَعُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ	91
25	الرحمن	يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتِطَعْتُمْ أَنْ تَتَفَدُوا مِن أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ	92
36	الرحمن	كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا فَا ن	93
36	الرحمن	وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ	94
36	الرحمن	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ	95
73	الرحمن	لَمْ يَطْمِئِنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ	96
73	الرحمن	وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (46) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ	97
106	الجمعه	هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ	98
-27 62	ملك	وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ	99
87	الاخلاص	قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (1) اللَّهُ الصَّمَدُ (2) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (3) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (4)	100

فهرست احاديث

شماره	طرف حديث	صفحه
1	أتاني داعي الجن فذهبت معه فقرأت عليهم القرآن	33
2	إذا دخل الرجل بيته فذكر الله عند دخوله وعند طعامه قال الشيطان لا مبيت لكم ولا عشاء.	33
3	إذا دخل أحدكم المسجد فلا يجلس حتى يصلي ركعتين	93
4	إذا رأيتم من يبيع، أو يبتاع في المسجد فقولوا له: لا أربح الله تجارتك	93
5	أعمار أمتي ما بين الستين والسبعين	29
6	أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق	51
7	أكبر الكيابر الإشراف بالله	98
8	ان الملائكة تنزل في العنان وهو السحاب فتذكر لامر الذي قضى في السماء فتسترق الشياطين	66
9	انطلق رسول الله صلى الله عليه وسلم في طائفة من أصحابه عامدين إلى سوق	12
10	إنما مثلي ومثل ما بعثني الله به، كمثل رجل أتى قوماً، فقال: يا قوم! إنني رأيت الجيش بعيني	105
11	إنني أراك تحب الغنم والبادية فإذا كنت في غنمك وباديتك فأذنت بالصلاة فارفع صوتك	29
12	إنني رأيت في المنام كأن جبريل عند رأسي وميكائيل عند رجلي	103
13	أي الذنب أعظم عند الله؟ قال أن تجعل لله ندا وهو خلقك»	98
14	البراق في المسجد خطيبة وكفارتها دفنها	82
15	بينما نحن في المسجد مع رسول الله صلى الله عليه وسلم إذ جاء أعرابي فقام يبول في المسجد فقال أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم: مه، مه	95
16	جعلت لي الأرض مسجداً وطهوراً	84
17	الجن على ثلاثة أصناف: صنف لهم أجنحة يطبرون في الهواء، وصنف حي	35
18	الجن أجناس، فأما خالص الجن فهم ریح لا يأكلون، ولا يشربون، ولا يموتون، ولا يتوالدون	35
19	خلقت الملائكة من نور وخلق الجن من مارج من نار وخلق آدم مما	30
20	وصف لكم خلقت الملائكة من نور وخلق الجن من مارج من نار وخلق آدم مما	38
21	وصف لكم سبعة يظلهم الله في ظله يوم لا ظل إلا ظله الإمام العادل وشاب نشأ في عبادة ربه ورجل قلبه معلق في المساجد ورجلان	91
22	فاطبخوا شرا بكم حتى يذهب منه نصيب الشيطان فإن له اثنين ولكم واحد	34
23	فإنها لا يرمى بها لموت أحد ولا لحياته ولكن ربنا تبارك وتعالى اسمه إذا قضى أمراً سبح حملة العرش ثم سبح أهل السماء الذين	65
24	كنا مع رسول الله -صلى الله عليه وسلم- ذات ليلة ففقدناه فالتمسناه في الأودية والشعاب فقلنا استنطير أو اغتيل -قال- فبئنا بشر ليلة	28

25	كيف لنا أن نأتي المسجد، ونحن نأوون عنك أي بعيدون عنك	82
26	لا تستنجوا بالرؤث ولا بالعظام، فإنه زاد إخوانكم من الجن	33
27	لا يدخل الجنة قتات	63
28	اللهم إني أعوذ بعزتك لا إله إلا أنت أن تضلني أنت الحي الذي لا يموت والجن والإنس يموتون	36
29	ما قرأ رسول الله صلى الله عليه وسلم على الجن ولا رامة؛ انطلق رسول الله صلى الله عليه وسلم في نفر من أصحابه، عامدين إلى سوق عكاظ، قال: وقد حيل بين الشياطين وبين خبر السماء، وأرسلت عليهم الشهب	41
30	"مفتاح الغيب خمس لا يعلمها إلا الله: لا يعلم ما في	124
31	الملائكة تتحدث في العنان والعنان الغمام بالأمر يكون في الأرض فتسمع الشياطين الكلمة فتقرأها في أذن الكاهن كما تقرأ القارورة فيزيدون معها مائة كذبة	66
32	الملائكة تصلي على أحدكم ما دام في مصلاه الذي صلى فيه ما لم يحدث تقول اللهم اغفر له عن أبي هريرة أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال	92
33	من سمع رجلاً ينشد ضالة في المسجد فليقل: لا ردها الله عليك، فإن المساجد لم تبث لهذا	94
34	من قرأ سورة الجن أعطي بعد كل جني وشيطان صدق بمحمد صلى الله عليه وسلم وكذب به	16
35	من قرأ حرفاً من كتاب الله فله به حسنة والحسنة بعشر أمثالها لا أقول الم حرف	16
36	وبعث إلى الأحمر والأسود	72
37	هما من طعام الجن وإنه أتاني وفد جن نصيبين ونعم الجن فسألوني الزاد فدعوت الله لهم أن لا يمروا بعظم ولا بروثة إلا وجدوا عليها طعاماً	32
38	يا رسول الله، انذن لنا، فنشهد معك الصلوات في مسجدك، فأنزل الله: وأن المساجد لله، فلا تدعوا مع الله أحداً	69

فهرست أعلام

صفحه	اسم	شماره
51	ابن ابى حاتم	1
22	ابن تيميه	2
82	ابن جرير طبرى	3
50	ابن حجر عسقلانى	4
49	ابن حزم	5
121	ابن زيد	6
52	ابن سعد	7
12	ابن عباس	8
50	ابن عبدالبر	9
125	ابن عمر	10
34	ابن قيم	11
50	ابن كثير	12
12	ابن مسعود	13
35	ابن منبه	14
51	ابن منذر	15
121	ابن وهب	16
52	ابورجاء عطارى	17
29	ابوسعيد خدرى	18

51	ابوشیخ	19
105	ابوموسی اشعری	20
38	ابوهریره	21
12	ابی بن کعب	22
36	ابی ثعلبه الخشنی	23
47	اصفہانی	24
23	امام الحرمین	25
74	جابر بن عبداللہ	26
47	حسن بصری	27
37	خالد بن ولید	28
52	خرائطی	29
51	خولہ بنت حکیم	30
7	زرکشی	31
14	زید بن حارثہ	32
71	السدی	33
52	سعید بن جبیر	34
71	سعید بن مسیب	35
37	سهل بن عبداللہ	36
65	سید قطب	37
11	سیوطی	38

49	ضحاک	39
125	عبدالله بن عمر	40
47	عكرمه	41
88	قتاده	42
70	قرطبی	43
47	مجاهد	44
113	مقاتل بن سليمان	45
11	مودودی	46
47	واقدي	47

فهرست اماکن

شماره	اسم مكان	صفحه
1	تهامه	13
2	عكاظ	13
3	نخله	14
4	نصيبين	32
5	اليسيل الكبير	47

فهرست مصادر ومراجع

القرآن الكريم.

- 1- ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم بن عبدالسلام بن عبدالله الحرانى الدمشقى، مجموع الفتاوى، چاپ مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت (1421هـ ق 2000م).
- 2- ابن حزم، ابومحمد على بن احمد بن سعيد بن حزم الظاهرى، الفصل فى الملل والاهواء والنحل، بيروت، (1403هـ ق- 1983م).
- 3- ابن حزم، ابومحمد على بن احمد بن سعيد بن حزم الظاهرى، المحلى، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- 4- ابن كثير، ابو الفداء اسماعيل ابن عمر بن كثير بن ضوء بن ورع القرشى، تفسير القرآن العظيم = تفسير ابن كثير، ناشر: مكتبة فريديه، پشاور پاکستان.
- 5- ابن كثير، ابو الفداء اسماعيل ابن عمر بن كثير بن ضوء بن ورع القرشى ، الكامل فى التاريخ (مبارك بن محمد) چاپ صلاح بن محمد بن عويضة، بيروت (1418هـ ق - 1997م).
- 7- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، دارصادر، بيروت، سال (1414هـ ق).
- 8- اشقر، داکتر عمر سليمان، عالم الجن والشیاطین، ترجمه: گروهی فرهنگی انتشارات حرمین، تاریخ انتشار: عقرب (1394هـ ش) (1436هـ ق)
- 9- اشقر، داکتر عمر سليمان، توحيد محور زندگی، ترجمه، گروه فرهنگی انتشارات حرمین، نوبت انتشار، اول دیجیتالی ، تاریخ انتشار، 1394 شمسی، 1436 هجرى
- 10- اصفهانی، ابو القاسم الحسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن، محقق، صفوان عدنان الداودى، ناشر: دار القلم، الدار الشامیه - دمشق بيروت، الطبعة الاولى، 1412
- 11- الأندلسى، محمد بن يوسف، مشهور به ابى حيان، تفسير البحر المحيط، ناشر دار الكتب العلميه بيروت لبنان، طبع اول (1422 هـ - 2001 م) تحقيق: عادل احمد موجود، الشيخ على محمد معوض.
- 12- الباز، انور، تفسير تربيتى قرآن كريم، مترجم على آقا صالحى، تهران نشر احسان، سال چاپ (1395 هـ ش).

13- بالى، وحيد عبدالسلام، وقاية الانسان من الجن والشيطان، مترجم: مولوى عنايت الرحمن عبير.

14- ألبانى، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري، (المتوفى: (1420هـ ق) صحيح الجامع الصغير. الناشر: المكتب الإسلامي.

15- بخارى، محمد بن اسماعيل ابو عبدالله، الجامع المسند الصحيح المختصر من امور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وايامه، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة بيروت، طبع سوم، (1407ق - 1987م) محقق: دكتور مصطفى ديب البغا.

16- بدخشاني، شيخ محمد اكرم الدين، ازهر البيان فى تفسير كلام الرحمن، چاپ اول (1394هـ ش) انتشارات مكتبه اسلاميه لاهور.

17- البقاعى، امام برهان الدين ابو الحسن ابراهيم بن عمر، نظم الدرر فى تناسب الآيات والسور، ناشر: دار الكتب العلميه بيروت، طبع: دوم (1424 هـ ق 2002 م).

18- ترمذى، محمد بن عيسى ابو عيسى الترمذى السلمى، سنن الترمذى، ناشر: دار احياء التراث العربى، (ب ت) تحقيق: احمد محمد شاكر وآخرون.

19- ثعلبى، ابو اسحاق احمد بن محمد بن ابراهيم الثعلبى النيسابورى، الكشف والبيان، دار النشر: دار احياء تراث العربى، بيروت، لبنان، طبع اول سال (1422 هـ ق - 2002 م) تحقيق: امام ابى محمد بن عاشور.

20- الجرجانى، على بن محمد السيد الشريف، معجم التعريفات، قاموس لمصطلحات وتعريفات، تحقيق والدراسه محمد صديق المنشاوى. الناشر: دار الفضيله للنشر والتوزيع والتصدير الاداره القاهر

21- الجزائرى، جابر بن عبدالله بن موسى بن عبدالقادر بن جابر ابوبكر، أيسر التفاسير لكلام العلى الكبير، ناشر: مكتبة العلوم والحكم، المدينه المنوره، المملكة العربيه السعوديه، طبع: پنجم، سال (1424هـ ق - 2003م).

22- الجزائرى، مبارك بن محمد الميلى (2001)، رساله الشرك ومظاهره، دار الريه للنشر والتوزيع، الطبعة الأولى.

23- جهيد، پوهنوال عبدالواحد، عقايد اسلامى، انتشارات حامد رسالت چاب اول (1394هـ ش).

24- حكمتيار، انجينر گلبدين، جلوه های از اسرار قرآن، ناشر: دانشگاه تهران، سال (1379هـ ش)

25- الحنبلى، محمد بن احمد السفارينى الاثرى، لوامع انوار البهيتة وسواطع الاسرار الاثريه لشرح الدرّة المضيّه فى عقد الفرقة المرضيه. ناشر: مؤسسسه الخافقين - دمشق. (1402هـ ق- 1982م)

26- خازن، علاء الدين علي بن محمد بن إبراهيم البغدادي الشهير بالخازن، تفسير الخازن المسمى لباب التأويل في معاني التنزيل، دار النشر: دار الفكر- بيروت / لبنان(1399هـ ش 1979م)

27- الدامغانى، الحسين بن محمد، قاموس القرآن وإصلاح الوجوه والنظائر فى القرآن، ناشر: دار العلوم للملابين، (1983م)

28- ديوبندى، محمد أنور شاه بن معظم شاه الكشمري الهندي (المتوفى: 1353 هجرى)، فيض البارى على صحيح البخارى، محقق، محمد بدر عالم الميرتهى، ناشر: دارالكتب العلميه بيروت - لبنان، طبعيه: الاولى؛ 1426 هجرى، (2005 م)

29- راجى، عبدالقدوس، علوم القرآن، ناشر، انتشارات خراسان، نوبت چاپ، سوم، سال(1395م).

30- الرازى، أبو عبدالله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمى الرازى خطيب الراى، مفاتيح الغيب، (المتوفى 606 هـ ش) = التفسير الكبير، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الثالثة - (1420 هـ ق).

31- رستمى، ابى زكريا عبدالسلام، تفسير احسن الكلام، سال، (1430 هـ ق) مطابق با (2009م) مترجم، صادق بنت سيد عبدالاحد، ناشر، دار التفسير جامعه عربيه سيفن چوك كوهات رود، پشاور پاكستان.

32- رويفعى، الإ فريقي ، محمد بن مكرم بن على أبو الفضل جمال الدين ابن منظور الإنصارى، لسان العرب، ناشر: دار صادر- بيروت (1414م).

33- زحيلي، دكتور وهبه، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، الطبعة: الثانية، (1418هـ ق)، ناشر: دارالفكر المعاصر- دمشق.

34- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق، محمد ابوالفضل ابراهیم، ناشر.

35- سید سابق، عقاید اسلامی، تهران نشر احسان سال: (1380 هـ ق).

36- سیدقطب، ابراهیم حسین الشاربی، فی ظلال القرآن، مترجم: دکتر مصطفی خرم دل، تهران، سال چاپ (1387 هـ ش). نشر احسان، چاپ خانه اسوه-

37- السیوطی، حافظ جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق، محمد ابو الفضل ابراهیم، ناشر، المكتبة العصرية بیروت.

38- السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابن ابی بکر، لباب النقول فی اسباب النزول: چاپ چهارم. که توسط عبدالکریم ارشد فاریابی به زبان فارسی ترجمه و در سال (1388 هـ ش) ذریعه انتشارات خیری در کابل به چاپ رسیده است.

39- الشبلی، الشیخ الامام العلامة بدرالدین ابی عبدالله محمد بن عبدالله (المتوفی 769 هـ ق)، کام المرجان فی احکام الجان، دار الکتب العلمیه بیروت لبنان / 2185 ، 2495 -

40- صابونی، محمد علی الصابونی، صفوة التفاسیر، (ب ت) ناشر: مكتبة القرآن والسنة محله جنگی پشاور پاکستان.

41- صنعانی، محمد بن اسماعیل الامیر الکحلانی، (المتوفی: 1182 هـ) سبل السلام، ناشر: مكتبة مصطفى البابی الحلبي، الطبعة : الرابعة 1379 هـ / 1960 م.

42- طبرانی، ابو القاسم سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی. (1415 هـ ق). المعجم الكبير. القاهرة. ناشر: مكتبة ابن تیمیه. طبع دوم.

43- الطبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، (1420 هـ ق) جامع البیان فی تأویل القرآن = تفسیر طبری، مؤسسة الرسالة الطبعة الأولى.

44- عثمانی، محمد تقی، علوم القرآن، مترجم: عیدی دهنه، محمد عمر، چاپ اول، سال چاپ، (1383 هـ).

45- العسقلانی، احمد بن علی بن محمد بن حجر، فتح الباری بشرح صحیح الامام ابی عبدالله محمد اسماعیل البخاری، الطبعة الثالثة، ناشر دار الریان للتراث المكتبة السلفية شارع الفتح بالروضة - القاهرة.

46- العيني، أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين (المتوفى: 855هـ ق) عمدة القاري شرح صحيح البخاري. الناشر: دار إحياء التراث العربي- بيروت.

47- الفارابي، أبو نصر إسماعيل بن حماد الجوهري، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، (المتوفى: 393هـ) تحقيق: أحمد عبد الغفور عطار، الناشر: دار العلم للملايين - بيروت، الطبعة: الرابعة 1407 هـ ق - 1987 م،

48- فيروز آبادي، تنوير المقباس من تفسير ابن عباس، جمع كنده: فيروز آبادي، مجد الدين ابو طاهر محمد بن يعقوب، متوفى (817هـ) ناشر: دار الكتب العلمية لبنان.

49- قرطبي، أبو عبدالله محمد بن احمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين (1964)، الجامع الأحكام القرآن = تفسير القرطبي، القاهرة، دارالكتب المصرية ، الطبعة الثانية.

50- محمود، عبدالستار شلال الدهان، دلائل نفي علم الغيب عن رسول الله صلى الله عليه وسلم في القرآن الكريم.

51- مخلص، عبدالرؤف، انوار القرآن، انتشارات شيخ الاسلام احمد جام، چاپ دوم سال (1383هـ ق) چاپ خانه دقت.

52- مخلوف، شيخ محمد حسنين، صفوة البيان المعاني القرآن، (1410هـ ق). ناشر: المكتبة الاسلامية للقرآن وعلومه

53- مسلم، دكتور مصطفى، مباحث في التفسير الموضوعي، ناشر: دارالقلم، دمشق، طبع سوم، سال(1421 هـ ق - 2000 م).

54- مظهرى، محمد ثناء الله، تفسير مظهرى، محقق، غلام نبي التونسى، ناشر: مكتبة الرشيديه باكستان مطبعه.

55- مودودي، مولانا سيد ابو الا على، تفسير تفهيم القرآن، مترجم، قنبر زهى، عبدالغنى سليم، تهران، نشر: احسان، سال، (1398هـ ش).

56- الميدانى، حبنكة، عبدالرحمن حسن، العقيدة الاسلامية واسسها، دارالقلم دمشق بيروت.

57- النیشاپوری، أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری، صحیح مسلم، الناشر: دار الجیل بیروت دار الأفاق الجديدة - بیروت.

58- وب سایت ایمان، دنیای جن و سحر به استناد قرآن و احادیث نبوی، گرد آورنده و ترجمه: وب سایت ایمان، تاریخ انتشار: سرطان (1395 هـ ش) شوال (1437 هـ ق).

Summery

In this Surah in vv. 1-15, it has been told what was the impact of the Qur'an on the company of the jinn when they heard it and what they said to their fellow jinn when they returned to them. Allah, in this connection, has not cited their whole conversation but only those particular things which were worthy of mention. That is why the style is not that of a continuous speech but sentences have been cited so as to indicate that they said this and this. If one studies these sentences spoken by the jinn carefully, one can easily understand the real object of the narration of this event of their affirming the faith and or mentioning this conversation of theirs with their people in the Qur'an. The explanations that we have given of their statements in our Notes will be of further help in understanding this object.

After this, in vv 16-18, the people have been admonished to the effect: "If you refrain from polytheism and follow the way of righteousness firmly, you will be blessed; otherwise if you turn away from the admonition sent down by Allah, you will meet with a severe punishment." Then, in vv. 19-23, the disbelievers of Makah have been reproached, as if to say: When the Messenger of Allah calls you towards Allah; you surround and mob him from every side, whereas the only duty of the Messenger is to convey the messages of Allah. He does not claim to have any power to bring any gain or cause any harm to the people." Then, in vv. 24-25 the disbelievers have been warned to the effect: "Today you are trying to overpower and suppress the Messenger seeing that he is helpless and friendless, but a time will come when you will know who in actual fact is helpless and friendless. Whether that time is yet far off, or near at hand, the Messenger has no knowledge thereof, but it will come to pass in any case." In conclusion, the people have been told: The Knower of the unseen is Allah alone. The Messenger receives only that knowledge which Allah is pleased to give him. This knowledge pertains to matters connected with the performance of the duties of Prophet Hood and it is delivered to him in such security which does not admit of any external interference whatever



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master Program in Tafseer & Hadith



Islamic Aمارat of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

**Tafsir- e- Thematic of
Surah Ginn
A Master's thesis**

Student: Aisha Mutawakil

Supervisor: Shukr Allah "Mukhles"

Year: 2022



Salam University
Faculty of Sharia & Law
Master Program in Tafseer & Hadith



Islamic Amarat of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Tafsir- e- Thematic of
Surah Ginn
A Master's thesis

Student: Aisha Mutawakil

Supervisor: Shukr Allah "Mukhles"

Year: 2022